



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلت علیهم الصلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مرخوم علامه مجلسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشکات الانوار

نویسنده:

علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (ره)

ناشر چاپی:

انتشارات مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
مشکات الانوار	۷
مشخصات کتاب	۷
به عنوان پیشگفتار	۷
[مقدمه مؤلف]	۹
تنویر اول: در بیان فضیلت قرآن و حامل آن	۱۰
کوکب اول: «در بیان فضیلت قرآن»	۱۰
کوکب دوم: «در بیان فضیلت حامل قرآن است»	۱۱
کوکب سوم: «در بیان صفات قُرّاء قرآن و اصناف ایشان است»	۱۲
کوکب چهارم: «در بیان آداب خواندن قرآن است»	۱۵
کوکب پنجم: «در کیفیت ختم قرآن است»	۱۸
کوکب ششم: «در ثواب تعلیم و تعلّم و حفظ قرآن است»	۱۹
کوکب هفتم: «در ثواب قرائت قرآن»	۱۹
کوکب هشتم: «در بیان فضیلت تلاوت قرآن و نگاه داشتن قرآن»	۲۰
کوکب نهم: «در بیان فضایل و فواید بعضی از آیات و سور کریمه قرآنی»	۲۱
تنویر دوم: در بیان فضل دعا و شرایط و آداب آن است	۳۹
تنویر دوم: در بیان فضل دعا و شرایط و آداب آن	۳۹
نجم اول: «در بیان فضیلت دعا و فوائد آن است»	۴۰
نجم دوم: «در توضیح مجملی از شرایط و آداب دعا»	۴۱
نجم سوم: «در بیان سبب مستجاب نشدن بعضی از دعاها»	۴۸
تنویر سوم: در ذکر بعضی از اذکار و دعوات و تعقیبات است که به اسانید معتبره منقول گردیده است و این مشتمل بر چند باب است:	۵۳
باب اول: «در بیان فضیلت اذکار است و آن مشتمل است بر چند فصل»	۵۳
فصل اول: «در فضیلت تسبیحات اربع است»	۵۳

فصل دوم: «در ثواب تهلیل است و ثواب انواع آن»	۵۴
فصل سوم: «در فضیلت تسبیح است»	۵۶
فصل چهارم: «در فضیلت تحمید و انواع محامد است»	۵۷
فصل پنجم: «در فضیلت استغفار است»	۵۷
فصل ششم: «در فضیلت اذکار متفرقه است»	۵۸
باب دوم: «در بیان اذکاری که مخصوص وقتی چندند»	۶۰
فصل اول: در تعقیب نماز صبح و شام است و اذکاری که در صبح و شام باید خواند	۶۰
فصل دوم: در اذکار و ادعیه‌ای که در عقب هر نماز باید خواند	۶۲
فصل سوم: در تعقیب مخصوص نماز ظهر است	۶۴
فصل چهارم: در بیان تعقیب مخصوص نماز عصر است	۶۴
فصل پنجم: در بیان تعقیب مخصوص نماز خفتن است	۶۴
فصل ششم: در بیان سجده شکر است	۶۴
فصل هفتم: در بیان اذکاری است که در هنگام خواب باید خواند	۶۶
پی نوشت ها	۶۸
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان	۷۷

مشکات الانوار

مشخصات کتاب

سرشناسه: مجلسی محمدباقر بن محمدتقی ق ۱۱۱۱ - ۱۰۳۷ عنوان و نام پدیدآور: مشکات الانوار در فضائل و آداب قرائت قرآن محمدباقر مجلسی تحقیق و ویرایش واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران مشخصات نشر: قم مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران)، ۱۳۷۹. مشخصات ظاهری: ص ۲۴۰ شابک: ۹۶۴-۶۷۰۵-۴۸-۰۸۰۰۰-۰ ریال؛ ۹۶۴-۶۷۰۵-۴۸-۰۸۰۰۰-۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: قرآن -- سوره‌ها و آیه‌ها، خواص موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۲ شناسه افزوده: مسجد جمکران شناسه افزوده: مسجد جمکران واحد تحقیقات رده بندی کنگره: BP۷۱/۹ م ۳ ۱۳۷۹ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۷ شماره کتابشناسی ملی: ۷۹-۷۲۱۶

به عنوان پیشگفتار

«یا صاحب الزمان ادرکنا» آیا هنگام آن نرسیده است که انسان‌ها در هر جای زمین قرآن را بشناسند (۱)، مفاهیم والای آن را دریابند، و دستورات سعادت آفرین آن را برنامه زندگی خویش قرار دهند؟ آیا هنگام آن نرسیده است که بشریت به نور قرآن از ظلمات جهل و ضلالت بگریزد (۲)، و سرگشتگی‌های خویش را با ره جویی به طریقت نورانی قرآن پایان بخشد؟ آیا هنگام آن نرسیده است که دردمندان جامعه بشری به دواى الهی قرآن دست یابند، و ناتوانی‌های فکری، افسردگی‌های روحی، نابسامانی‌های رفتاری و از هم پاشیدگی روابط اخلاقی و اجتماعی خود را با داروی معجزه‌گر قرآن شفا دهند؟ (۳) آیا هنگام آن نرسیده است که به جای همه مسالک دنیا گرایانه و مکاتب انسان‌مدارانه، شریعت خدا محورانه قرآن، در جوامع بشری حاکمیت یابد؟ (۴) آیا هنگام آن نرسیده است که حداقل ما مسلمانان به خود آییم، این گنجینه بی‌نظیر علوم و معارف را قدر بشناسیم، چراغ روشن آیاتش را روشن‌گر راه زندگی قرار دهیم، و مضامین زندگی سازش را به عنوان آیین نامه سعادت فرد و جامعه خویش بپذیریم؟ (۵) آیا هنگام آن نرسیده است که به جای رفع عطش از مرداب‌های عفونت گرفته اندیشه غریبان و غرب پرستان، به چشمه زلال و همیشه جوشان معارف قرآن روی آوریم (۶) و در دریای پر فیض آیاتش اندیشه و جان خویش را از همه زنگارهای جهالت و غفلت و رذیلت شستشو دهیم؟ چرا در قرآن نمی‌اندیشیم؟ (۷) چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنیم؟ (۸) چرا قرآن را از محجوریت نجات نمی‌دهیم؟ (۹) چرا قرآن نمی‌خوانیم؟ (۱۰) خدا ما را به خواندن (۱۱) و اندیشیدن (۱۲) و عمل به قرآن (۱۳) فرمان داده است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ما را از دوری قرآن برحذر داشته (۱۴) و به گرفتن و تمسک جستن به آن (۱۵)، و همواره همراه آن بودن (۱۶)، توصیه فرموده است. امیرالمؤمنین علیه السلام ما را به فهم قرآن (۱۷) و اندرز خواهی (۱۸) و طلب شفا از آن نصیحت فرموده (۱۹)، و از این که مبادا دیگران در عمل به دستورات آن از ما پیشی گیرند، هشدار مان داده است (۲۰). امام صادق علیه السلام آن را عهد الهی شمرده، و ما را به رعایت این عهدنامه، و قرائت پنجاه آیه از آن در هر روز، فرا خوانده است (۲۱). هر کدام از ائمه بزرگوار اسلام علیهم السلام و هر یک از عالمان و ارسته و عالی مقام، ما را به اهتمام همیشگی نسبت به قرآن تذکر داده‌اند. علامه مجلسی رحمه الله یکی از سرشناس‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است که در کتاب شریف «مشکات الانوار» با بهره‌گیری از فیض کلام معصومین علیهم السلام، به گونه‌های مختلف کوشیده است تا با طرح ابواب مختلف پیرامون فضیلت قرآن، فضایل حاملان قرآن - قرآن‌های حقیقی که اهل بیت پیامبرند -، اصناف و صفات قاریان، آداب و صفات قرائت، کیفیت ختم، ارزش تعلیم و فواید برخی آیات و سور کریمه قرآنی، زمینه‌ای قوی برای رویکرد مسلمانان به این امانت عظیم الهی فراهم آورد. او خود در مقدمه کتاب می‌فرماید: «به دلالت آیات بینات و هدایت روایات و اوضحه الدلالات، چنین معلوم گردیده که «نماز» و «تلاوت قرآن» و «دعا» از اعظم عبادات بدیهه‌اند و

چون شرایط و آداب و اسرار نماز در رساله «ترجمه الصلوة» بیان شده، چنین به خاطر فاتر رسید که رساله ای در بیان فضیلت قرآن مجید و فضایل سور کریمه آن - که از طریق اهل بیت علیهم السلام منقول گردیده باشد - و شرایط و آداب تلاوت و فضیلت دعا و شرایط و آداب و وظایف قلبیه و بعضی از اسرار آن، و ذکر فضیلت بعضی از اذکار ضروریّه و ادعیه و تعقیبات مختصره - که به اسانید معتبره منقول گردیده - نوشته شود». چنانکه از همین بخش مقدمه مؤلف پیدا است، این کتاب سه قسمت دارد که با عنوان تنویر اول تا سوم به ترتیب درباره قرآن، دعا و برخی اذکار و تعقیبات است. «تنویر» در لغت به معنای نورانی ساختن، نور بخشیدن، روشن کردن و آشکار گردانیدن است. در تنویر اول، نه مبحث متفاوت قرآنی با تمثیلی زیبا و متناسب، تحت عنوان کوکب اول تا نهم، آسمان اندیشه قرآنیان را روشن ساخته‌اند. در تنویر دوم، سه مقاله پیرامون دعا، با عنوان نجم اول تا سوم، ستارگان فروزان شب‌های عارفان گشته‌اند. در تنویر سوم، باب اول با شش فصل و باب دوم با هفت فصل، درهایی از معرفت به روی حق جویان گشوده، دل و جان خدا شناسان را به تفرّج باغ همیشه بهار مناجات و یادِ یار حقیقی رهنمون شده‌اند. به راستی اگر نورانیت «نماز»، «قرآن»، و «دعا» را دریابیم و در روشنائی ذکر و یاد خدا، که روح نماز و قرآن و دعا است، تنفّس کنیم زندگانی جاودانه خویش و حرکت و پویایی و کمال جامعه خود را تضمین کرده‌ایم. بدون نماز، معراج انسان میسر نیست. بدون قرآن، نجات از ضلالت مقدور نیست. بدون دعا، گشوده شدن درهای رحمت پروردگار ممکن نیست. «مشکات الانوار» چراغ دان نور الهی است. چراغ دانی که با بهره‌گیری از نور آیات قرآن و کلام اهل بیت علیهم السلام به دست حکیم فرزانه و محقّق عارف، مولی محمد باقر مجلسی فراهم آمده است. بی‌مناسبت نیست که طیّ سطورى چند درباره شخص گرامی و شخصیت والای آن بزرگ مرد، نکاتی مختصر را یادآور شویم: ۱ - ولادت او در اصفهان و به تاریخ ۱۰۳۷ هجری قمری صورت گرفت. - یک سال قبل از مرگ شاه عباس کبیر -.

۲ - تاریخ ولادت او با عدد ابجدی عبارت «جامع کتاب بحار الانوار» مطابقت دارد، که خود علامه آن را از غریب روزگار می‌داند.

۳ - پدر بزرگوار او «محمد تقی مجلسی» فرزند «مقصود علی» از بزرگ‌ترین علمای شیعه و از پرهیزگارترین شخصیت‌های تاریخ تشیع است که ظاهراً در جبل عامل لبنان متولّد گشت و از شاگردان «شیخ بهایی» و محقّق ثانی - شیخ علی کرکی - بود. تألیفات متعدّدی در فقه و رجال و حدیث داشت و اولین کسی بود که احادیث شیعه را بعد از ظهور دولت صفوی در همه جا گسترش داد - متوفی به سال ۱۰۷۰ ه ق -.

۴ - مادر گرامی او زنی دانش‌اندوخته و حدیث شناس، از نزدیکان عالم بزرگوار شیخ عبدالله بن جابر جبل عاملی بود. ۵ - در اولین سال ولادت او پدر بزرگوارش به عتبات عالیات مشرف شد و با شروع زمستان قصد اقامه ای طولانی در نجف اشرف داشت که شبی مولا امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب دید که از مردن شاه عباس و جانشینی شاه صفی صفوی به او خبر دادند و فرمودند: «در سرزمین شما فتنه‌هایی شدید رخ می‌دهد و خدا می‌خواهد که تو در اصفهان باشی و در راه هدایت مردم مجاهدت نمایی. پس به اصفهان برگرد!». ۶ - در یکی از شب‌ها که پدر بزرگوار علامه در دل شب به تهجد و نماز شب مشغول بود، حالتی معنوی و جذبه ای عرفانی در خود یافت که یقین به استجابت دعایش پیدا کرد. در همین حال صدای گریه «محمد باقر» را از درون گهواره شنید و از خدا خواست که او را خادم شریعت و احیاگر ولایت قرار دهد. خدا دعایش را مستجاب فرمود! ۷ - علامه محمد باقر مجلسی از همان آغاز جوانی با کسب فیض از پدر بزرگوار و علمای ارزشمندی همچون: مولا محمد صالح مازندرانی، امیر محمد مؤمن استرآبادی، ملا محسن فیض کاشانی، سید میرزا جزائری و شیخ عبدالله بن جابر عاملی به درجه عالی اجتهاد دست یافت. و کرسی درس و بحث او در همه جا مشهور گشت. ۸ - او سیزده عنوان کتاب و رساله به زبان عربی نوشت که تنها کتاب «مرآة العقول» - که شرح بر کتاب کافی است -، دوازده مجلد را تشکیل می‌دهد و «بحار الانوار» که مجموعه‌ای بی‌نظیر از احادیث شیعه است، بیست و شش مجلد چاپ سنگی است که در دهه‌های اخیر به تعداد یکصد و ده جلد به قطع وزیری چاپ شده است. ۹ - او علاوه بر کتب عربی، حدود شصت کتاب و رساله به زبان فارسی نگاشته است که مشهورترین آن‌ها «عین الحیاء»، «حلیة المتقین»، «حیاء القلوب»، و «مشکات الانوار» است. و «حقّ یقین» آخرین کتاب او است. ۱۰ - او با استفاده

از نفوذ خویش در دربار صفویان در ترویج فرهنگ تشیع، اداره امور شیعیان و راهبری های سیاسی آنان نیز موفقیت‌های بی‌نظیری یافت. ۱۱- او در یک برخورد سیاسی حساب شده، طرفداران «صوفیه» را در اصفهان محصور و تحرکات انحراف آمیز آنان را تحت مراقبت قرار داد. ۱۲- او صدها شاگرد نخبه و ممتاز پرورش داد و ده‌ها تن از علمای برجسته و مؤلفین صاحب نام را اجازه روایت عنایت کرد. ۱۳- عاقبت در ۲۷ رمضان سال (۱۱۱۱ هـ ق) به سن ۷۳ سالگی دیده از جهان فرو بست و پس از عمری سراسر تلاش و مجاهدت، به دیدار حق شتافت. در کتاب «روضات» سال وفات او را ۱۱۱۰ نوشته‌اند. در تاریخ وفاتش به حساب ابجدی سروده‌اند: «مقتدای جهان ز پا افتاد». ۱۴- آرامگاه او در اصفهان، کنار مدفن پدر بزرگوارش، در مدخل جامع عتیق زیارتگاه عاشقان ولایت و شیفتگان علم و حکمت است. «مشکات الانوار» که برخی آن را خلاصه کتاب دیگر علامه مجلسی به نام «عین الحیاء» می‌دانند، اگرچه تا کنون چاپ‌های متعددی داشته است، لکن چاپ کنونی امتیازاتی ویژه دارد که از آن جمله است: ۱- برای آن که عبارت‌های کتاب روان گردد، سعی شده است تا آنجا که به مطلب و نثر کتاب خللی وارد نشود، ویرایش و علامت گذاری گردد. ۲- در مواردی که کلمه‌ای اضافه شده: با علامت [مشخص گردیده است. ۳- مصادر آیات و روایات تحقیق، در باورقی ذکر شده است. با امید به ظهور حجت حق، «حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف -» که «شریک القرآن» و «روح دعا» است، حاصل این تلاش ناچیز را به همه علاقه‌مندان و منتظران حضرتش تقدیم می‌داریم. واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران تابستان ۱۳۷۹

[مقدمه مؤلف]

«مشکات الانوار» حمدی به سان نعمتهای بخشنده وجود، و تحیات بی‌انتهای، و سپاسی چون رحمت‌های مفیض جمیع خیرات و کمالات بیرون از حد احصاء، سزاوار معبود بی‌نیاز، و خالق بنده نوازی است که به لطف کامل و احسان شامل خویش، این تهیدستان خاکی نژاد و فرومایگان نیستی بنیاد را، از خاک مذلت برگرفته، به سجده آستان عبودیتش، تارک مطیعان را به عرش رفعت رسانید، و به غبار درگاه مفیض الانوارش، جبین مخلصان را مطلع شوارق انوار «سیماهم فی وجوههم» گردانید، و در یوزه گران سرای امکان را راه عرض نیاز و حاجت داده، بر بساط قرب نشانید و خوان الوان نعمتهای روحانی برای عارفان اسرار ربّانی در کتاب مستطاب خود، گسترانید. و صلوات نامیات و تحیات زاکیات، بر مرقد مطهر و ضریح منور رفیع القدری باد که هیچ مرغ روحی از بیابان عدم به سوی آشیان بدن، بدون شفاعت او پرواز نداشته و هیچ مخلوقی از دروازه نیستی، بی پروانه رخصت او، پا به معموره هستی نگذاشته [است]. فرش خاک و سقف افلاک، خانه پستی است که برای منزلگاه ملازمانش ساخته‌اند، و از سطح زمین تا عرش برین، میدان تنگی است که برای جولانگاه بیکرانیش پرداخته‌اند؛ اَعْنِی سَیِّد الْمُرْسَلِین و فخر العالمین و شفیع المذنبین و رحمه الله علی الأولین و الآخرین محمّد بن عبدالله خاتم النبیین. و درود متواتر الورد بر آل اطهار و اهل بیت اخیار او، که به نور تولّای شان قنادیل (۲۲) دل‌های محبتان روشنی بخش زمین و آسمان گردیده و از شعشعه خورشید محبت شان، صبح صادق یقین و ایمان از جبین شیعیان دمیده، خصوصاً سید اوصیا، و امام اتقیا، و فریاد رس روز جزا، و محرم سرادق لو کشف الغطا، باب مدینه علم، و لنگر سفینه حلم، اَعْنِی وَلِیُّ اللَّهِ الْمُرْتَضِی و سیف الله المنتضی، امیرالمؤمنین، و یعسوب المسلمین، اسدالله الغالب، و شهاب الله الثاقب، سَیِّد الْوَصِیَّین علی بن ابی طالب، صلوات الله علیهم اجمعین و لعنه الله علی اعدائهم ابد الابدین. اما بعد چنین گوید فقیر خاکسار و ذره بی‌مقدار، محمد باقر بن محمد تقی - حشرهما الله مع الانبیاء الابرار - که چون به دلالت آیات بینات و هدایت روایات واضحه الدلالات، چنین معلوم گردیده که نماز و تلاوت قرآن و دعا از اعظم عبادات بدنیّه‌اند و چون شرایط و آداب و اسرار نماز در رساله «ترجمه الصلوة» بیان شده، چنین به خاطر فاطر رسید که رساله‌ای در بیان فضیلت قرآن مجید و فضایل سور کریمه آن - که از طریق اهل بیت علیهم السلام منقول گردیده باشد - و شرایط و آداب تلاوت و فضیلت دعا و شرایط و آداب و

وظایف قلبیه و بعضی از اسرار آن و ذکر فضیلت بعضی از اذکار ضروریّه و ادعیه و تعقیبات مختصره - که به اسانید معتبره منقول گردیده - نوشته شود. و بحمدالله به مساعدت تأییدات ربّانی و تقویت توفیقات سبحانی به اتمام رسید، مأمول از الطاف فیاض بی‌منت و وهاب بی‌ضنت (۲۳) آن که کافّه مؤمنان را از این رساله فرومایه منتفع گرداند و بهره‌ای از ثواب ایشان به این مجرم تبه‌کار برساند. و چون بعد از غروب خورشید رسالت در افق عالم بقاء، و اختفاء اقمار امامت در سحاب ظلم اهل جفا، تا هنگام ظهور تابشیر صبح سعادت نشان دولت سلاطین صفویّه، انار الله برهانهم، به سبب استیلاء ائمه ضلال و سلاطین خسران مآل، اهل حق که فرقه ناجیه اثنا عشریه اند، از اظهار مراسم دین و اعلاّی معالم شریعت سیّد المرسلین، و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین عاجز بودند و پیوسته در پرده خفا لباس تقیه، مذهب حق را اظهار می‌نمودند و اکنون از برکات این دولت ابد قرین، بحمد الله سالهاست که کافه شیعیان در مهد امن و امانند و علمای ملت بیضاء، در نشر علوم اهل بیت رسالت و قلع مبانی بدعت و ضلالت مساعی جمیله به تقدیم میرسانند. پس دعای خلود دولت این دودمان ابد توامان بر کافه شیعیان متحتم و شکر نعمت ایشان بر ذمه عامه مؤمنان واجب و لازم است. علی الخصوص پادشاه آگاه، والا- جاه، دین پناه، ملایک سپاه، گردون بارگاه، مهبط تجلیات ربّانی و مورد فیوض سبحانی، محیی مراسم ملت و رونق افزای شرع مبین، دلنواز درویشان مسکنت قرین، خجسته اخلاقی که پیوسته خلوت زاویه نشینان به مصباح دعایش روشن است و مجالس دانشوران از ریاحین ثنائش گلشن است. حدیقه دل گشایش دل اصحاب فضل و عرفان، و مسکن و مأوایش سینه حق شناسان و خدا پرستان، به یمن تربیتش بساتین شریعت غزا خرم و سیر آب، و به رشحات سحاب مکرمتش حدائق ملت بیضاء سرسبز و شاداب. فرع شجره و غصن دوحه کریمه امامت و خلافت اعنی السلطان الاعظم الخاقان الافخم الا-کرم، مروج مذهب آبائه الطاهرین حامی حوزه الاسلام والمسلمین، محرز ممالک الدنیا، مظهر کلمات العلیه سلطان السلاطین فی الافاق، ملاذ الخواقین بالاستحقاق السلطان بن السلطان، و الخاقان بن الخاقان، السلطان، سلیمان خان الموسوی الصفوی بهادر خان مدّ الله ضلاله و افضاله و رأفته و معدلته علی مفارق اهل الایمان. که به پادشاهت صورت و معنی از سلاطین جهان ممتاز است و به اطاعت فرمان: انّ الله یأمُر بالعدل والاحسان سرافراز است و پیوسته عنان عزم همایونش به جانب احیای مراسم دین و ملت و پیروی دقایق احکام شریعت مصروف و معطوف است، لهذا این تحفه محقر را هدیه مجلس سامی آن اعلیٰ حضرت گردانید، و این رساله فرومایه را به عزّ عرض رسانید، اگر مرضی طبع منیر و مقبول ضمیر کیمیا تأثیر گردد از مراحم شاهانه و عواطف خسروانه خواهد بود، امید که از برکات توجّهات ظلّ الهی مشهور اصقاع، و مقبول اطباع گردیده، ثوابش به روزگار فرخنده آثار عاید گردد. آنّه علی کل شیء قدیر. و این رساله مشتمل است بر سه «تنویر» و لهذا مسّی گردید به «مشکات الانوار».

تنویر اول: در بیان فضیلت قرآن و حامل آن

کوکب اول: «در بیان فضیلت قرآن»

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هرگاه ملتبس و مشتبه شود بر شما فتنه‌ها مانند پاره‌های شب تار، پس بر شما باد به قرآن؛ به درستی که قرآن شفاعت کننده‌ای است که شفاعتش را قبول می‌کنند، و با هر که مجادله نماید و حجت بر او تمام کند تصدیقش می‌نمایند، و هر که آن را پیشوای خود گرداند او را به بهشت می‌رساند، و هر که آن را به پشت سر اندازد و به آن عمل ننماید، او را به سوی جهنم می‌راند. و راهنمایی است که به بهترین راهها دلالت می‌کند، و کتابی است که در آن تفصیل و تبیان جمیع احکام است، آن را ظاهری است و باطنی، ظاهرش احکام الهی است و باطنش علوم نامتناهی است، ظاهرش خوشایند است و باطنش عمیق است. آن را نجوم و کواکبی هست که برای احکام الهی دلیلند و بر آن نجوم، نجوم دیگر هستند که مردم را

به آن احکام می‌رسانند - یعنی ائمه معصومین علیهم السلام که علم قرآن نزد ایشان است - عجایب قرآن را احصا نمی‌توان نمود و غریب آن هرگز کهنه نمی‌شود و در آن چراغهای هدایت افروخته است و انوار حکمت از آن ظاهر است. راهنما است به سوی آمرزش گناهان، کسی را که از آن بیابد اوصاف آمرزش را، پس باید که هر کس دیده خود را در قرآن به جولان درآورد و دیده دل خود را برای مطالعه انوار آن بگشاید تا از هلاکت نجات یابد و از ورطه های ضلالت خلاص شود، به درستی که تفکر نمودن موجب زندگانی دل‌های بینا است و در تاریکی های جهالت، نور تفکر راهنما است، پس نیکو خود را خلاص کنید و در فتنه‌ها خود را مگذارید». (۲۴) در حدیث دیگر فرمود که: «قرآن هادی است در ضلالت، بیان کننده است در کوری جهالت، و دست گیرنده است در لغزش ها، و نور است در ظلمتها، و ظاهر کننده بدعتها است، و نگاه دارنده از مهالک است، و در گمراهی ها راهنما است، و بیان کننده فتنه‌ها است و رساننده است از دنیا به آخرت و کمال دین شما در قرآن است و هیچ کس از آن عدول ننمود مگر به سوی آتش». (۲۵) و حضرت صادق علیه السلام فرمود که: «خداوند عزیز جبار، کتاب خود را به سوی شما فرستاده است؛ راستگویی است که به وعده‌های خود وفا می‌نماید و مشتمل است بر احوال و اخبار شما و اخبار گذشته‌ها و اخبار آینده‌ها و اخبار آسمان و زمین. اگر آن کسی که علمش را می‌داند شما را خبر دهد به آنچه در قرآن است از اخبار غیب و علوم بی‌انتها، تعجب خواهید کرد». (۲۶) و به اسانید متواتره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که فرمود: «از میان شما می‌روم و دو چیز عظیم در میان شما می‌گذارم؛ یکی کتاب خدا که ریسمانی است آویخته از آسمان به زمین، و دیگری عترت و اهل بیت من، پس ببینید که با ایشان چگونه سلوک خواهید کرد و حرمت ایشان را چون خواهید داشت». (۲۷)

کوکب دوم: «در بیان فضیلت حامل قرآن است»

به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «دیوان‌ها که در قیامت حساب می‌کنند سه دیوان است؛ دیوان نعمتها و دیوان حسنات و دیوان گناهان. پس چون دیوان نعمت‌ها و دیوان حسنات را برابر کنند، نعمتها تمام حسنات را فراگیرد و دیوان گناهان باقی ماند، پس فرزند آدم را طلبند که گناهانش را حساب کنند و در این حال، قرآن به بهترین صورتهای بیاید و در پیش آن مرد روان شود و گوید: خداوند! منم قرآن و این بنده مؤمن تو است که خود را به تعب می‌انداخت به تلاوت من و در درازای شب، مرا به ترتیل می‌خواند و چون مرا در تهجد می‌خواند آب از دیده‌اش جاری می‌شد، خداوند! او را راضی کن چنانکه مرا راضی کرده، پس خداوند عزیز جبار فرماید: ای بنده من! دست راستت را بگشا، پس پر کند حق تعالی آن را از رضا و خشنودی خود و دست چپش را پر کند از رحمت خود، پس به او گوید که: اینک بهشت از برای تو مباح است؛ قرآن بخوان و بالا برو، پس هر یک آیه که بخواند یک درجه بالا رود». (۲۸) و در حدیث دیگر فرمود: «حق تعالی به قرآن خطاب فرماید که: به عزت و جلال خودم سوگند که امروز گرامی دارم هر که تو را گرامی داشته و خوار کنم هر که تو را خوار کرده». (۲۹) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که فرمود: «قرآن را یاد گیرید، به درستی که قرآن در قیامت می‌آید به نزد حامل خود به صورت جوان خوشرو و می‌گوید: منم آن قرآن که به سبب من شبها بیدار می‌بودی و در روزها به سبب روزها، خود را تشنه می‌داشتی و به سبب کثرت تلاوت من دهانت خشک می‌شد و آب دیده‌ات جاری می‌شد، امروز با توام هر جا که می‌روی؛ و هر که تجارتی کرده، امروز از پی تجارت خود می‌رود و من به عوض تجارت جمیع تاجرانم برای تو، بشارت باد تو را که به زودی کرامت الهی به تو می‌رسد. پس تاجی می‌آورند و بر سرش می‌گذارند و نامه امان از عذاب را به دست راستش می‌دهند و نامه مخلم بودن در بهشت را به دست چپش می‌دهند و دو حله بر او می‌پوشانند و به او می‌گویند: قرآن بخوان و بالا رو و به عدد هر آیه به درجه‌ای بالا می‌رود و پدر و مادرش را دو حله می‌پوشانند اگر مؤمن باشند و می‌گویند به ایشان: این برای آن است که به فرزند خود تعلیم قرآن کردید». (۳۰) و حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود: «بر شما باد به قرآن، به درستی که

حق تعالی بهشت را یک خشت از طلا و یک خشت از نقره خلق فرموده و به جای گل، مشک خوشبو و به عوض خاک، زعفران و به جای سنگریزه، مروارید در آن مقرر گردانید و درجاتش را به عدد آیات قرآن گردانید؛ پس کسی که قرآن خوانده باشد به او می‌گویند: بخوان و بالا-رو، و هیچ کس در بهشت درجه‌اش از او بالاتر نیست مگر پیغمبران و صدیقان». (۳۱) و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «اشراف و بزرگان ائمت من حاملان قرآنند و جمعی که در شب عبادت می‌کنند». (۳۲) و در حدیث دیگر فرمود که: «حاملان قرآن، بزرگان اهل بهشتند». (۳۳) و فرمود که: «خدا عذاب نمی‌فرماید دلی را که قرآن را حفظ نماید». (۳۴) و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «اهل قرآن در اعلا‌ی درجات بهشتند بعد از پیغمبران، پس ضعیف و حقیر شما را اهل قرآن را و حق ایشان را سهل بدانید که ایشان را نزد حق تعالی منزلت رفیع است». (۳۵)

کوکب سوم: «در بیان صفات قراء قرآن و اصناف ایشان است»

بدان که حامل قرآن را بر چند معنی اطلاق می‌کنند و چند قسم می‌باشند. اول: آن است که لفظ قرآن را درست یاد گیرد و این اول مراتب حاملان قرآن است و در این مرتبه، تفاضل به زیادتی علم قرآنی است و دانستن آداب و محسنات قرائت می‌باشد و زیادتی حفظ کردن و در خاطر داشتن سور و آیات قرآنی. دوم: دانستن معانی قرآن است، و در زمان سابق چنین مقرر بوده است که قاریان قرآن، تعلیم معانی آن نیز می‌نموده‌اند، و این مرتبه، از دانستن لفظ بالاتر است و تفاضل در این مرتبه، بر زیادتی و نقصان فهم معانی قرآن از ظهور و بطون می‌باشد. سوم: عمل نمودن به احکام قرآن و متخلق شدن به اخلاقی است که قرآن بر مدح آنها دلالت دارد و خالی شدن از صفاتی است که بر مذمت آنها دلالت دارد. پس حامل حقیقی قرآن کسی است که حامل الفاظ و معانی قرآن گردیده باشد و به صفات حسنه آن، خود را آراسته باشد. و بدان که قرآن، خوان احسان معنوی خداوند رحمن است - چنانچه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «الْقُرْآنُ مَأْدِبَةُ اللَّهِ» (۳۶) یعنی قرآن، خوان نعمت خدا است - و خوان کریمان، جامع می‌باشد و در خور هر کس، نعمت در آن می‌باشد. سبزی و تره می‌دارد، و الوان حلوا و نفایس می‌دارد، لهذا هیچ کس نیست که از قرآن بهره نداشته باشد. جمعی کثیر از راه کتابت لفظش بهره‌های دنیوی و اخروی می‌برند، حتی آن کسی که مُرگبش را به عمل می‌آورد و آن کسی که کاغذش را می‌سازد و آن کاتبی که می‌نویسد و کار فرمایی که مزد می‌دهد و غیر ایشان از جماعتی که در کتابت قرآن دخیل می‌باشند، اگر از برای خدا کنند، بهره دنیا و آخرت می‌برند و اگر از برای دنیا کنند بهره دنیوی می‌برند، و جمعی از تعلیم و تعلم لفظش، بهره‌های دنیوی و اخروی می‌برند. و صاحبان هر علم از علوم نامتناهی را بهره از قرآن هست چنانچه صرفی، از وجوه تصاریف و اشتقاقاتش استنباط می‌نماید و نحوی، از انحاء تراکیبش استشهاد می‌نماید و معانی بیانی (۳۷)، از نکات غریبه اش فایده‌مند می‌شود و اصحاب بلاها، از برکات آیات کریمه‌اش به تلاوت کردن و نوشتن نفع می‌یابند و ارباب مطالب دنیوی و اخروی به آیات و سورش پناه می‌برند و مطالب خود را می‌یابند. و یک راه اعجاز قرآن، تأثیرات غریبه آیات و سور آن است و ارباب تکسیر (۳۸) و اصحاب عدد (۳۹) و غیر ایشان، همه به قرآن پناه می‌برند و از معانی غریبه اش، جمیع صاحبان علوم مختلفه منتفع می‌شوند از متکلم و حکیم و فقیه و اصحاب ریاضی و صاحبان علوم اخلاق و طبیبان و اصحاب اکسیر و منشیان و شعرا و ادبا و غیر ایشان از جماعتی که از ظاهر قرآن بهره دارند. و از هر بطنی از بطون قرآن، جمعی که قابل آن هستند از اصحاب عرفان و ارباب ایقان، فواید و حکم و معارف نامتناهی می‌یابند. پس حامل کامل قرآن مجید، جمعی اند که جمیع بهره‌های قرآن را بر وجه کمال داشته باشند و ایشان، حضرت رسول و اهل بیت کرام او - صلوات الله علیهم اجمعین - اند، زیرا که معلوم است به احادیث متواتره که، لفظ قرآن مخصوص ایشان است و قرآن تمام کامل، نزد ایشان است و علوم قرآنی که در میان است، همه به اتفاق به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منسوب است. و ایضاً احادیث متواتره (۴۰) وارد است که معانی قرآن را کسی بغیر ایشان نمی‌داند، و علم ماکان و مایکون تا روز قیامت و جمیع شرایع و احکام در قرآن هست و علمش نزد ایشان مخزون

است و قرآن را هفت بطن تا هفتاد بطن است و علم جمیع آن بطون نزد ایشان است و همچنین عمل نمودن به جمیع احکام و شرایع قرآن مخصوص ایشان است، چون از جمیع خطاها معصومند و به جمیع کمالات بشری متّصف اند. و ایضاً اکثر قرآن در مدح ایشان و مذمت مخالفان ایشان است، چنانچه وارد شده است که: «ثلث قرآن در شأن ما است و ثلث آن در مذمت دشمنان ما و ثلث دیگر فرایض و احکام است» (۴۱). و این معنی نیز ظاهر است که مدح هر صفت کمالی که در قرآن واقع است به مدح صاحب آن صفت برمی گردد و صاحب آن صفت بوجه کمال ایشانند و مذمت هر صفت نقصی که وارد شده است به مذمت صاحبان آن صفت بر می گردد که دشمنان ایشانند. و چون قرآن شخصی نیست قائم به ذات، بلکه عرضی است که در محالّ مختلفه، ظهورات مختلفه می دارد، چنانچه پیوسته در علم واجب الوجود بوده و از آنجا در لوح ظاهر گردیده و از آنجا به روح حضرت جبرئیل منتقل گردید[ه] و از جانب خدا بلاواسطه و به واسطه جبرئیل در نفس مقدس نبوی صلی الله علیه و آله وسلم ظاهر گردیده و از آنجا به قلوب اوصیا و مؤمنان درآمده و در صورت کتابتی ظهور نموده [است]. پس اصل قرآن را حرمتی است، و به سبب آن، در هر جا که ظهور کرده آن محل را حرمتی بخشیده و در هر جا که ظهورش زیاده است موجب حرمت آن چیز بیشتر گردیده؛ پس هرگاه آن نقشهای مرگب و لوح و کاغذی که بر آن نقش بسته و جلدی که مجاور آنها گردیده - با این که پست ترین ظهورات است - آن قدر حرمت به آنها بخشیده باشد که اگر کسی خلاف آدابی نسبت به آنها به عمل آورد، کافر می شود، پس قلب مؤمنی که حامل قرآن گردیده، حرمتش زیاده از نقش و کاغذ قرآن خواهد بود، چنانچه وارد شده است که: «مؤمن حرمتش از قرآن بیشتر است». و از مضامین و اخلاق حسنه قرآن، هر چه در مؤمن بیشتر ظهور کرده موجب احترام او زیاده گردیده و هر چه خلاف آن اوصاف از نقایص و معاصی و اخلاق ذمیمه ظهور کرده، موجب نقصان ظهور قرآن و نقص حرمت گردیده، پس این مراتب ظهورات قرآن و اوصاف آن زیاده می گردد تا چون به مرتبه جناب با رفعت نبوی صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت کرام اوعلیهم السلام می رسد مرتبه ظهورش به نهایت می رسد. چنانچه در وصف حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم وارد شده است که «كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ» (۴۲) یعنی خُلق آن حضرت قرآن بود، بلکه اگر به حقیقت نظر کنی قرآن حقیقی، ایشانند که محلّ لفظ قرآن و معنی قرآن و اخلاق قرآنند. چنانچه دانستی که قرآن، چیزی را می گویند که نقش قرآن در آن باشد و نقش کامل قرآن - به حسب معنی و لفظ - در قلوب مطهر ایشان حاصل است. چنانچه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار می فرمودند که «منم کلام الله ناطق» (۴۳) و این است معنی آن حدیث که حضرت باقر علیه السلام فرمود در حدیث طولانی که: «قرآن به صورت نیکویی به صحرای محشر خواهد آمد و شفاعت حاملان خود خواهد کرد. راوی پرسید که آیا قرآن سخن می تواند گفت؟ حضرت تبسم نمود و فرمود: خدا رحم کند ضعیفان شیعیان ما را، که آنچه از ما می شنوند تسلیم می کنند و اذعان می نمایند. بعد از آن فرمود که نماز، شخص است و صورتی دارد و خلقی دارد و امر و نهی می کند. راوی گوید که صورت من متغیر شد و گفتم این سخن را در میان مردم نقل نمی توانم کرد. حضرت فرمود: «هر که ما را به نماز شناسد حق ما را نشناخته و انکار حق ما کرده، بعد از آن فرمود: می خواهی سخن قرآن را به تو بگویم. گفتم: بلی، فرمود: در قرآن است که نماز نهی می کند از فحشا و منکر، و ذکر خدا بزرگتر است. حضرت فرمود: چون نماز نهی می کند پس سخن می گوید و فحشا و منکر، مردی چندند و ما یم ذکر خدا و ما بزرگتریم». (۴۴) چون این مطلب در حلّ اخبار اهل بیت علیهم السلام بسیار دخیل است زیاده از این توضیح نمایم اَصَوْب است. بدان که هر چیزی را صورتی و معنی و جسدی و روحی هست خواه اخلاق و خواه عبادات و خواه غیر اینها، و جمعی که حشویه اند به ظاهرها دست زده اند و پا از آن به در نمی گذارند و خود را از بسیاری از حقایق محروم گردانیده اند، و جمعی به بواطن و معانی چسبیده اند و از ظواهر دست برداشته اند و به سبب این، ملحد شده اند، و صاحب دین آن است که هردو را به سمع یقین بشنود و هر دو را اذعان نماید. مثل آن که بهشت را صورتی است که عبارت از در و دیوار و درخت و آنهار و حور و قصور است، و معنی بهشت، کمالات و معارف و قرب و لذات معنوی است که در بهشت صوری می باشد. حشوی می گوید: در بهشت به غیر لذت خوردن و آشامیدن و

جماع کردن معنی ندارد. ملحد می‌گوید: بهشت در و دیوار و درختی ندارد، همان لذت‌های معنوی را به این عبارات تعبیر کرده‌اند و به این سبب، منکر ضروری دین گردیده و کافر شده است. اما صاحب یقین می‌داند که هر دو حق است و در ضمن لذت‌های صوری، لذت‌های معنوی حاصل می‌شود، چنانچه در اول کتاب، اشاره به این معنی کردیم. و همچنین در باب صراط واقع شده است که «صراط، دین حق است» و واقع شده است که «اهل بیت، صراط مستقیم اند» و وارد شده است که «صراط، محبت علی بن ابی‌طالب علیه السلام است». (۴۵) و واقع شده است که «صراط، جسری است (۴۶) بر روی جهنم». (۴۷) همه حق است، زیرا صراط آخرت، نمونه صراط دنیا است و در دنیا فرموده‌اند که: «بر صراط دین حق و ولایت اهل بیت مستقیم می‌باید بود و از چپ و راست شعبه‌های بسیار از مذاهب مختلفه و گناهان کبیره هست که هر که متوجه آنها می‌شود از این صراط بدر می‌رود و این صراط، راهی است در نهایت باریکی و دقت و نازکی، و کمینگاه‌ها دارد که شیاطین بر آن رخنه‌ها در کمین نشسته‌اند، و عقبه‌ها از عبادات شاقه و ترک معاصی دارد که بسیار کسان از آن عقبه‌ها راه را گم کرده‌اند و نمونه این صراط، بعینه صراط آخرت است که در نهایت باریکی و دقت و دشواری است و بر روی جهنم می‌گذارند». پس کسی که پیوسته در این صراط مستقیم بوده، در آن صراط، راست به بهشت می‌رود و هر که به سبب اعتقاد فاسدی یا کبیره هلاک کننده‌ای از این صراط به در رفته، به همان عقبه و کمینگاه که می‌رسد پایش از آن صراط می‌لغزد و به جهنم می‌افتد. و همچنین مارها و عقرب‌های دوزخ، صورت اخلاق ذمیمه است و درخت‌ها و حور و قصور، صورت و ثمره افعال حسنه است و همچنین نماز را در دنیا، روحی و بدنی هست؛ بدن نماز آن افعال مخصوصه است و روح نماز، ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد اوست و کار روح، آن است که جسد را باقی می‌دارد و منشأ حرکات و آثار بدن می‌گردد. پس نماز بی ولایت، چون موجب کمالی نمی‌گردد و باعث قرب نمی‌شود و از عذاب نجات نمی‌بخشد، مانند بدن مرده است. پس ولایت، روح آن است، و چون نماز کامل از ایشان [اهل بیت علیهم السلام] صادر می‌شود و اگر از دیگری صادر شود به برکت ایشان می‌شود، پس بقای نماز به ایشان است. به این سبب، خود روح نمازند و چون وصف نماز در ایشان کامل گردیده و خلق ایشان شده، گویا با نماز متحدند. پس همچنان که لفظ انسان را بر بدن آدمی و بر روح و بر روح با بدن، هر سه اطلاق می‌نمایند همچنین نماز را بر آن افعال و بر این ذوات مقدسه و بر آن ذوات با اتصاف به این صفت، اطلاق می‌نمایند. پس نماز [ای که در قرآن واقع می‌شود ظاهرش که این افعال است مراد است و باطنش که ولایت است مراد است و منافات با یکدیگر ندارد و جمعی از ملاحده اسماعیلیه به سبب این که این احادیث را نفهمیده‌اند، انکار عبادات کرده و کافر شده‌اند و می‌گویند: نماز، کنایه از شخصی است و روزه، کنایه از شخصی است و این اعمال در کار نیست. و جمعی از حشویه به جانب تفریط افتاده، انکار این احادیث کرده و رد کرده‌اند. و همچنین ایمان، چون به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کامل گردیده و آن حضرت بر وجه کمال به آن متصف است و بقای ایمان به برکت آن حضرت است و ولایتش رکن اعظم ایمان است و ایمان در جمیع اعضا و جوارح سرایت کرده و پیوسته از آثار و افعالش انوار ایمان مشاهده می‌شود، اگر ایمان بر آن حضرت اطلاق کنند در بطن قرآن بعید نیست، و همچنین مخالفان اینان در باب کفر و معاصی چنینند. پس روح و معنی و محل حقیقی صلات و ایمان و زکات و غیر اینها از عبادات علی بن ابیطالب علیه السلام و فرزندان اویند، و روح و معنی و محل حقیقی فحشا و منکر و فسق و عصیان ابوبکر و عمر و عثمان و سایر دشمنان ایشانند که به سبب ایشان کفر و معاصی باقیمانده و در ایشان کامل بوده. و همچنین کعبه را حرمت داده‌اند برای این که محل فیوض الهی و معبد دوستان خداست. و دل‌های ائمه معصومین علیهم السلام و دوستان ایشان که محل معرفت و محبت یاد خداست، از کعبه اشرف است، و کعبه حقیقی، ایشانند، اما نباید کسی انکار حرمت آن کعبه ظاهر کند، یا انکار حج کند تا کافر شود بلکه می‌باید اول به کعبه ظاهر رود و بعد از آن به کعبه باطن رود و از انوار هردو بهره‌مند شود. چنانچه به اسناد معتبر از حضرت امام جعفر صادق و امام محمد باقر صلوات الله علیهما منقول است که فرمودند: «این سنگها را برای این بنا کرده‌اند که مردم بیابند به طواف، و به وسیله این طواف، به خدمت ما برسند و معالم دین خود را از ما یاد

گیرند، و ولایت خود را بر ما عرض نمایند». (۴۸) و زیاده از این معنی را در این مقام نمی‌توان بسط داد. اما اگر ادراک این معنی درست نمودی بسیاری از مشکلات اخبار بر تو ظاهر می‌گردد و معنی نهی کردن نماز را می‌فهمی که هم نماز، خودش در کسی که کامل شد موجب قرب می‌شود و از معاصی و متابعت ارباب معاصی نهی می‌فرماید و منع می‌کند، و هم ائمه معصومین علیهم السلام که روح نمازند نهی می‌کنند بلکه همان معنی نمازی که در ایشان کامل گردیده و موجب اعلای مراتب قرب ایشان گردیده، به زبان ایشان متکلم است و تو را منع می‌نماید. زیاده از این سخن در این مقامات نازک گفتن، موهم معانی کفر آمیز می‌شود. رجوع می‌کنیم به نقل اخباری که در وصف حاملان قرآن وارد شده است. به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «قاریان قرآن بر سه قسم اند: یکی شخصی است که قرآن خوانده و آن را سرمایه دنیای خود و وسیله جلب فواید و اموال از پادشاهان گردانیده است، و به قرآن بر مردم استطاله و زیادتی و فخر می‌کند. و شخصی دیگر آن است که قرآن را خوانده است، و حروف آنرا حفظ و ضبط نموده، و حدود و احکامش را ضایع ساخته است، و همین در راست کردن لفظش سعی می‌نماید، خدا این جماعت را در میان حاملان قرآن بسیار نکند. و شخص دیگر آن است که قرآن خوانده، و دوی قرآن را بر دردهای دل خود گذاشته، و شب هایش را به قرآن بیدار داشته، و به سبب قرآن روزها تشنه مانده به روزه داشتن، و به قرآن بر پا ایستاده است در مساجد و جاهای نماز، و در شبها پهلوی از رختخواب تهی کرده است به سبب قرآن. پس به برکت این جماعت خداوند عزیز جبار رفع می‌نماید بلاها را، و به این جماعت غلبه می‌دهد مسلمانان را بر دشمنان، و به این جماعت حق تعالی باران از آسمان می‌فرستد؛ و الله! که این جماعت در میان قاریان کمترند از گوگرد احمر». (۴۹) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «سزاوارترین مردم به تَخَشُّع و تَضَرُّع در آشکار و نهان، حامل قرآن است، و سزاوارترین مردم در پنهان و آشکار به نماز و روزه حامل قرآن است. بعد از آن به آواز بلند ندا فرمودند: ای حامل قرآن به سبب قرآن تواضع و فروتنی کن تا خدا تو را بلند مرتبه گرداند، و به قرآن طلب عزت از مردم مکن که خدا تو را ذلیل می‌گرداند، و مُتَزَّین شو به قرآن از برای خدا، تا خدا تو را زینت بخشد، و آن را برای مردم زینت مکن که خدا تو را معیوب و بد نما گرداند. به درستی که هر که قرآن را ختم نماید چنان است که گویا پیغمبری را در میان دو پهلوی او جا داده‌اند، بدون آن که وحی به او بیاید؛ و کسی که تمام قرآن را خوانده باشد از برای او سزاوار آن است که با جاهلان جهالت نکند، و در میان جمعی که به غضب می‌آیند به غضب نیاید، و زود از جا به در نرود. بلکه باید عفو کند، و بپوشاند، و در گذرد، و حلم کند، از برای تعظیم قرآن. و کسی را [که] به او قرآن عطا کرده باشند، گمان کند که خدا به کسی از خلق چیزی بهتر از آنچه به او کرامت فرموده داده است از اموال و اسباب دنیا، پس به تحقیق که عظیم شمرده است چیزهایی را که خدا حقیر شمرده و حقیر دانسته چیزی را که خدا عظیم گردانیده است». (۵۰) و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که قرآن را بخواند و با خواندن قرآن حرامی بیاشامد یا محبت دنیا و زینت های آن را بر قرآن اختیار کند مستوجب غضب الهی گردد، مگر آن که توبه کند و اگر بی توبه بمیرد، در قیامت قرآن بر او حجت خود را تمام کند که او را عذری نماند». (۵۱)

کوکب چهارم: «در بیان آداب خواندن قرآن است»

و آن مشتمل است بر شرایط بسیار اول ترتیل در قرآن است چنانچه حق تعالی می‌فرماید: «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» (۵۲) ترتیل کن در قرائت قرآن، ترتیل کردنی. و ترتیل، قدری از آن واجب است و قدری مستحب، ترتیل واجب به حسب مشهور آن است که حروف را از مخارج ادا نماید، و حفظ احکام وقف و وصل بکند که اگر دو کلمه را متصل به یکدیگر خواند و فاصله در میان به قطع نفس یا سکت طویل نکند، کلمه اول را ساکن نخواند، بلکه آخرش را به اول کلمه لا حق وصل کند؛ و اگر وقف کند بر کلمه، وقف به حرکت نکند. چنانچه منقول است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال نمودند از معنی ترتیل؟ فرمود: «ترتیل حفظ وقف ها

و ادا نمودن حرفها است از مخارج». (۵۳) و ترتیل مستحب، شمرده خواندن و به تأنّی خواندن قرآن است به حیثیتی که حروف در یکدیگر داخل نشوند که خوب ممتاز نشود و بسیار هم پاشان نخواند، که حروف از هم بپاشد، و اتصال کلام از هم برطرف شود با رعایت صفات حروف و مدّها و اقسام وقف ها که از کتب قرائت، تفصیل آنها معلوم می‌شود، و این معانی را نیز داخل در آنچه حضرت فرموده‌اند می‌توان کرد. و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که از تفسیر ترتیل پرسیدند؟ فرمود: «حروف را خوب ظاهر گردان و تند بخوان به نحوی که عربان شعر را می‌خوانند، و از هم می‌پاش حرفها را مانند ریگی که بپاشند، ولیکن به فرع و خوف آورید یا بکوبید به خواندن قرآن دل‌های سخت را، و چنان نباشد که همت بر آخر سوره گمارید و تند بخوانید که زود تمام شود». (۵۴) دوم به تدبّر و تفکر خواندن و متوجه معانی آن گردیدن و به رقت و خشوع خواندن است و باید که از مواظب قرآن متذکر شود و از احوال گذشتگان عبرت گیرد. چون به آیه رحمتی رسد از خدا بطلبد، و چون به آیه عذابی رسد استعاذه نماید. چنانچه به اسناد بسیار از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین منقول است که: «خیری نباشد در قرائتی که در آن تدبّر نباشد». (۵۵) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که «قرآن به حزن نازل شده است، آن را به حزن بخوانید». (۵۶) و از حفص منقول است که «حضرت امام موسی علیه السلام از شخصی پرسیدند: بقای دو دنیا را می‌خواهی؟ گفت: بلی. فرمود: چرا؟ گفت: از برای خواندن قل هو الله احد. حضرت بعد از زمانی فرمودند: «ای حفص! هر که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن نداند، حق تعالی او را در قبر تعلیم قرآن می‌فرماید، تا درجات او را بلند گرداند. زیرا درجات بهشت به قدر آیات قرآن است. به قاری می‌گویند: بخوان و بالا-رو. پس هر آیه که بخواند، یک درجه بالا-رود. حفص گفت: کسی را ندیدم که خوفش یا امیدش زیاده از آن حضرت باشد؛ و چون قرآن می‌خواند به حزن و اندوه می‌خواند، و به نحوی می‌خواند که گویا به مشافهه با کسی خطاب می‌کند». (۵۷) و از رجاء بن ضحاک منقول است که، «حضرت امام رضا علیه السلام در راه خراسان چون به میان رختخواب می‌رفتند تلاوت بسیار می‌فرمودند، و چون به آیه‌ای می‌رسیدند که در آن ذکر بهشت یا دوزخ بود، می‌گریستند و از خدا سؤال بهشت و استعاذه از جهنم می‌نمودند؛ و چون در نماز سوره قل هو الله احد می‌خواندند بعد از احد آهسته می‌گفتند: «اللّهُ أَحَدٌ». و چون سوره را تمام می‌کردند سه مرتبه می‌گفتند: «كَذَلِكَ اللّهُ رَبُّنَا». و چون سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» می‌خواندند بعد از لفظ کافرون آهسته می‌گفتند «یا ایها الکافرون»، و چون از سوره فارغ می‌شدند سه مرتبه می‌فرمودند: «رَبِّيَ اللّهُ وَ دِينِيَ الْإِسْلَامُ» و چون از سوره «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ» فارغ می‌شدند می‌خواندند: «بَلَىٰ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكِ مِنَ الشَّاهِدِينَ» و چون سوره «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ» می‌خواندند بعد از فراغ می‌فرمودند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بَلَىٰ». و چون از سوره فاتحه فارغ می‌شدند می‌فرمودند: «الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و چون سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى می‌خواندند، بعد از اعلی آهسته می‌فرمودند: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»، و در هر جای قرآن که «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» می‌خواندند، آهسته می‌فرمودند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ». (۵۸) و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هرگاه یکی از مُسَبِّحات را خواندید بگویید «سُبْحَانَ اللَّهِ الْأَعْلَى وَمَسَبِّحات، چند سوره اند که در اولشان یُسَبِّحُ یا سَبَّحَ است. و چون بخوانید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ»، صلوات بفرستید خواه در نماز باشد و خواه در غیر نماز و چون بخوانید: «قُولُوا آمَنَّا» بگویید: «آمَنَّا بِاللَّهِ» و تتمه آیه را بخوانید تا مسلمین». (۵۹) و به سند معتبر دیگر منقول است که: «حضرت امام رضا علیه السلام در هر سه روز یک ختم قرآن می‌فرمودند و می‌گفتند: اگر خواهم در کمتر از سه روز ختم می‌توانم کرد ولیکن به هیچ آیه نمی‌گذرم هرگز، مگر آن که در معنی آیه تفکر می‌نمایم، و در سبب نزولش تأمل می‌کنم، و به یاد می‌آورم که در چه وقت نازل گردیده. بنابر این در هر سه روز یک ختم می‌کنم». (۶۰) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که «چون سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» می‌خواندند، بعد از «لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ» می‌گفتند: «أَعْبُدُ رَبِّي» و بعد از اتمام سوره می‌فرمودند: «دِينِيَ الْإِسْلَامَ عَلَيْهِ أَخِيَا وَعَلَيْهِ أَمُوتُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ». (۶۱) و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سزاوار است کسی که قرآن می‌خواند چون بگذرد به آیه‌ای که در آن سؤال یا بی‌می باشد باید سؤال کند از خدا بهترین آنچه امید دارد و سؤال

کند عافیت از آتش جهنم و عذاب را». (۶۲) و در مَوْثِقِ دیگر از آن حضرت منقول است که: «چون کسی سوره والشمس بخواند، چون تمام کند بگوید: «صَدَقَ اللَّهُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ»، و چون بخواند: «اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ»، بگوید: «اللَّهُ خَيْرٌ اللَّهُ خَيْرٌ اللَّهُ أَكْبَرُ»، و چون بخواند «ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ»، بگوید: «كُذِبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ» و چون بخواند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا تَا وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا» سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ». راوی سؤال کرد که اگر چیزی از اینها نگوید چون است؟ فرمود: که برای او چیزی نیست». (۶۳)

و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است که: «آیات قرآنی خزینه های حکمت ربّانی است؛ پس در هر خزانه را که می‌گشایی باید که در آن نظر نمایی». (۶۴) به تفکر، جواهر معانی و حکمتها را بیرون آوری. و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که فرمود: «اگر هر که در ما بین مشرق و مغرب است بمیرد بعد از آن که قرآن با من باشد وحشت به هم نمی‌رسانم؛ و چون آن حضرت «مَالِئِکَ یَوْمَ الدِّینِ» را می‌خواندند، تکرار می‌فرمودند به حدّی که نزدیک بود هلاک شوند». (۶۵) و الحق چگونه وحشت به هم برساند کسی که انیس او خداوند عالمیان باشد، و چون خواهد سخن بگوید با خداوند خود سخن گوید و مناجات کند و راز بگوید، و اگر خواهد کسی با او سخن بگوید قرآن بخواند. گاهی که خدا به او خطاب فرماید و خود را مخاطب به آن خطاب‌ها دانسته «لَبَّیکَ» در جواب گوید. و گاهی پیغمبران با او سخن گویند و خطاب‌های ایشان را چنان داند که از ایشان می‌شنود، بلکه آن جماعت که پیغمبران با ایشان سخن می‌گفته‌اند کور و کری چند بوده‌اند، و کسی که آگاه است مخاطب به خطاب ایشان بیشتر است، زیرا خطاب‌های ایشان برای جمیع عالمیان است. و گاهی حق تعالی برای او قصّه می‌خواند، و احوال گذشتگان را برای او نقل می‌کند، و از شادی این کرامت، نزدیک است که قالب تهی کند، و گاهی خوان نعمتهای بهشت از برایش می‌کشد، و آن که عارف است چون از نعمتهای بهشت برای این لذت می‌برد که از دوست به او می‌رسد، و از وعده‌اش نیز همان لذت [می‌برد] بلکه بیشتر؛ و محبان، نشئه شراب طهور بهشت را در این نشئه بیشتر می‌یابند و گاهی اوصاف خود را برای او بیان می‌فرماید و او را در گلستان‌های صفات کمالیه خود، به سیر [وا] می‌دارد. گاهی در گلستان رحمانیت تکلیف سیر می‌کند که چه خوان‌ها مملوّ از الوان نعمت برای کافر و مسلمان کشیده و چه نعمتهای خفی و جلی بر عاصیان گناهکاران دارد، و گاهی به سیر گلستان رحیمیت می‌فرستد که چه لطف‌های خاص و شفقت‌های بی اندازه نسبت به دوستان خود فرموده. و گاهی به سیر بوستان رزاقیت می‌برد او را، که هیچ برگ و گیاهی نیست که بهره خاصی از خوان رزاقیت او نداشته باشد، حتی آن برگ ضعیفی که در منتهای درخت است قدری از روزی برای آن مقدر است از ریشه‌ای که ده گز در زمین فرورفته، و دهن گشاده، از آب و خاک به دهان خود می‌کشد چه قدر به آن برسد و زیاده و کم نرسد. و گاهی به سیر گلستان قدرتهای نامتناهی می‌برد، و گاهی درهای گنجهای علوم و معارف نامتناهی بر رویش می‌گشاید، از انواع جواهر حقایق آنچه دیده‌اش تاب آورد، بر او عرض می‌نماید و همچنین در صفات جلال و جمال و رفعت و کمال. و گاهی احوال دوستان خود و کمالات ایشان را برای او نقل می‌کند، و از بنده نوازی‌های خود امیدوار می‌گرداند که دوستان چندین هزار سال گذشته را احوال ایشان را به چه مهربانی نقل می‌فرماید، و نعمتها که خود به ایشان عطا فرموده، ایشان را به آنها می‌ستاید و بیان شکیبایی ایشان و مشقت‌ها که در راه او کشیده‌اند، می‌فرماید. و بعد از آن بیان تدارک فرمودن خود می‌نماید، و از بیان فرمودن وسعت حلم و مزید کرمهای خود نسبت به گذشته‌ها، دستگاه امید را وسیع می‌گرداند. زهی پروردگار کریم که با غایت لطف و مدارا، مانند پدر مشفق و ادیب مهربان، برای تکمیل بندگان، گاهی به وعده حور و قصور و طعام و شراب تطمیع می‌نماید؛ و گاهی به وعید انواع زجر و عذاب، تهدید می‌فرماید. پس کسی که از روی تبتّه و آگاهی و تفکر، قرآن خواند و درهای گلستان‌های فیض نامتناهی یزدانی بر روی عقل او مفتوح گردیده باشد، و دیده دلش را نور ادراک معارف داده باشند؛ در هر صفحه‌ای از صفحات قرآن که نظر می‌فرماید، گلستانی از شقایق حقایق برایش مرتب ساخته‌اند؛ و چراغانی از الوان انوار معارف و هدایت برایش مهیا کرده‌اند، و محفلی مملو از دوستان و برگزیدگان خدا برای انس و الفت او نشانیده‌اند، و انواع نعمتهای روحانی و اصناف لذتهای عقلانی برایش حاضر ساخته‌اند، و قدح‌های مرد از ما از

شراب طهور لطف و محبت برایش پر کرده‌اند [و] میزبانش خداوند مهربان است، و مصاحبانش پیغمبران و اوصیا و صدیقان؛ در چنین بزمی، اگر کسی از شادی نمیرد، وحشت چرا گیرد؟! سوم با طهارت بودن است در هنگام تلاوت چنانچه از محمد بن الفضیل منقول است که به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض نمود که: «من قرآن می‌خوانم و مرا بول می‌گیرد، بر میخیزم و بول و استنجا می‌کنم، بر می‌گردم و شروع به تلاوت می‌کنم. حضرت فرمود: مکن تا وضو نسازی. (۶۶) و این شرط بر سبیل استحباب است. بلکه ظاهر احادیث معتبر آن است که جنب و حیاض را نیز تلاوت غیر سوره‌های سجده مستحب است، و بعضی زیاده از هفت آیه را مکروه دانسته‌اند، و زیاده از هفتاد آیه گفته‌اند که کراهتش بیشتر است؛ ولیکن احادیث صحیح دلالت دارد بر این که هر چقدر از قرآن که خواهد می‌تواند خواند، به غیر از سوره‌های سجده؛ و تلاوت سوره‌های سجده واجب، برایشان حرام است. چهارم استعاذه است و خلاقی نیست در این که در هر وقت که شروع به قرائت کند استعاذه مستحب است، و در کیفیت آن میان قراء خلاقی هست، و مشهور میان علمای شیعه یکی از دو صورت است: اول: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و این میان سنی و شیعه مشهورتر است. دوم: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». و در بعضی از روایات شیعه بعد از این، «وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونَ» وارد شده است. و در بعضی از روایات «أَسْتَعِذُّ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»، تنها وارد شده و در بعضی با «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» وارد شده است. و در بعضی به جای «أَسْتَعِذُّ»، «أَعُوذُ» وارد شده است و در بعضی «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ» وارد شده است؛ و آن دو وجه اول شهر و اولی است. (۶۷) پنجم رو به قبله بودن است چنانچه منقول است که بهترین مجالس آن است که آدمی رو به قبله باشد و بعضی دیگر از آداب در کتب تفسیر و قرائت مذکور است و ذکر آنها در این مقام موجب تطویل می‌گردد.

کوکب پنجم: «در کیفیت ختم قرآن است»

به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض نمود که: من در یک شب قرآن را ختم می‌کنم حضرت فرمود: مرا خوش نمی‌آید که در کمتر از یک ماه ختم کنی». (۶۸) و به سند معتبر منقول است که، «ابوبصیر به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که: من قرآن را در یک شب ختم کنم؟ فرمود: نه، گفت در دو شب؟ فرمود: نه، تا به شش شب رسانید، حضرت اشاره فرمودند: بلی. بعد از آن فرمودند: جمعی که پیش از شما بودند قرآن را در یک ماه و کمتر ختم می‌کردند. به درستی که قرآن را تند نمی‌باید خواند به نحوی که حروفش گم شوند در یکدیگر، ولیکن به ترتیل می‌باید خواند؛ و چون به آیه‌ای گذری که در آن یاد بهشت باشد توقف کن، و از خدا بهشت را سؤال کن؛ و چون به آیه‌ای گذری که در آن ذکر آتش باشد توقف کن و استعاذه کن به خدا از آتش جهنم؛ پس ابوبصیر پرسید که در ماه رمضان در یک شب ختم بکنم؟ فرمود: نه پرسید که در دو شب ختم بکنم؟ فرمود: نه، پرسید که در سه شب ختم بکنم؟ اشاره فرمود: بلی. ماه رمضان را حق و حرمت دیگر هست که ماههای دیگر به آن شباهت ندارند و در آن نماز بسیار بکن». (۶۹) و به سند معتبر دیگر منقول است که: «از آن حضرت سؤال نمودند که در چند روز قرآن را ختم کنم؟ فرمود که: پنج قسمت کنید یا هفت قسمت، و نزد من قرآنی هست که دوازده قسمت کرده‌اند». (۷۰) و علی بن المغیره به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود: «پدرم از جدّت سؤال نموده بود از ختم کردن قرآن در هر شب، حضرت فرموده بودند: بلی؛ پدرم در ماه مبارک رمضان چهل ختم می‌کرد و من گاهی ختم می‌کنم و گاهی زیاد و گاهی کمتر به قدر آنچه فراغ و مجال داشته باشم. پس چون روز فطر می‌شود یک ختم از برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم قرار می‌دهم و یکی را از برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و یکی را از برای حضرت فاطمه علیها السلام و دیگر از برای هر یک از ائمه علیهم السلام یکی، و یکی از برای شما؛ تا حال پیوسته چنین کرده‌ام. چه ثواب از برای من خواهد بود به سبب این عمل؟ آن حضرت فرمود: خدا به سبب این عمل چنین خواهد کرد که در قیامت تو با ایشان باشی. راوی

گفت: الله اکبر! چنین ثوابی برای من خواهد بود؟! حضرت سه مرتبه فرمود که: بلی. (۷۱)

کوکب ششم: «در ثواب تعلیم و تعلم و حفظ قرآن است»

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که حافظه‌اش کم باشد و قرآن را به مشقت حفظ کند، حق تعالی دو اجر به او کرامت فرماید». (۷۲) و در حدیث دیگر فرمود: «سزاوار نیست که مؤمن بمیرد، مگر آن که قرآن را یاد گرفته باشد یا مشغول یاد گرفتن باشد». (۷۳) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که یاد گرفتن قرآن بر او دشوار باشد و به مشقت یاد گیرد، او را دو اجر است». (۷۴) و به سند معتبر از یعقوب احمر منقول است که: «به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمودم: مرا غمها رو داده که آنچه در خاطر داشتم فراموش کرده‌ام، حتی بسیاری از قرآن را نیز فراموش کرده‌ام. چون نام قرآن را بردم، حضرت را فزعی و خوفی حاصل شد و فرمود: به درستی که شخصی که فراموش کرده است سوره‌ای از قرآن را، آن سوره در قیامت درجه بلندی از درجات بهشت بر او مشرف می‌شود و می‌گوید: «السلام علیک» او در جواب می‌گوید: «و علیک السلام» تو کیستی؟ می‌گوید که من فلان سوره‌ام که مرا ضایع کردی و ترک نمودی؛ اگر به من متمسک می‌شدی و مرا از دست نمی‌دادی امروز تو را به این درجه می‌رسانیدم، بعد از آن فرمود: بر شما باد به یاد گرفتن قرآن، به درستی که جمعی قرآن را یاد می‌گیرند که ایشان را قاری گویند، و جمعی قرآن را یاد می‌گیرند که با آواز خوش بخوانند تا مردم بگویند خوش آوازند، و در این دو طایفه خیری نیست؛ و جمعی قرآن را یاد می‌گیرند که شب و روز در نمازها بخوانند و پروا ندارند که کسی بداند یا نداند». (۷۵) و احادیث بسیار موافق این حدیث در مذمت فراموش کردن قرآن واقع شده است و ظاهر بعضی فراموش کردن لفظ است و ظاهر بعضی ترک عمل نمودن به معانی آن، و معنی دوم ظاهر است که بد است. و اول، اگر از روی بی‌اعتنایی باشد بد است، و اگر بی‌اختیار به سبب ضعف حافظه از خاطرش محو شود قصور ندارد؛ و بعضی احادیث که وارد شده است که قصور ندارد، بر این معنی محمول است. چنانچه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که قرآن را یاد گیرد عمداً فراموش کند، چون به محشر درآید دستش در گردنش باشد، و خدا به عدد هر آیه ماری بر او مسلط گرداند که در آتش جهنم قرین او باشند، مگر آن که خدا او را بیامرزد». (۷۶) و فرمود که: «نیکان شما گروهی اند که قرآن یاد گیرند و یاد دهند». (۷۷) و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حق تعالی گاهی هست که قصد می‌فرماید عذاب اهل زمین را، که یکی از ایشان را استثنا نفرماید به سبب بسیاری گناهان ایشان؛ پس چون نظر می‌فرماید به پیران که قدم برمی‌دارند به سوی نمازها، و اطفال که قرآن یاد می‌گیرند، ایشان را رحم می‌فرماید و عذاب را از ایشان تأخیر می‌نماید». (۷۸)

کوکب هفتم: «در ثواب قرائت قرآن»

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «قرآن عهد نامه الهی است به سوی بندگان، پس سزاوار این است که هر مسلمانی در فرمان الهی نظر نماید و هر روز پنجاه آیه بخواند». (۷۹) و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می‌شود و یاد خدا در آن می‌شود برکت در آن خانه بسیار می‌شود و ملائکه در آن خانه، حاضر می‌شوند و شیاطین از آن خانه دور می‌شوند و روشنی می‌دهد آن خانه، اهل آسمان را چنانچه کواکب روشنی می‌دهند اهل زمین را، و خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نمی‌شود و یاد خدا نمی‌کنند، برکت آن خانه کم است و ملائکه دوری می‌کنند و شیاطین در آن خانه حاضر می‌باشند». (۸۰) و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «خانه‌ای که در آن مسلمانی قرآن خواند، اهل سماوات، آن خانه را به یکدیگر می‌نمایند؛ چنانچه اهل دنیا ستاره‌های روشن را به یکدیگر می‌نمایند». (۸۱) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که ایستاده در نماز، قرآن بخواند حق تعالی به عدد هر حرفی صد حسنه در نامه عملش بنویسد،

و اگر نشسته در نماز [قرآن] بخواند، به هر حرفی پنجاه حسنه از برایش بنویسد و اگر در غیر نماز بخواند، به هر حرفی ده حسنه از برایش بنویسد». (۸۲) و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که فرمود: «چه چیز مانع می‌شود تاجر آن شما را - که مشغولند در بازار - از این که چون به خانه برگردند نخوانند تا سوره‌ای از قرآن بخوانند تا حق تعالی بجای هر آیه، ده حسنه از برای ایشان بنویسد و ده گناه از ایشان محو نماید». (۸۳) و از بشر بن غالب منقول است که حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: «هر که آیه‌ای از کتاب خدا را ایستاده [در حال نماز] بخواند، حق تعالی به هر حرفی صد حسنه از برای او بنویسد و اگر در غیر نماز بخواند، به هر حرفی ده حسنه از برایش بنویسد و اگر گوش دهد قرآن را، به هر حرفی حسنه‌ای از برایش بنویسد و اگر در شب، قرآن را ختم نماید ملائکه تا صبح بر او صلوات فرستند و اگر در روز [قرآن را] ختم کند ملائکه کاتبان اعمال، تا شام بر او صلوات فرستند و البته بعد از ختم قرآن، یک دعای مستجاب از برای او هست و ختم قرآن از برای او بهتر است از مابین آسمان و زمین که پر از ثواب باشد. راوی عرض نمود: که اگر قرآن نخوانده باشد چه کند؟ فرمود: حق تعالی بخشنده و کریم است، اگر هر چه می‌داند بخواند، خدا او را از این ثواب می‌دهد». (۸۴) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در مکه ختم کند قرآن را، از جمعه تا جمعه یا بیشتر یا کمتر، و ختمش در روز جمعه باشد حق تعالی اجر و ثواب از برای او بنویسد از اول جمعه که در دنیا بوده است تا آخر جمعه که خواهد بود، و همچنین اگر در روزهای دیگر ختم نماید». (۸۵) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که در شبی ده آیه بخواند او را از غافلان نویسند، و اگر در شبی پنجاه آیه بخواند او را از ذاکران بنویسند، و اگر صد آیه بخواند او را از قانتان بنویسند، و اگر دویست آیه بخواند او را از خاشعان بنویسند، و اگر سیصد آیه بخواند او را از رستگاران و فایزان بنویسند، و اگر پانصد آیه بخواند او را از جماعتی بنویسند که سعی بسیار در عبادت کرده باشند، و اگر هزار آیه بخواند برای او قنطاری از نیکی بنویسند که هر قنطاری پانزده هزار مثقال از طلا باشد و هر مثقال بیست و چهار قیراط و قیراط کوچکش مثل کوه اُحُد باشد و قیراط بزرگش مثل مابین زمین و آسمان». (۸۶) و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است که: «هر که حرفی از کتاب خدا را گوش دهد بی آن که بخواند، حق تعالی برای او حسنه‌ای بنویسد و گناهی از او محو نماید و درجه‌ای برای او بلند گرداند؛ و کسی که حرفی از قرآن را یاد گیرد، حق تعالی ده حسنه برای او بنویسد و ده سیئه از او محو نماید و ده درجه برای او بلند گرداند و فرمود که: نمی‌گویم به هر آیه به او این ثواب می‌دهند، بلکه به هر حرفی مانند «با» و «تا». و هر که حرفی از قرآن را نشسته در نماز بخواند، خداوند عالمیان پنجاه حسنه بر او ثبت نماید و پنجاه گناه از او محو کند و پنجاه درجه از برای او بلند گرداند؛ و هر که حرفی را ایستاده در نماز بخواند، حق تعالی صد حسنه برای او ثبت نماید و صد سیئه از او محو و صد درجه برای او بلند کند؛ و کسی که قرآن را ختم کند، حق تعالی به او یک دعای مستجاب عطا کند از برای دنیا یا آخرت». (۸۷) و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: «اگر کسی به آیه قرآن پناه برد از شر دشمنان، اگر از مشرق تا مغرب دشمن او باشند از شر همه ایمن گردد، اگر به یقین و اعتقاد بخواند». (۸۸) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «شخصی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم شکایت کرد درد سینه خود را، حضرت فرمود: بخوان قرآن و طلب شفا کن؛ زیرا حق تعالی می‌فرماید: قرآن شفای دردهایی است که در سینه‌ها است». (۸۹) و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که صد آیه بخواند از هر جای قرآن که باشد و بعد از آن هفت مرتبه یا الله بگوید، اگر بر سنگی دعا کند خدا آن را بشکافد». (۹۰) و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «هر که از بلیه ترسد و صد آیه بخواند از هر جای قرآن که خواهد، بعد از آن سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ»، خدا آن بلا را دفع نماید». (۹۱) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه مبارک رمضان است». (۹۲)

از حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام منقول است که: «هر که از مصحف تلاوت نماید از چشمش برخوردار شود و عذاب پدر و مادرش را تخفیف دهند؛ هر چند کافر باشند». (۹۳) و به روایت دیگر فرمود: «دوست می‌دارم در خانه مصحفی باشد که حق تعالی به برکت آن مصحف، شیاطین را از آن خانه دفع نماید». (۹۴) و در حدیث دیگر فرمود: «سه چیز است که به خدا شکایت خواهند کرد، مسجد خرابی که اهلش در آن نماز نکنند، و عالمی که در میان جهال باشد و حرمتش را نگاه ندارند، و مصحفی که آویخته باشد و غبار بر آن نشسته باشد و از آن تلاوت ننمایند». (۹۵) و از اسحاق منقول است که به آن حضرت عرض نمود که: «من قرآن را در حفظ دارم، از خاطر بخوانم بهتر است یا نظر در مصحف کنم و بخوانم فرمود: از مصحف بخوان بهتر است، مگر نمی‌دانی که نظر کردن در قرآن عبادت است؟!». (۹۶) و در حدیث دیگر فرمود: «شش چیز است که مؤمن به آنها منتفع می‌شود بعد از مرگش، فرزند صالحی که از برای او استغفار نماید، و مصحفی که از او بماند که تلاوت نمایند، و چاهی که از برای خدا بکند، و درختی که از برای خدا بنشاند، و صدقه و آبی که جاری گرداند، و سنت نیکویی که بگذارد که بعد از او مردم به آن سنت عمل نمایند». (۹۷) و در حدیث مناهی نبی صلی الله علیه و آله وسلم وارد است که: «نهی فرمود از این که قرآن را به آب دهن محو نمایند یا به آب دهان بنویسند». (۹۸) و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «نظر بر روی علی بن ابیطالب علیه السلام کردن عبادت است، و نظر بر روی پدر و مادر به مهربانی و شفقت کردن عبادت است، و نظر به مصحف کردن عبادت است، و نظر به کعبه کردن عبادت است». (۹۹)

کوکب نهم: «در بیان فضایل و فواید بعضی از آیات و سوره کریمه قرآنی»

«سورة الفاتحة» به سند معتبر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، نزدیکتر است به اسم اعظم الهی از سیاهی چشم به سفیدی چشم». (۱۰۰) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است: «هر که را علتی عارض شود و در همان وقت هفت مرتبه سوره حمد را بخواند، اگر علتش برطرف شود اکتفا نماید و اگر نه هفتاد مرتبه بخواند و من ضامنم از برای او عافیت را». (۱۰۱) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که سوره حمد را بخواند، حق تعالی به عدد هر آیه که از آسمان نازل شده است ثواب به او کرامت فرماید». (۱۰۲) و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «خداوند عالمیان می‌فرماید که: من قسمت کرده‌ام سوره فاتحه الکتاب را میان خود و بنده خود، پس نصف آن سوره از من است و نصف آن از بنده من است. و آنچه بنده از من در آن سوره سؤال می‌نماید به او عطا می‌فرمایم. پس چون بنده می‌گوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حق تعالی می‌فرماید: ابتدا کرد بنده به نام من، و بر من لازم است که کارهای او را به اتمام رسانم و در جمیع احوال بر او برکت فرستم. پس چون بگوید اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، حق تعالی فرماید: بنده من حمد من کرد و دانست که نعمتهایی که نزد اوست همه از جانب من است و بلاهایی که از او دور شده است همه به تطوّل و احسان من است، ای ملائکه! شما را گواه می‌گیرم که از برای او اضافه کردم نعمتهای دنیا و آخرت را، و دفع کردم از او بلاهای آخرت را چنانچه بلاهای دنیا را از او دفع کرده‌ام، پس چون الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ گوید، حق تعالی می‌فرماید: بنده من از برای من شهادت داد که من رحمن و رحیم، ای ملائکه! شما را گواه می‌گیرم که بهره او را بسیار کردم و نصیب او را از عطای خود عظیم گردانیدم. و چون گوید که مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، خداوند عالم فرماید: ای ملائکه! گواه می‌گیرم شما را، چنانچه اعتراف کرد که من مالک روز جزایم من در روز حساب، حساب او را آسان کنم و از گناهانش در گذرم، و چون اَيَّاكَ نَعْبُدُ گوید حق حیل و علا- فرماید: راست گفت بنده من که مرا عبادت کرده و بس، گواه می‌گیرم شما را که او را بر این عبادت ثوابی کرامت فرمایم که جمیع مخالفان او آرزوی منزلت او نمایند، و چون اَيَّاكَ نَسْتَعِينُ گوید حق تعالی فرماید: بنده من

به من استعانت جست و التجا به من آورد، گواه می‌گیرم شما را که در جمیع امور او را اعانت نمایم و در جمیع شداید به فریاد او رسم و در روز بلاها و سختیها دست او را بگیرم. پس چون إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ بگوید تا آخر سوره، حق تعالی فرماید: آنچه از من طلبید به او کرامت کردم و آنچه آرزو کرد به او عطا نمودم و آنچه از او ترسید او را از آن ایمن گردانیدم. (۱۰۳) و به سند دیگر منقول است که: «سوره حمد را [اگر] بر دردی هفتاد مرتبه بخواند، آن درد ساکن می‌شود». (۱۰۴) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «اگر سوره حمد را بر مِیْتی هفتاد مرتبه بخواند و روح او بر گردد عجب نخواهد بود». (۱۰۵) و به سند معتبر از حضرت امام باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره حمد او را عافیت ندهد هیچ چیز او را عافیت ندهد». (۱۰۶) و همچنین منقول است که حضرت صادق علیه السلام به بعضی از اصحاب خود که شکایت از تب کرد فرمود: «بندهای پیراهنت را بگشا و سر در گریبان کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد را بخوان، آن شخص چنان کرد به زودی شفا یافت». (۱۰۷) و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از صداع به آن حضرت شکایت کرد حضرت فرمود: «دست خود را بگذار بر موضعی که درد می‌کند و سوره حمد و آیه‌الکرسی بخوان و بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَجَلٌ وَأَكْبَرُ مِمَّا أَخَافُ وَأَخِذْ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عِزْقِ نَعَارٍ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ حَرِّ النَّارِ». (۱۰۸) «سوره البقره و آل عمران» به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره بقره و آل عمران را بخواند، این دو سوره در قیامت بر سر او سایه افکنند مانند دو ابر یا دو عبا». (۱۰۹) و به سند معتبر از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام منقول است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هر که چهار آیه از اول سوره بقره و آیه‌الکرسی تا وَهِيَ الْعَلَى الْعَظِيمِ یا دو آیه بعد از آن و سه آیه آخر سوره بقره را بخواند، بدی در خود و در مالش نبیند و شیطان به نزدیک او نیاید و قرآن را فراموش نکند». (۱۱۰) و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «هر که آیه‌الکرسی را در وقت خواب بخواند، از فالج ایمن؛ گردد و هر که بعد از هر نماز بخواند، هیچ صاحب نیشی به او ضرر نرساند». (۱۱۱) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که یک مرتبه آیه‌الکرسی بخواند، حق تعالی بر گرداند از او هزار بلا از بلاهای دنیا و هزار بلا از بلاهای آخرت را که سهل ترین بلاهای دنیا فقر و احتیاج و کمترین بلاهای آخرت عذاب قبر باشد». (۱۱۲) و منقول است که «ابوذر از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سؤال نمود کدام آیه عظیم‌ترین آیاتی است که بر تو نازل گردیده است؟ فرمود: آیه‌الکرسی». (۱۱۳) و به سند دیگر منقول است که «شخصی به خدمت حضرت صادق علیه السلام از تب شکایت کرد. حضرت فرمود: آیه‌الکرسی را در ظرفی بنویس و به آب حل کن و بخور». (۱۱۴) و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که: «یکی از پدرانم شنید که کسی سوره فاتحه می‌خواند، فرمود: شکر خدا کرد و مزد یافت؛ و بعد از آن شنید که قل هو الله می‌خواند، فرمود: ایمان آورد و ایمن شد؛ بعد از آن شنید که سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ می‌خواند، فرمود: تصدیق پیغمبر کرد و آمرزیده شد؛ بعد از آن شنید که آیه‌الکرسی می‌خواند، فرمود: به به! نازل شد برائت و بیزاری این مرد از جهنم». (۱۱۵) به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی که چشمش آزار داشته باشد، آیه‌الکرسی بخواند و در خاطر خود قرار دهد که برطرف می‌شود به توفیق الهی و عافیت می‌یابد ان شاء الله تعالی. و هر که پیش از طلوع آفتاب یازده مرتبه سوره قل هو الله احد و یازده مرتبه إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ و یازده مرتبه آیه‌الکرسی بخواند، خدا مالش را از تلف حفظ نماید. و چون کسی خواهد از خانه بیرون رود، چند آیه [از سوره] آل عمران را یعنی إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْخ، آیه‌الکرسی، سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ و سوره حمد [را] بخواند که موجب قضای حاجتهای دنیا و آخرت می‌گردد». (۱۱۶) و فرمود: «هر که قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ و آیه‌الکرسی بخواند، مالش محفوظ باشد». (۱۱۷) و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: هر که سقف خانه‌اش زیاده از هشت ذرع باشد بر بالای هشت زرع آیه‌الکرسی بر دور خانه بنویسد تا از شر جنیان ایمن گردد». (۱۱۸) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «شیاطین در میان شتران و چهارپایان به در می‌آیند که آنها را رم دهند، پس آیه‌الکرسی بخوانید برای رفع ایشان». (۱۱۹) و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام منقول است که: «تصدّق بکن و در هر روز که خواهی سفر کن؛ و آیه‌الکرسی بخوان و هر روز که خواهی حجامت کن». (۱۲۰) و در حدیث دیگر فرمود: «هرگاه به جایی روی که خوفی داشته باشی این آیه را بخوان: رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِّيْ مِّنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا، پس چون بینی آنچه را [که از آن می‌ترسی آیه‌الکرسی بخوان». (۱۲۱) و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «بسیار بگویند «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا» (... ۱۲۲) و ایمن مباشید از میل به باطل». (۱۲۳) و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هر که صد مرتبه آیه‌الکرسی بخواند، چنان باشد که مدت حیات خود عبادت کرده باشد». (۱۲۴) و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: حق تعالی فرمود: «به تو و امت تو گنجی از گنجهای عرش خود را کرامت کرده‌ام: فاتحه‌الکتاب و خاتمه سوره بقره یعنی اَمَنْ الرَّسُوْلُ الخ». (۱۲۵) و کلینی رحمه الله روایت نموده: «هر که دو رکعت نماز بگزارد بعد از نماز شام، و در رکعت اول یک مرتبه سوره حمد و ده آیه از اول سوره بقره و آیه سخره - اِنَّ رَبَّكُمْ اللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ - و آیه: وَالْهٰکُمُ اللّٰهُ وَاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ، اِنَّ فِیْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ ... تا لآیٰتٍ لِّقَوْمٍ یَّعْقِلُوْنَ و پانزده مرتبه قلّ هُوَ الله احد بخواند، و در رکعت دوم سوره حمد و آیه‌الکرسی و آخر سوره بقره، لله ما فی السَّمٰوٰتِ و ما فی الْاَرْضِ تا آخر سوره و پانزده مرتبه قلّ هُوَ الله اَحَد بخواند، و بعد از آن حاجت خود را بطلبد، هر که به این نماز مداومت نماید به هر نمازی حق تعالی ثواب سیصد هزار حج به او کرامت فرماید». (۱۲۶) و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر خانه‌ای که آیه اَمَنْ الرَّسُوْلُ تا آخر سوره در آن خانه خوانده شود، شیطان داخل آن خانه نشود». (۱۲۷) و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود: «گمان ندارم که کسی در اسلام عقلش کامل شده باشد و شبی بدون خواندن آیه‌الکرسی به سر آورد، بعد از آن فرمود: اگر بدانید که چه فضیلتی دارد در هیچ حال ترک آن ننمایید، به درستی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مرا خبر داد که آیه‌الکرسی را از گنج زیر عرش به من کرامت کرده‌اند و به هیچ پیغمبری چنین کرامت نداده بودند، بعد از آن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از آن روز که این را از آن حضرت شنیده‌ام، یک شب ترک خواندن آن نکرده‌ام، سه مرتبه می‌خوانم، در هر شبی یک مرتبه بعد از نماز خفتن پیش از نافله». (۱۲۸) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که بعد از نماز واجب، آیه‌الکرسی بخواند تا وقت نماز دیگر در امان خدا باشد». (۱۲۹) و در حدیث دیگر منقول است که فرمود: «یا علی! بر تو باد به تلاوت آیه‌الکرسی بعد از نماز فریضه، به درستی که محافظت و مداومت نمی‌نماید بر خواندن آن مگر پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی». (۱۳۰) و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «چون حق تعالی امر فرمود که سوره فاتحه و آیه شَهِدَ اللهُ و آیه‌الکرسی و قُلِ اللّٰهُمَّ مٰلِکُ الْمُلْکِ را به زمین آورند، ایشان در عرش الهی در آویختند و گفتند: «پروردگارا ما را به کجا می‌فرستی؟ به نزد اهل خطاها و گناهان می‌فرستی؟» حق تعالی وحی فرمود به ایشان که بروید به زمین که به عزّت و جلال خودم سوگند که هر که از آل محمد علیهم السلام و شیعیان ایشان، شما را تلاوت نماید بعد از نمازهای واجب، البته به سوی او نظر نمایم به نظر مخفی خود، یعنی الطاف خاصّه خود را شامل حال او گردانم، هر روز هفتاد نظر، و در هر نظر کردنی هفتاد حاجت او را بر آورم و توبه او را قبول کنم؛ هر چند معصیت بسیار کرده باشد». (۱۳۱) و در طبّ الاثمّه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که «مردی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت نمود از درد پشت و گفت: شب، مرا از این درد خواب نمی‌برد، فرمود: دست بر موضع درد بگذار و سه نوبت این آیه را بخوان: «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوْتَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ کِتَابًا مُّوَجَّلاً وَمَنْ یُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْیَا نُؤْتِیْهِ مِنْهَا وَمَنْ یُرِدْ ثَوَابَ الْاٰخِرَةِ نُؤْتِیْهِ مِنْهَا وَسَیَجْزِی السَّاکِرِیْنَ»، پس هفت مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بِخَوَان که ان شاء الله تعالی عافیت می‌یابی». (۱۳۲) و به سند معتبر از حضرت امام علی النقی علیه السلام منقول است که: اشجع سلمی به حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که من بسیار سفر می‌کنم و در بیابانهای مخوف واقع می‌شوم؛ می‌خواهم چیزی تعلیم من نمایی که موجب ایمنی من گردد، حضرت فرمود: هرگاه خوف بر تو غالب گردد دست راست خود را بر بالای سر خود بگذار و به آواز بلند

این آیه را بخوان: «أَفَعَيِّرَ دِينَ اللَّهِ يَتَغَوَّنَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ». اشجع گفت: چون به سفر رفتم به وادی رسیدم که می‌گفتند جن در آنجا بسیار است، ناگاه شنیدم که شخصی می‌گوید: بگیریدش، من آیه را خواندم؛ دیگری گفت: چگونه بگیرمش و حال آن که پناه به آیه طیبه برد». (۱۳۳) و در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که آیه شَهِدَ اللَّهُ بخواند در وقت خواب، حق تعالی هفتاد هزار ملک خلق نماید که برای او استغفار نمایند تا روز قیامت». (۱۳۴) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هر که آیه شَهِدَ اللَّهُ بخواند و بعد از آن بگوید: «وَأَنَا أَشْهَدُ بِمَا شَهِدَ اللَّهُ بِهِ وَأَسْتَوْدِعُ اللَّهَ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَهِيَ لِي عِنْدَ اللَّهِ وَدِيعةٌ، چون روز قیامت شود، حق تعالی گوید: صاحب این را نزد من عهدی هست که او را داخل بهشت کنید». (۱۳۵) «سورة النساء» از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی که سوره نساء را در هر جمعه بخواند از ضغطة (۱۳۶) قبر ایمن گردد». (۱۳۷) و در روایت دیگر منقول است که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام انگشتی از حديد چینی داشتند و بر آن نقش کرده بودند: «الْعِزَّةُ لِلَّهِ جَمِيعاً». (۱۳۸) و در روایات معتبر وارد است که: «نقش نگین انگشت امام حسن و امام محمد باقر صلوات الله علیهما العِزَّةُ لِلَّهِ بود». (۱۳۹) «سورة المائدة» به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره مائده را در هر روز پنج شنبه بخواند، ایمانش به ظلم و گناه آلوده نشود و هرگز به خدا مشرک نشود». (۱۴۰) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «سوره مائده بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد قبل از وفات آن حضرت به دو ماه یا سه ماه». (۱۴۱) و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «آخرین سوره‌ای که بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد، سوره مائده بود و احکام بعضی از سوره‌های دیگر را نسخ کرد و هیچ چیز احکام آن را نسخ نکرد و وقتی نازل شد که آن حضرت بر استر شهباء (۱۴۲) سوار بود و به سبب وحی چنان سنگین شد که نزدیک شد که ناف استر به زمین برسد و اغمایی آن حضرت را رو داد، پس چون آن حالت زایل شد، سوره را بر ما خواند و به آن عمل کرد و ما عمل کردیم». (۱۴۳) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سوره مائده یک جا نازل شد و هفتاد هزار ملک با آن نازل شدند». (۱۴۴) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که سوره مائده را بنویسد و در میان متاع یا صندوق خود بگذارد قماش و متاع او ایمن گردد از دزد، اگر چه در میان راه اندازند، و عافیت یابد صاحبش از دردها و الم‌ها». (۱۴۵) و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم رفتم آن حضرت سوره مائده را می‌خواند، فرمود: بنویس، نوشتم تا به آیه إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ رسید، به خواب رفت و باز صدای آن حضرت می‌آمد و من مینوشتم تا سوره تمام شد، چون بیدار شد از آن جا که به خواب رفته بود شروع کرد به خواندن، گفتم: شما خواندید تا آخر و من نوشتم فرمود: اللَّهُ أَكْبَرُ، آن جبرئیل علیه السلام بود که بر تو خوانده، پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هفتاد آیه را از املائی پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم نوشتم و شصت و چهار آیه را از املائی جبرئیل علیه السلام». (۱۴۶) «سورة الانعام» به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سورة انعام یک دفعه نازل شد و هفتاد هزار ملک آن را مشایعت کردند تا نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آوردند، پس این سوره را تعظیم نمایند و بزرگ دانید که اسم اعظم الهی در هفتاد موضع این سوره هست و اگر مردم بدانند که در قرائتش چه فضیلت و ثواب هست هرگز ترک نمایند قرائتش را». (۱۴۷) و از عبدالله بن عباس منقول است که: «کسی که سوره انعام را هر شب بخواند، در روز قیامت از جمله ایمانان باشد و به دیده خود هرگز جهنم را نبیند». (۱۴۸) و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «سورة انعام را یک دفعه نازل ساختند و هفتاد هزار ملک مشایعت آن کردند و آواز بلند کرده بودند به تسبیح و تکبیر و تهلیل، تا به نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آوردند، پس هر که این سوره را بخواند آن هفتاد هزار ملک تسبیح بگویند از برای او تا روز قیامت». (۱۴۹) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «اگر علتی داشته باشی که خوف هلاک از آن داشته باشی سوره انعام را بخوان که مکروهی به تو نمی‌رسد از آن علت». (۱۵۰) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در شب اول ماه مبارک رمضان دو رکعت

نماز بگزارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و از خدا سؤال نماید که کفایت شر دشمنان از او بکند، حق تعالی دور گرداند از او شر آنچه از آن ترسد و او را نگاه دارد از هر بیم و دردی». (۱۵۱) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که را به خدا حاجتی باشد که بخواهد برآورده شود چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت بعد از حمد، سوره انعام بخواند و بعد از سوره این دعا را بخواند: یا کریم یا کریم یا عظیم یا عظیم یا عظیم یا اعظم من کل عظیم یا سميع الدعاء یا من لا تغیره الیالی والأیام صلی علی محمد و آل محمد و ارحم ضعیفی و فقری و فاقتی و مسکنتی فانک اعلم بهامنی و اعلم بحاجتی یا من رحم الشیخ یعقوب حین ردّ علیہ یوسف قره عینه یا من رحم ایوب بعد طول بلائه یا من رحم محمداً صلی الله علیه و آله و من الیتیم آواه و نصیره علی جبارة قریش و طواغیتها و امکنه منهم یا مغیث یا مغیث مکرر بگوید. به حق خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، اگر این نماز بکنی و این دعا بخوانی و جمیع حاجتهای خود را بطلبی، البته روا کند». (۱۵۲) و در طب الاثمه از حضرت صادق علیه السلام، برای رفع خوره روایت کرده که «سوره انعام را با غسل بنویسند و بشویند و بخورند تا شفا یابند». (۱۵۳) «سوره الاعراف» به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اعراف را در هر ماه بخواند، در روز قیامت از جمله جماعتی باشد از دوستان خدا، که حق تعالی در شأن ایشان فرموده است: خوفي بر ایشان نیست و اندوهناک نمی شوند، و اگر در هر جمعه بخواند او را در قیامت حساب نکنند و به درستی که آیات محکمت در آن بسیار است، پس قرائت این سوره را ترک ننمایید که گواهی می دهد در قیامت برای کسی که آن را خوانده باشد». (۱۵۴) و به سند معتبر از اصبع بن نباته منقول است، «روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به حق آن خداوندی که محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به راستی فرستاده است و اهل بیتش را گرامی داشته است؛ آنچه مردم طلب نمایند از آحراز، از برای سوختن یا غرق شدن یا دزدی یا گریختن چهارپا یا کنیز و غلام، البته در قرآن هست؛ پس هر که خواهد از من سؤال نماید. شخصی برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! چیزی از قرآن به من تعلیم نما که مرا ایمن گرداند از سوختن و غرق شدن فرمود: «این دو آیه را بخوان»: «إِنَّ وَلِيَیَ اللّٰهُ الَّذِی نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ یَتَوَلَّى الصّٰلِحِیْنَ وَ مَا قَدَرُواْ اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ وَالْأَرْضُ جَمِیْعًا قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیَمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِیٰتٌ بَیْمِیْنِهٖ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالٰی عَمَّا یُشْرِكُوْنَ». هر که این دو آیه را بخواند از سوختن و غرق شدن ایمن شود، پس شخصی خواند و آتش در خانه های همسایگانش افتاد و او سالم ماند و به خانه او آتش نیفتاد. شخص دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! چهارپایی دارم و چموشی می کند و من از آن می ترسم. حضرت فرمود: «در گوش راستش این آیه را بخوان»: «وَلَهُ اسْمٌ مِّنْ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ». پس آن شخص چنین کرد، چهار پایش نرم و هموار شد. شخصی دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! در آن زمینی که من می باشم حیوانات درنده بسیار است و به خانه من داخل می شوند و تا حیوانی را ضایع نکنند در نمی روند؛ حضرت فرمود که: این دو آیه را بخوان: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ* فَإِنْ تَوَلَّوْاْ فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ». آن مرد این دو آیه را خواند، دیگر درنده ها به خانه اش نیامدند. شخصی دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! در شکم من صفراپی به هم رسیده است آیا آیه ای هست که موجب شفا گردد؟ حضرت فرمود: بلی، بی آن که درهم و دیناری خرج کنی به شکم خود آیه الکرسی بنویس و بشور و آن آب را بخور که این ذخیره باشد در شکم تو و باعث شفا می گردد به قدرت الهی. شخص دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! برای گمشده چیزی به فرما، حضرت فرمود که: دو رکعت نماز بگزار و در هر دو رکعت سوره یس بخوان و بعد از آن بگو یا هادی الضالّه رُدَّ عَلَی ضَالَّتِی، آن مرد چنین کرد حق تعالی گمشده اش را به او برگردانید. پس شخصی دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! بنده ای از من گریخته است فرمود که این آیه را بخوان: «أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِی بَحْرِ لُّجْیٍ یَعْشِبُهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدُهُ لَمْ يَكُنْ بِرَأْسِهَا وَمَنْ لَمْ یَجْعَلِ اللّٰهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ». چون این آیه را خواند، غلامش برگشت. پس شخص دیگری برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! حرزی برای دزدی بفرما که دزد مال مرا بسیار می برد در شب، حضرت فرمود: چون به میان رختخواب می روی

بخوان «قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا» تا آخر سوره بنی اسرائیل، بعد از آن حضرت فرمود: کسی که در شب در بیابانی تنها باشد و آیه سخره که «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ» تا «تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» است، بخواند ملائکه او را محافظت و حراست نمایند و شیاطین از او دور شوند. پس شخصی این را شنید و شبی به ده خرابی افتاد، شب در آنجا ماند و فراموش کرد که این آیه را بخواند چون خوابید، دو شیطان آمدند یکی دهانش را گرفت و رقیقش به او گفت که دست از او بردار و او را مهلت ده چون دست برداشت آن مرد بیدار شد و آیه سخره را خواند آن شیطان که دهانش را گرفته بود گفت به دیگری که من دست برداشتم و آیه را خواند خدا بینی ات را بر خاک بمالد؛ الحال حراست و نگهبانیش بکن تا صبح، چون صبح شد به خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: در سخن تو شفا و راستی دیدم و حال شب خود را نقل کرد، و بعد از طلوع آفتاب به آن محلی که شب خوابیده بود برگشت اثر موی شیطان بر زمین ظاهر بود که موی خود را بر خاک کشیده و رفته بود. «سوره الأنفال و سوره التوبة» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره انفال و براءت را در هر ماه بخواند هرگز نفاق بر او راه نیابد و از شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام باشد». (۱۵۶) «سوره یونس علیه السلام» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره یونس را در هر دو ماه یا سه ماه یک بار بخواند بیم آن نیست که از جمله جاهلان گردد، و در قیامت از جمله مقربان باشد». (۱۵۷) «سوره هود» از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره هود را در هر جمعه بخواند، حق تعالی او را در قیامت در زمره پیغمبران مبعوث گرداند و در قیامت گناهی از او ظاهر نشود». (۱۵۸) و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است: «هر که از غرق ترسد این آیات را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الثَّمِينِ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ». (۱۵۹) «سوره یوسف» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره یوسف را در هر روز یا در هر شب بخواند در قیامت مبعوث شود جمال او مانند جمال حضرت یوسف علیه السلام باشد و در آن روز به او فرعی و خوفی نرسد و از نیکان بندگان صالح خدا باشد». (۱۶۰) «سوره رعد» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بسیار سوره رعد را بخواند هرگز صاعقه به او نرسد و اگر چه ناصبی باشد، و اگر مؤمن باشد خدا او را داخل بهشت گرداند بی حساب، و شفاعت او را قبول فرماید در اهل بیت و برادران مؤمنش». (۱۶۱) «سوره ابراهیم و سوره الحجر» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره ابراهیم و سوره حجر را در دو رکعت نماز در هر جمعه بخواند، هرگز به او فقر و دیوانگی و بلیه عظیمی نرسد». (۱۶۲) «سوره النحل» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر کس سوره نحل را در هر ماه بخواند در دنیا به قرض مبتلا نشود و هفتاد نوع بلا از او دور گردد که سهل تر آنها دیوانگی و خوره و پیسی باشد و مسکن او در جنت عدن باشد که در میان بهشت ها واقع است». (۱۶۳) «سوره بنی اسرائیل» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند نمیرد تا قائم آل محمد صلوات الله علیهم را دریابد و از اصحاب او باشد». (۱۶۴) و منقول است که عمر بن حنظله به حضرت صادق علیه السلام شکایت نمود از صداع، حضرت فرمود: دست بر بالای سرت بگذار و این دو آیه را بخوان: «قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ إِلَهٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنَ الْعَرْشِ سَبِيلًا*» وَأَذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَالْإِلَهِ الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصِيحُونَ عَنْكَ صُدُودًا». (۱۶۵) «سوره الکهف» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند نمیرد مگر شهید و خدا او را در زمره شهدا محشور گرداند و در قیامت با شهیدان بایستد». (۱۶۶) و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «هر که سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند کفاره گناهانی باشد که از جمعه تا جمعه دیگر کرده است». (۱۶۷) و در روایت دیگر وارد شده است که کسی که در روز جمعه بعد از نماز ظهر و عصر بخواند همین ثواب را داشته باشد». (۱۶۸) و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که آیه «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ» را تا آخر سوره بخواند در وقت خواب، از خوابگاه او تا کعبه نوری ساطع گردد که میان او پر باشد از ملائکه و تا صبح از برای او استغفار کنند». (۱۶۹) و در حدیث دیگر

از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است که: «هر که این آیه را در وقت خواب بخواند، هر وقت که خواهد بیدار شود». (۱۷۰) «سوره مریم» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر سوره مریم، نمیرد تا آنچه خواهد در خود و مال و فرزند ببیند و در آخرت از اصحاب عیسی بن مریم باشد و در آخرت به او بدهند مثل ملکی که حضرت سلیمان علیه السلام در دنیا داشته است». (۱۷۱) «سوره طه» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «ترک مکنید سوره طه را که خدا این سوره را دوست می‌دارد، و هر که این سوره را می‌خواند دوست می‌دارد، و کسی که بر قرائتش مداومت نماید حق تعالی در قیامت نامه‌اش را به دست راستش دهد و او را بر گناہانی که در اسلام کرده است حساب نکند و در آخرت آن قدر مزد به او عطا فرماید که او راضی شود». (۱۷۲) «سوره الانبیاء» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره انبیا را بخواند از روی محبت و خواهش نسبت به آن سوره، در باغستان های بهشت با همه پیغمبران رفاقت کند و در دنیا در نظر مردم با هیبت باشد». (۱۷۳) «سوره الحج» از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «هر که در هر روز یک مرتبه بخواند در آن سال توفیق حج یابد، و اگر در آن سفر بمیرد داخل بهشت شود. راوی پرسید که اگر سنی باشد چون است؟ فرمود: عذابش تخفیف می‌یابد». (۱۷۴) «سوره المؤمنون» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در هر جمعه سوره مؤمنون بخواند، حق تعالی خاتمه او را به خیر گرداند و در فردوس اعلیٰ منزلش با منزل پیغمبران باشد». (۱۷۵) «سوره النور» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «حفظ نماید اموال و فروج خود را از حرام به تلاوت کردن سوره نور، و به این سوره زنان خود را نیز از حرام حفظ نمایند؛ به درستی که هر که این سوره را در هر شب یا در هر روز مداومت نماید هیچ یک از اهل خانه او زنا نکنند تا او بمیرد؛ چون بمیرد هفتاد هزار ملک تا قبر، او را مشایعت نمایند که همه از برای او دعا کنند و استغفار نمایند تا او را به قبر گذارند». (۱۷۶) و به سند معتبر منقول است که: «شخصی از وجع (۱۷۷) و ضعف چشم به حضرت امام موسی علیه السلام شکایت نمود، حضرت فرمود: آیه نور را سه مرتبه در جامی بنویس، آن را بشور و در شیشه ضبط کن و مکرر به دیده بکش راوی گفت: صد میل کمتر کشیدم که دیده‌ام صحیح تر از اول شد». (۱۷۸) «سوره الفرقان» از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که: «ترک مکن تلاوت سوره فرقان را، به درستی که هر که در شب این سوره را بخواند حق تعالی او را حساب و عذاب نکند و منزلش در فردوس اعلیٰ باشد». (۱۷۹) «سور الطواسین» «شعراء، نمل و قصص» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سه طس را در شب جمعه بخواند، از اولیا و دوستان خدا باشد و در حفظ و حراست الهی باشد و در دنیا فقر و بدحالی به او نرسد و در آخرت از بهشت به او آن قدر بدهند که راضی باشد و زیاده از رضای او به او عطا فرمایند و حق تعالی صد زن از حورالعین به او کرامت فرماید». (۱۸۰) «سوره العنکبوت و سوره الزّوم» به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان بخواند واللّٰه که از اهل بهشت است و در این حکم استثنا نمی‌کنم و نمی‌ترسم که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم هست». (۱۸۱) «سوره لقمان» از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «کسی که سوره لقمان را در شب بخواند حق تعالی در آن شب ملکی چند مؤکل گرداند بر او که او را از شیطان و لشکر هایش حفظ کند تا صبح شود و اگر در روز بخواند او را از شیطان و لشکرش حفظ نمایند تا شب». (۱۸۲) «سوره السّجده» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره سجده را در هر شب جمعه بخواند، حق تعالی در قیامت نامه‌اش را به دست راست او دهد و او را حساب نفرماید، هر چند گناهکار باشد و در بهشت از رفقای محمد و اهل بیت او صلّی اللّٰه علیهم باشد». (۱۸۳) «سوره الاحزاب» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره احزاب را بسیار تلاوت نماید در قیامت در جوار حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم باشد» (۱۸۴)، بعد از آن فرمود: «در سوره احزاب فضایح بسیاری از مردان و زنان قریش و غیر ایشان بود و درازتر از سوره بقره بود ولیکن کم کردند و تحریف دادند». (۱۸۵) «سوره سبأ و سوره فاطر» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر کس سوره سبا و سوره فاطر را در شب بخواند در حفظ و حراست الهی باشد و اگر در روز بخواند در

آن روز مکروهی به او نرسد و حق تعالی از خیر دنیا و آخرت آن قدر به او کرامت فرماید که بر خاطرش خطور نکرده باشد و آرزوهایش به آن نرسیده باشد». (۱۸۶) و به سند معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت خواب این آیه را بخواند: «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَرَ كَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا». خانه بر سرش خراب نشود». (۱۸۷) و به سند معتبر دیگر منقول است که: «شخصی از اهل مرو به خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت نمود از درد سر، حضرت فرمود: نزدیک بیا، پس دست بر سر او گذاشتند و این آیه را خواندند: إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ تَا آخِر آیه». (۱۸۸) «سوره یس» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر چیزی را قلبی است و قلب قرآن سوره یس است؛ هر که این سوره را در روز بخواند در آن روز از بلاها محفوظ باشد و خدا او را روزی فراوان عطا فرماید تا شام، و کسی که در شب پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک رابه او موکل گرداند که او را از شرّ هر شیطان مردودی و هر آفتی حفظ نمایند، و اگر در روز بمیرد حق تعالی او را داخل بهشت گرداند و در غسل او سی هزار ملک حاضر شوند که از برای او استغفار کنند و مشایعت او نمایند تا قبرش با استغفار، و چون در لحدش گذارند آن ملائکه در میان قبرش ساکن گردند و عبادت الهی کنند و ثواب عبادت ایشان از آن او باشد، و قبرش را فراخ کنند تا چشم کار کند، و او را ایمن گرداند از فشار قبر، و پیوسته از قبر او نوری ساطع باشد تا اطراف آسمان تا وقتی که از قبر بیرون آید، پس حق تعالی او را از قبر بیرون آورد آن سی هزار ملک با او باشند و مشایعت او نمایند و با او سخن گویند و بر رویش خنده کنند و به هر خیری او را بشارت دهند تا او را از صراط و میزان بگذرانند و او را در مقام قرب به محلی بدارند که هیچ خلقی قُربش از او بیشتر نباشد مگر ملائکه مقرب و پیغمبر مرسل، و او با پیغمبران بایستد نزد حق تعالی. و در هنگامی که مردم اندوه داشته باشند او اندوه نداشته باشد، و در حالتی که مردم جزع نمایند او جزع نکند، پس پروردگار عالم به او خطاب فرماید که: ای بنده من! هر که را خواهی شفاعت کن که شفاعت تو را قبول می‌نمایم و هر سؤالی که خواهی از من بکن که سؤالت را رد نمی‌کنم؛ پس او شفاعت کند و خدا قبول نماید، و او سؤال کند و خدا عطا فرماید، و دیگران را حساب کنند و او را حساب نکنند، و با دیگران در مقام حسابش باز ندارند و مذلت و خواری در آن صحرا به او نرسد و هیچ گناهی از گناهان او را نگیرند، پس نامه خود را بگیرد و به جانب بهشت روان شود، پس مردم تعجب کنند که سبحان الله! این بنده را هیچ گناه نبوده و از رفیقان پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله وسلم باشد. (۱۸۹) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در عمر خود یک مرتبه سوره یس را بخواند حق تعالی به عدد هر خلقی که در دنیا است و هر خلقی که در آخرت است و هر خلقی که در میان آسمان است به عدد هر یک از ایشان دو هزار هزار حسنه از برای او بنویسد، و دو هزار هزار گناه از او محو فرماید و فقر و قرض و خانه بر سرش فرود آمدن و به تعب و مشقت و دیوانگی و خوره و وسواس و دردهای ضرر رساننده مبتلا نشود، و حق تعالی سکرات و احوال مرگ را از او تخفیف دهد، و خود قبض روح او نماید و ضامن شود از برای او فراخی روزی را، در قیامت او را شاد گرداند و چندان ثواب به او کرامت فرماید که او راضی شود و حق تعالی خطاب فرماید به ملائکه آسمانها و زمین که من از فلان بنده راضی شدم برای او استغفار نمایید». (۱۹۰) و به سند دیگر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام از بواسیر شکایت نمود، حضرت فرمود: یس را با غسل بنویس و حل کن و بخور». (۱۹۱) و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «از برای رفع لکّ های سفید و برص که در بدن به هم رسد، سوره یس را با غسل بنویسند و بیاشامند». (۱۹۲) و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «تعلیم نمایند [به] فرزندان خود سوره یس را که آن گلدسته قرآن است». (۱۹۳) «سوره الصّافات» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره الصّافات را در هر روز جمعه بخواند، پیوسته از جمیع آفتها و بلاها محفوظ باشد و در دنیا روزیش فراخ باشد و به بدن و مال و فرزندان مکروهی نرسد نه از شیطان مردودی و نه از جبار معاندی، و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد خدا او را شهید بمیراند و شهید مبعوث گرداند و با شهیدان او را داخل بهشت گرداند و در درجه شهیدان او را جای دهد». (۱۹۴) و به سند معتبر از سلیمان جعفری

منقول است که: «حضرت امام موسی علیه السلام به فرزند خود قاسم فرمود: برخیز ای فرزند! بر بالای سر برادرت سوره والصفّات بخوان تا تمام کنی، او شروع به خواندن کرد چون به آیه «أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا» رسید قبض روحش شد، چون جامه بر روی میت کشیدند و بیرون آمدند، یعقوب بن جعفر به حضرت عرض کرد: چنین می‌دانستم که برای آسانی جان کندن، سوره یس را می‌باید خواند و شما فرمودید که والصفّات بخوانیم حضرت فرمود: والصفّات را بر سر هر کس که به شدت جان کندن گرفتار باشد بخواند، البته حق تعالی راحتش را نزدیک می‌گرداند». (۱۹۵) به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که از گزیدن عقرب ترسد این آیات را بخواند: «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مَتَى عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ». (۱۹۶) و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی خواهد که او را در قیامت به کیل وافی ثواب کامل بدهند، باید که بعد از هر نماز این آیه را بخواند: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (۱۹۷) و در حدیث دیگر وارد شده است که «از هر مجلس که برخیزند و این آیه را بخوانند کفاره گناهان آن مجلس می‌شود». (۱۹۸) «سوره ص» از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره ص را در شب جمعه بخواند حق تعالی از خیر دنیا و آخرت آن قدر به او عطا فرماید که به هیچ احدی از خلق عطا نفرموده باشد مگر به پیغمبر مرسل یا ملک مقرب و او را داخل بهشت گرداند و هر که را او خواهد از اهل خانه‌اش حتی خادمی که او را خدمت می‌کرده است». (۱۹۹) «سوره الزمر» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره زمر را بخواند حق تعالی شرف دنیا و آخرت به او کرامت فرماید و او را عزیز گرداند بی‌مال و خویشان، به حدی که هر که او را ببیند از او مهابتی در دلش به هم رسد و بدنش را بر آتش جهنم حرام گرداند، و در بهشت از برای او هزار شهر بنا کنند که در هر شهری هزار قصر باشد و در هر قصری صد حوریه و از چشمه‌ها و حوران و درختان و میوه‌ها آنچه در قرآن وصف فرموده به او کرامت فرماید». (۲۰۰) «سور الحوامیم» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سوره‌های «حم» گلستان قرآنند، پس حمد بگویند و شکر کنید خدا را به حفظ کردن و تلاوت نمودن آنها. و به درستی که بنده بر می‌خیزد و «حم»‌ها را تلاوت می‌نماید، و از دهان او شمیمی بیرون می‌آید، خوشبوتر از مشک ناب و عنبر. و به درستی که هر که در هر روز این سوره‌های شریف را تلاوت نماید، حق تعالی رحمت می‌فرستد بر او و بر همسایگان و دوستان و آشنایان و جمیع اقربا و خویشان او. و در قیامت برای او استغفار می‌کنند عرش و کرسی و ملائکه مقربان» (۲۰۱) و به سند دیگر، از آن حضرت منقول است که: «هر که حوامیم (۲۰۲) را در شبی پیش از خوابیدن بخواند، در بهشت در درجه محمد و آل محمد و ابراهیم و آل ابراهیم علیهم السلام باشد». (۲۰۳) و فرمود که: «حوامیم بیانند در روز قیامت به صورت خوشرو ترین مردم و خوشبوترین آنها با هزار هزار ملک، تا بایستند نزد عرش حق تعالی، پس ربّ اعلی خطاب کند ایشان را که، کی شما را تلاوت می‌کرد و حق تلاوت شما را ادا می‌نمود؟ پس گروه بسیار بر خیزند که عدد ایشان را به غیر از خدا نداند. و خدا خطاب نماید ایشان را که، خوب کردید و نیکو تلاوت کردید «حوامیم» را در زندگانی دنیا، به عزت و جلال خود سوگند یاد می‌کنم که امروز هر حاجتی که از من بطلبید روا [خواهم کرد] اگر چه جمیع بهشت باشد و جمیع آنچه به بندگان [شایسته] خود داده‌ام. پس هر چه ایشان سؤال و آرزو کنند، حق تعالی به ایشان تفضل کند. پس ایشان را به سوی منازل ایشان فرستد، که در بهشت برای ایشان مقرر ساخته. و مهیا کند برای ایشان در آن منازل آنچه چشمی ندیده و گوش‌ی نشنیده و در خاطری خطور نکرده». (۲۰۴) «سوره المؤمن» از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره مؤمن را در هر شب بخواند حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامزد و ایمان را از او سلب ننماید و آخرت را برای او بهتر از دنیا گرداند». (۲۰۵) «سوره حم سجده» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که حم سجده را بخواند حق تعالی در قیامت او را نوری عطا فرماید آن قدر که چشم کار کند، و او را سرور و شادی در آن روز کرامت فرماید، و در دنیا به حالی باشد که دیگران آرزوی حال او کنند». (۲۰۶) و در روایتی است که: «هر که این سوره را در شب جمعه بخواند، حق تعالی این ثواب او را کرامت فرماید». «سوره حمعسق» از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که: «هر که مداومت نماید بر قرائت سوره حمعسق، چون در قیامت مبعوث شود روی او مانند برف سفید باشد و مانند آفتاب نورانی و چون به نزد عرش آید حق تعالی فرماید: ای بنده من! مداومت نمودی بر قرائت حمعسق و نمی‌دانستی که چه ثواب دارد و اگر منزلت آن سوره و ثوابش را می‌دانستی هرگز از خواندن او ملال به هم نمی‌رسانیدی و اکنون جزای خود را خواهی دانست. ای ملائکه! او را داخل بهشت گردانید و از برای او قصری مقرر ساخته‌ام از یاقوت سرخ، و درها و کنگره‌ها و دریچه‌هایش از یاقوت سرخ است، و از لطافت از اندرون بیرون را می‌توان دید و از بیرون اندرون را می‌توان دید، و در آن قصر دختران باکره جوان از حورالعین و هزار کنیز و هزار غلام از پسران گوشواره در گوش، یا پیوسته در حسن پاینده، به او عطا کرده‌ام.» (سوره حم زخرف) از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر قرائت سوره حم زخرف، خدا او را در قبر از جانوران زمین و از فشار قبر ایمن گرداند و چون او را به مقام حسنات بیاورند، به امر الهی او را داخل بهشت گردانند.» (۲۰۸) «سوره الدخان» از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره دخان را در نمازهای واجب و سنت بخواند، حق تعالی او را در زمره ایمنان مبعوث گرداند و او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب او را آسان کند و نامه او را بدست راست او دهند.» (۲۰۹) و به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض نمود که چگونه شب قدر را بشناسم؟ فرمود که چون ماه مبارک رمضان بیاید هر شب صد مرتبه سوره دخان را بخوان، چون شب بیست و سوم شود تصدیق خواهی نمود به آنچه سؤال نمودی.» (۲۱۰) و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که این سوره را در شب جمعه بخواند، حق تعالی گناهان او را بیامزد.» (۲۱۱) «سوره الجاثیه» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره جاثیه را بخواند ثوابش آن است که جهنم را نبیند و آواز خروشش را نشنود و با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بوده باشد.» (۲۱۲) «سوره الأحقاف» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در هر شب یا در هر جمعه سوره احقاف را بخواند، در دنیا خوفی به او نرسد و از فرع روز قیامت ایمن گردد.» (۲۱۳) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سوره‌های حم ریاحین بهشتند، پس چون توفیق خواندن آنها بیاید خدا را حمد و شکر بسیار کنید که توفیق تلاوت آنها به شما کرامت فرموده، به درستی که بنده ای که از خواب برخیزد و در نماز حوامیم بخواند از دهانش نسیمی خوشبوتر از مشک و عنبر بیرون آید و به درستی که حق تعالی رحم می‌کند تلاوت کننده و خواننده این سوره‌ها را و رحم می‌کند همسایگان و آشنایان و مصاحبان و خویشان او را در روز قیامت، عرش و کرسی و ملائکه مقرب از برای او استغفار می‌نمایند.» (۲۱۴) «سوره محمد صلی الله علیه و آله وسلم» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره الَّذِينَ كَفَرُوا را بخواند، گناه نکند و در دین خود شک به هم نرساند و به فقر هرگز مبتلا نشود و هرگز از پادشاهی خوفی به او نرسد و همیشه از شرک و کفر محفوظ باشد تا بمیرد، و چون بمیرد حق تعالی هزار ملک به قبر او فرستد که نماز کنند و ثواب نماز ایشان از او باشد و چون از قبر بیرون آید، آن هزار ملک او را مشایعت کنند تا او را به محل ایمنان از خوف های قیامت بدارند و در امان خدا و رسول صلی الله علیه و آله وسلم باشد.» (۲۱۵) «سوره الفتح» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حفظ نمائید اموال و زنان و بنده های خود را به خواندن سوره انا فتحنا، به درستی که کسی که بر خواندن این سوره مداومت نماید در روز قیامت منادی از جانب ربّ العزّه او را ندایی کند که همه خلائق بشنوند که تو از بندگان مخلص مایی. ای ملائکه! او را ملحق گردانید به بندگان شایسته من و او را داخل بهشت جاوید کنید و از شراب سیر به مَهر بهشت که با کافور ممزوج است به او بخورانید.» (۲۱۶) و در بعضی روایات وارد شده است که: «هر که در شب ماه مبارک رمضان سوره انا فتحنا در نماز سنت بخواند در آن سال از بلاها محفوظ باشد.» (۲۱۷) و در حدیث دیگر منقول است که: «هر که در روز اول ماه مبارک رمضان دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اول بعد از حمد انا فتحنا و در رکعت دوم حمد و هر سوره که خواهد بخواند، حق تعالی از او دور گرداند هر بدی را که در آن سال است، و پیوسته در حفظ و حمایت الهی باشد تا سال آینده.» (۲۱۸) «سوره الحُجرات» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره حجرات را بخواند در

هر شبی یا در هر روزی، در بهشت از جماعتی باشد که به زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مشرف می‌شوند». (۲۱۹)

«سوره ق» از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره ق در نمازهای واجب و سنّت، خدا روزی او را فراخ گرداند و نامه‌اش را بدست راست او دهد و او را حساب آسان کند». (۲۲۰) «سوره الذاریات» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره ذاریات را در روز یا در شب بخواند خدا امر معیشت او را به اصلاح آورده و روزی او را وسعت دهد، و منور گرداند قبر او را به چراغی که نور بخشد تا روز قیامت». (۲۲۱) «سوره الطور» از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقول است که: «هر که سوره طور را بخواند، حق تعالی خیر دنیا و آخرت را برای او جمع نماید». (۲۲۲) «سوره النجم» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره نجم را در هر شب یا در هر روز بخواند، در میان مردم به خیر و نام نیک زندگی نماید و گناهانش آمرزیده شود و محبوب دل‌های مردم گردد». (۲۲۳) «سوره القمر» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اقترت الساعة را بخواند، چون از قبر بیرون آید بر ناقه ای از ناقه های بهشت سوار شود». (۲۲۴) «سوره الرحمن» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «ترک نکنید قرائت سوره الرحمن را و خواندن آن را در نماز، به درستی که این سوره در دل منافقان قرار نمی‌گیرد، و حق تعالی این سوره را در روز قیامت به بهترین صورتهای در نهایت خوشبویی در صحرائی محشر حاضر می‌گرداند و می‌آید در محل قرب و کرامت می‌ایستد، حق تعالی به او خطاب می‌فرماید: کی در زندگانی دنیا تو را در نماز می‌خواند و مداومت می‌نمود خواندن تو را؟ می‌گوید: خداوند فلان و فلان، پس حق تعالی روهای ایشان را سفید می‌گرداند و می‌فرماید: هر که را خواهید شفاعت نمایید؛ پس ایشان آن قدر که خواهند شفاعت می‌نمایند، پس به ایشان می‌گویند که داخل بهشت شوید و در هر جا که خواهید ساکن شوید». (۲۲۵) و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «مستحب است که بعد از نماز صبح و روز جمعه سوره الرحمن را بخوانی و هر مرتبه که بگویی فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ بگویی لَا بَشَىٰ مِنْ آلَائِكَ رَبِّ أَكْذَبُ». (۲۲۶) و در حدیث معتبر دیگر فرمود که: «هر که سوره الرحمن را بخواند و در هر مرتبه که بگوید، فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ بگوید لَا بَشَىٰ مِنْ آلَائِكَ رَبِّ أَكْذَبُ اگر در شب بخواند و در آن شب بمیرد، شهید مرده و اگر در روز بخواند و در آن روز بمیرد، شهید مرده باشد». (۲۲۷) «سوره الواقعة» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در هر شب جمعه سوره واقعه بخواند خدا او را دوست دارد و مردم را دوست او گرداند و در دنیا بدحالی و فقر و احتیاج نبیند و به هیچ آفتی و بلایی مبتلا نشود و از رفقای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد و این سوره مخصوص آن حضرت است». (۲۲۸) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که مشتاق بهشت و وصف آن باشد سوره اذا وقعت را بخواند و هر که خواهد وصف جهنم را ملاحظه نماید سوره الم سجده را بخواند». (۲۲۹) و به سند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره واقعه را در هر شب پیش از آن که بخوابد بخواند، در قیامت روی او مانند ماه شب چهارده نورانی باشد». (۲۳۰) و به سند معتبر از اسماعیل بن عبد الخالق منقول است که: «حضرت صادق علیه السلام فرمود: پدرم بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز نشسته می‌کردند، و در آن دو رکعت صد آیه می‌خواندند و می‌فرمودند: هر که این دو رکعت را بخواند و صد آیه در این دو رکعت بخواند، او را در آن شب از غافلان نویسند و اسماعیل گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این دو رکعت وتیره اذا وقعت و قل هو الله می‌خواندند». (۲۳۱) و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که در هر شب این سوره را بخواند، هرگز فقیر و پریشان نشود». (۲۳۲) «سوره الحديد و مجادله» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره حديد و مجادله را در نماز فریضه بخواند و مداومت نماید خدا او را عذاب نکند و در خودش و اهله بدحالی و احتیاج نبیند». (۲۳۳) «سوره الحشر» از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که سوره حشر را بخواند جمیع خلق خدا از بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و حجب و آسمان‌های هفتگانه و زمینهای هفتگانه و هوا و باد و مرغان و درختان و کوهها و آفتاب و ماه و ملائکه همه بر او صلوات فرستند و از برای او استغفار کنند و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد با شهادت

مرده باشد». (۲۳۴) «سورة الممتحنة» از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که: «هر که سوره ممتحنه را در نمازهای واجب و سنت بخواند، خدا دل او را به ایمان امتحان نماید و دیده‌اش را نور بدهد و خود و فرزندانش را به فقر و دیوانگی مبتلا نکند». (۲۳۵) «سورة صف» از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره صف در نمازهای واجب و سنت، خدا او را در صف ملائکه و انبیاء علیهم السلام جا دهد». (۲۳۶) «سورة الجمعة و سورة المنافقین» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «واجب و لازم است بر هر که شیعه ما باشد که در نماز شام و خفتن شب جمعه، سوره جمعه و سبح اسم ربّیک الاعلی بخواند و در نماز ظهر، سوره جمعه و منافقین بخواند، چون چنین کند؛ چنان باشد که به عمل حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم عمل نموده باشد، و ثواب او نزد خدا بهشت باشد». (۲۳۷) «سورة تغابن» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره تغابن را در هر نماز واجب بخواند، آن سوره روز قیامت شفیع او باشد و گواه عادل باشد که شهادت دهد برای او نزد کسی که شهادت او را قبول فرماید. و از او جدا نشود تا او را داخل بهشت گرداند». (۲۳۸) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره‌های مستحبات را همه پیش از خواب بخواند، نمیرد تا حضرت قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین را درک نماید، و اگر بمیرد او را در جوار حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم جا دهند». (۲۳۹) «سورة الطلاق و التحریم» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره طلاق و تحریم را در نماز واجب بخواند، خدا او را در قیامت پناه دهد از خوف و اندوه، و از آتش جهنم عافیت یابد. و او را داخل بهشت گرداند به سبب تلاوت کردن و محافظت نمودن حرمت این دو سوره، زیرا این دو سوره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم اند». (۲۴۰) «سورة الملک» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره تبارک الذی بیده الملک را در شب در نماز واجب پیش از خواب بخواند، پیوسته در امان الهی باشد تا صبح شود، و در روز قیامت در امان الهی باشد تا داخل بهشت شود». (۲۴۱) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «سوره ملک مانعی است که از عذاب قبر منع می‌کند و نامش در تورات سوره الملک است، و هر که در شب بخواند بسیار عبادت و تلاوت کرده و نیکو کرده است، و در آن شب او را از غافلان نویسند، و به درستی که من در نماز و تیره بعد از نماز خفتن، نشسته می‌خوانم و پدرم در روز و شب هر دو را می‌خواند». و هر که این سوره را بخواند چون نکیر و منکر به قبر او در آیند چون از جانب پاهایش بیایند پاها به ایشان گویند که شما را از جانب ما راهی نیست؛ زیرا این بنده هر شب و روز برپا می‌ایستاد و سوره ملک را می‌خواند، و چون از جانب شکمش بیایند، شکمش به ایشان خطاب نماید که شما را از جانب من راهی نیست، به درستی که این بنده در من جا داده بود سوره ملک را، و چون از جانب زبان بیایند به ایشان گویند که شما را از جانب من راهی نیست، زیرا که این بنده هر شب و روز سوره ملک را تلاوت می‌نموده و بر من جاری می‌ساخت». (۲۴۲) «سورة قلم» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره ن والقلم را در نماز فریضه یا نافله بخواند، خدا او را ایمن گرداند از این که هر گز به فقر مبتلا شود، و چون بمیرد او را از فشار قبر نجات دهد». (۲۴۳) «سورة الحاقة» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «بسیار بخوانید سوره حاقه را، به درستی که خواندن آن در فرایض و نوافل از ایمان به خدا و رسول است، زیرا این سوره در واقعه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و معاویه علیه الهاویه نازل شده است و هر که این سوره را بخواند تا هنگام مردن ایمان از او برطرف نشود». (۲۴۴) «سورة المعارج» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «بسیار بخوانید سوره سئل سئل را، که هر که این سوره را بسیار بخواند، حق تعالی در قیامت از هیچ گناه از او سؤال ننماید و او را در بهشت با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ساکن گرداند». (۲۴۵) «سورة نوح» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که ایمان به خدا و خواندن قرآن دارد، باید که خواندن سوره نوح علیه السلام را ترک ننماید، به درستی که هر بنده که این سوره را برای خدا در نماز واجب و سنتی بخواند، خدا او را در مساکن نیکوکاران ساکن گرداند و سه بهشت دیگر او را کرامت فرماید و دوست حوریّه و چهار هزار زن به او تزویج فرماید». (۲۴۶) «سورة الجن» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که

سوره جن را بسیار بخواند، در دنیا از چشم جنیان و دمیدن ها و سحر و مکر ایشان محفوظ باشد، و در بهشت از رفقای حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم باشد». (۲۴۷) «سورة الْمُزَّمِّل» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره مزمل را در نماز خفتن یا در نماز شب بخواند، شب و روز و آن سوره هر سه شاهد و گواه او باشند در قیامت، و خدا او را با زندگانی نیکو زنده دارد، و به مردن نیکو بمیراند». (۲۴۸) «سورة الْمَدَّثَر» از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در نماز واجب سوره مدثر را بخواند، بر خدا لازم است که او را در جوار حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم جا دهد، و در زندگانی دنیا هرگز شقاوت، او را در نیابد». (۲۴۹) «سورة الْقِيَامَةِ» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید سوره لا اقسام را و به آن عمل نماید خدا او را با حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم محشور گرداند در بهترین صورتها، و آن حضرت او را بشارت فرماید و بر رویش خندد تا از صراط و میزان او را بگذراند». (۲۵۰) «سورة الدَّهْرِ» از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره هل اتی علی الانسان را در هر صبح پنجشنبه بخواند، خدا به او هشتصد دختر باکره و چهار هزار زن و حورالعین کرامت فرماید و با حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم باشد». (۲۵۱) و به سند معتبر از علی بن عمر منقول است که: «به خدمت امام علی النقی علیه السلام رفتم در روز سه شنبه، حضرت فرمود که دیروز تو را ندیدم! گفتم: نخواستم در روز دوشنبه حرکت کنم، حضرت فرمود: هر که خواهد که خدا او را از شرّ روز دوشنبه نگاه دارد باید در رکعت اول نماز صبح آن روز سوره هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ بخواند، چنانچه حق تعالی در آن سوره می‌فرماید: «پس خدا ایشان را نگاه داشت از شرّ آن روز و به استقبال ایشان فرستاد نصرت و خوشحالی و سرور و شادی را». (۲۵۲) و در حدیث رجاء بن ضحاک وارد است که: «حضرت امام رضا علیه السلام در نماز صبح روز دوشنبه و پنجشنبه، در رکعت اول «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ می‌خواندند و در رکعت دوم هَلْ أَتَىكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ». (۲۵۳) «سورة المرسلات و التَّبَا و سورة النازعات» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره و المرسلات را بخواند، حق تعالی میان او و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم را آشنایی بیندازد». (۲۵۴) «و هر که هر روز سوره عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ را بخواند، از دنیا نرود تا توفیق زیارت کعبه بیابد». (۲۵۵) «و هر که سوره نازعات را بخواند نمیرد مگر سیراب، و مبعوث نشود مگر سیراب، و داخل بهشت نشود مگر سیراب». (۲۵۶) «سورة عبس و سورة كُوْزَتْ» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره عبس و تولّی و سوره اذا الشمس كُوْزَتْ را بخواند، در حفظ الهی باشد از خیانت، و در سایه کرامت و مرحمت الهی باشد تا زنده [است]». (۲۵۷) «سورة الأنفطار و سورة المطفّفين و سورة الانشقاق» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اذا السّمَاء انفطرت و اذا السّجّاء انشقت را در فریضه یا نافله بسیار بخواند، خدا هیچ حاجت او را ردّ ننماید و او را هیچ مانعی از خدا دور نگرداند در آخرت، پیوسته او نظر به کرامتهای الهی نماید و خدا نظر رحمت به او بدارد تا از حساب خلاق فارغ شود». (۲۵۸) و به سند دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در نماز واجب سوره ویل للمطفّفين بسیار بخواند، حق تعالی در قیامت برات ایمنی از آتش جهنّم به او کرامت فرماید و او را بی حساب به بهشت برد». (۲۵۹) «سورة البروج» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره والسیّماء ذات البروج را در فرایض بخواند، چون سوره پیغمبران است، حق تعالی او را در قیامت با پیغمبران و مرسلان و صالحان محشور گرداند و با ایشان او را باز دارد». (۲۶۰) «سورة الطّارق» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره والسیّماء والطّارق را در فرایض بخواند، او را در قیامت نزد خدا قدر و منزلت عظیم بوده باشد و از رفقای پیغمبران باشد در بهشت». (۲۶۱) «سورة الأعلى» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى را در فریضه یا نافله بخواند، در روز قیامت به او گویند که از هر در از درهای بهشت که می‌خواهی داخل شو». (۲۶۲) «سورة الغاشية» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره هَلْ أَتَىكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ در نماز واجب یا سنّت، خدا او را فرو گیرد به رحمت خود در دنیا و آخرت، و در روز قیامت برات ایمنی از عذاب جهنّم به او کرامت فرماید». (۲۶۳) «سورة الفجر» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «بخوانید سوره فجر را در نمازهای فریضه و نافله که آن

سوره حضرت امام حسین علیه السلام است و هر که این سوره را بخواند در بهشت در جوار آن حضرت باشد. (۲۶۴) «سورة البلد» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره لا- اُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ را در نماز واجب بخواند، در دنیا از جمله صالحان معروف شود، و در آخرت معروف گردد که او را منزلت عظیم نزد حق تعالی هست، و در قیامت از رفقای پیغمبران و شهیدان و صالحان باشد. (۲۶۵) «سورة الشمس و سورة الليل» و «سورة الضحی و سورة الم نشرح» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بسیار بخواند در روزی یا در شبی سورة وَالشَّمْسُ وَصُحُیْهَا و سورة وَاللَّیْلِ اِذَا یَغْشٰی و سورة وَالضُّحٰی و اَلَمْ نَشْرَحْ را، هر چیز که نزد او حاضر باشد در قیامت برای او شهادت دهد، حتی مو و پوست و گوشت و خون و عروق و عصب ها و استخوانها و جمیع اعضای او، حق تعالی بفرماید که: من شهادت شما را قبول کردم از برای بنده خود، ای ملائکه! ببرید او را به بهشت و هر جا که او اختیار نماید به او عطا کنید. گوارا باد فضل و رحمت من از برای بنده من». (۲۶۶) «سورة التین» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سورة وَالتِّینِ را در فرایض و نوافل خود بخواند، عطا فرمایند به او از بهشت هر جا که به پسندد». (۲۶۷) «سورة العلق» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در روز یا در شب سورة اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ را بخواند، در آن روز یا در آن شب بمیرد، چنان باشد که شهید مرده باشد و خدا او را با شهیدان محشور گرداند، و چنان باشد که در راه خدا در میان لشکر رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم جهاد کرده باشد. (۲۶۸) «سورة القدر» به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ را بلند بخواند، چنان باشد که شمشیر کشیده باشد و در راه خدا جهاد کند، و اگر آهسته بخواند، چنان باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود دست و پا زند، و هر که ده بار بخواند، خدا هزار گناه از گناهان او را محو نماید». (۲۶۹) و به روایت دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را در نماز فریضه بخواند، منادی از جانب حق تعالی ندا فرماید که: خدا گناهان گذشته تو را آمرزید؛ عمل را از سر گیر». (۲۷۰) و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که پیش از طلوع آفتاب قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را بخواند در آن روز به گناهی مبتلا نشود؛ هر چند شیطان سعی نماید». (۲۷۱) و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «به درستی که حق تعالی را در روز جمعه هزار نفحه و نسیم از رحمت خود هست. هر بنده ای را آنچه خواهد از او عطا می فرماید، پس هر که سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه بخواند حق تعالی آن نفحه رحمت را و مثل آن را به او عطا فرماید». (۲۷۲) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون شب ماه مبارک رمضان درآید، در هر شب هزار مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را بخوان و چون شب بیست و سیم درآید، دل خود را محکم بدار و گوشهای خود را بگشا از برای شنیدن عجایب از آنچه خواهی دید». (۲۷۳) و به سندهای معتبر از آن حضرت منقول است که: «اگر کسی در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را هزار مرتبه بخواند، چون صبح کند، یقین او شدید و محکم شده باشد به اعتراف نمودن به چیزی چند که مخصوص ما است از غرایب فضایل، و نیست این مگر به سبب چیزی که در خواب مشاهده نماید». (۲۷۴) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که جامه نوی ببرد اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را سی و شش مرتبه بخواند و در هر مرتبه چون برسد به تَنْزَلَ الْمَلَائِكَةُ اَنْدَکِیْ آبِ بَرْدَارِد و بر جامه بپاشد، پاشیدن سهلی، پس دو رکعت نماز در آن جامه بخواند و دعا کند و در دعا بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النَّاسِ وَاُوَارِی بِهِ عَوْرَتِی وَاُصَلِّی فِیهِ لِزَبِّی» و حمد الهی بکند؛ پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آن جامه کهنه شود». (۲۷۵) و به سند معتبر منقول است که: «چون حضرت امام رضا علیه السلام جامه نو می پوشیدند، قدحی آب میطلبیدند و ده مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و ده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و ده مرتبه قُلْ یَا اَیُّهَا الْکَافِرُونَ بر آن ظرف می خواندند و بعد از آن، آن آب را بر جامه میپاشیدند و می فرمودند: هر که پیش از پوشیدن جامه چنین کند پیوسته در فراخی عیش باشد، مادامی که تازی از آن باقی باشد». (۲۷۶) و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «چون حق تعالی جامه نوی به کسی عطا فرماید، باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی بعد از حمد، آیه الكرسی و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بخواند، بعد از آن حمد کند خداوندی را که عورت

او را به جامه پوشیده و او را در میان مردم زینت بخشیده و کلمه لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بسیار بگوید، و کسی که چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و به عدد هر تاری که در آن جامه باشد خدا ملکی موکل گرداند که تقدیس خدا کند و از برای او استغفار نماید و بر او دعا و ترحم کند». (۲۷۷) و در روایت دیگر وارد شده است که: «هر که قدحی برگیرد و آبی در آن قدح ریزد و سی و پنج مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را بر آن قدح بخواند و آب را بر جامه خود بپاشد پیوسته در وسعت باشد تا آن جامه کهنه شود». (۲۷۸) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «از برای عوده از بلاها سبوی تازه می‌گیری و از آب پر می‌کنی و سی مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بر آن سبو می‌خوانی، پس آن سبو را می‌آویزی و از آن آب می‌خوری و وضو می‌سازی و پیش از آن که آبش تمام شود آب بر رویش می‌ریزی». (۲۷۹) و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است: «هر که در هر شبانه روز هفتاد و شش مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بخواند، حق تعالی هزار ملک خلق کند که در سی و شش هزار سال، ثواب آن را بنویسند و حق تعالی ثواب آن را دو هزار هزار مرتبه مضاعف گرداند به این که بعد از طلوع صبح پیش از نماز، هفت مرتبه بخواند و بعد از نماز صبح ده مرتبه و در اول زوال، پیش از نافله ده مرتبه و بعد از نافله، بیست و یک مرتبه و بعد از نماز عصر، ده مرتبه و بعد از نماز خفتن، هفت مرتبه و چون به رختخواب می‌رود، یازده مرتبه، چون چنین کند حق تعالی هفت چیز را به او کرامت فرماید: اول: آن که شش روز ملائکه بر او صلوات فرستند. دوم: آن که در امان خدا باشد از بلاها تا شام. سوم: آن که حق تعالی نظر رحمت به سوی او افکند و درهای آسمان را برای او بگشاید. چهارم: آن که حق تعالی خانه‌ای برای او خلق نماید که هر یک از طول و عرضش هشتاد ذراع و بلندیش شصت ذراع باشد، آن خانه را پر کند از ملائکه که برای او طلب آمرزش کنند تا روز قیامت، و حق تعالی مضاعف گرداند ثواب آن را دو هزار سال، هر روز هزار مرتبه. پنجم: آن که ثواب اعمال جمیع خلائق را در یک روز به او عطا فرماید. ششم: آن که در امان خدا باشد تا صبح. هفتم: آن که حق تعالی ملکی خلق نماید که کف دست او بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین باشد و در موضع هر ذره از بدن او مویی باشد و هر مویی به قوت جن و انس استغفار کنند برای صاحب این عمل تا روز قیامت». (۲۸۰) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «نوری که در قیامت با مؤمنان می‌باشد، نور سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ است و فرمود: هر که این سوره را در نماز بخواند، نماز او در علّیین بالا رود و مقبول می‌شود و ثوابش مضاعف گردد، و هر که این سوره را بخواند و دعا کند دعایش به لوح محفوظ بالا رود و مستجاب گردد، و هر که این سوره را بخواند محبت او در دل‌های مردم به هم رسد، و هر که حاجتی از کسی خواهد چون نزد او رود این سوره را بخواند تا حاجتش برآورده شود، و هر که از پادشاهی یا ظالمی ترسد در وقتی که نظرش بر او می‌افتد این سوره را بخواند از شر او ایمن گردد، و کسی که با شخصی منازعه و دعوایی داشته باشد این سوره را بخواند بر خصم غالب آید، و خواننده این سوره هنوز فارغ نمی‌شود از خواندن که برات بیزاری او از آتش جهنم نوشته می‌شود». (۲۸۱) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است: «هر که در شبی صد مرتبه این سوره را بخواند پیش از صبح بهشت را می‌بیند». (۲۸۲) و به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که هشت دختر مرا به هم رسیده و روی پسر تا حال ندیده‌ام، دعا فرما که خدا مرا پسری کرامت فرماید، حضرت فرمود: چون می‌نشینی که مشغول جماع شوی دست راست خود را بر طرف راست ناف زن بگذار و هفت مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بخوان و بعد از آن مشغول شو و چون حمل ظاهر شود در شب هر وقت که از پهلوی به پهلوی گردی باز دست بر جانب راست نافش بگذار و هفت مرتبه آن سوره را بخوان، آن شخص گفت: چنین کردم، هفت پسر از پی یکدیگر خدا مرا روزی کرد». (۲۸۳) و به سند معتبر منقول است از ابی عمرو که گفت: «بسیار حالم پریشان شد از فقر و احتیاج، به خدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشتم حال خود را، حضرت فرمود: مداومت کن بر قرائت سوره اِنَّا اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلَى قَوْمِهِ، من یک سال خواندم و اثری ندیدم، بار دیگر به خدمت حضرت نوشتم حال خود را و عرض کردم که از خواندن آن سوره نفعی به من نرسید، حضرت به من نوشتند آن را که یک سال خوانده‌ای کافی است، الحال سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را بخوان، من چنین کردم، بعد از اندک

وقتی ابن ابی داود قرضم را ادا کرد، و وظیفه‌ای برای من و عیالم مقرر کرد و مرا وکیل کرد و به بصره فرستاد، و پانصد درهم برای من مقرری قرار داد و من از بصره نامه نوشتم به خدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام و به علی بن مهزیار دادم و فرستادم و در آن نامه نوشتم که به پدرت حال خود را عرض نمودم و به من چنین نوشت و عمل کردم، حالم خوب شده است می‌خواهم بفرمایی که آیا اکتفا کنم به خواندن سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** در نمازهای واجب و سنت، یا در غیر نماز هم می‌باید خواند و اندازه اش بفرمایی که چه مقداری باید خواند؟ حضرت نوشتند: هیچ سوره از قرآن را ترک مکن نه کوچک و نه بزرگ، و از خواندن **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** در شبانه روزی صد مرتبه کافی است». (۲۸۴) و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است: «هر که بعد از نماز عصر ده مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** بخواند مثل اعمال جمیع خلائق از ثواب به او کرامت فرمایند». (۲۸۵) و به سند معتبر منقول است که: «حضرت امام محمد تقی علیه السلام چون در ماه تازه داخل می‌شدند، در روز اول ماه دو رکعت نماز می‌کردند و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ** و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** می‌خواندند و بعد از نماز آنچه میسر بود تصدق می‌نمودند و سلامتی آن ماه را به این عمل می‌خریدند». (۲۸۶) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است: «هر که سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را بعد از صبح ده مرتبه و نزد زوال شمس ده مرتبه و بعد از عصر ده مرتبه بخواند، دو هزار ملک در سی سال ثواب آن را بنویسند و فرمود: هر که هفت مرتبه بعد از طلوع صبح بخواند، هفتاد صف از ملائکه، هفتاد صلوات و هفتاد رحمت بر او بفرستند». (۲۸۷) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را هزار مرتبه در روز دوشنبه و هزار مرتبه در روز پنجشنبه بخواند، حق تعالی از آن ملکی خلق نماید که کف دست او از هفت آسمان و هفت زمین بزرگتر باشد و در بدن او هزار هزار مو خلق کند و از هر مویی هزار زبان بیافریند که هر زبانی به قوت جمیع انس و جن استغفار نمایند برای خواننده این سوره، و حق تعالی ثواب استغفار ایشان را دو هزار هزار مرتبه مضاعف گرداند». (۲۸۸) و به سند معتبر منقول است که: «ابوعلی بن راشد به خدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام عرض نمود که شما به محمد بن الفرج نوشته بودید بهترین سوره‌ها که در نماز واجب خوانند **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** است و بر من دشوار است که این دو سوره را در نماز صبح بخوانم، حضرت فرمود: بر تو گران نباشد و **اللَّهُ** که فضیلت در این دو سوره است». (۲۸۹) و به سند صحیح منقول است که: «حمیری به خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام نوشت که از آباء شما به ما رسیده است حدیثی که عجب دارم از کسی که **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** در نمازش نمی‌خواند چگونه نمازش مقبول می‌شود». (۲۹۰) و روایتی دیگر رسیده است: «نمازی که در آن **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** نخواند مُرَّکی و مقبول نیست و در روایت دیگر رسیده که هر که در نماز واجبش سوره **هُمَزَه** را بخواند خیر دنیا به او می‌دهند، پس آیا جایز است که **هُمَزَه** و آن دو سوره را ترک نماید؟ حضرت در جواب نوشتند: ثواب این سوره‌ها که به شما رسیده، حق است و اگر سوره‌ای را که ثوابی در آن سوره به شما رسیده باشد، ترک کنید و **قُلْ هُوَ اللَّهُ** و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** بخوانید از برای فضیلت این دو سوره ثواب این دو سوره را می‌یابید با ثواب آن سوره که ترک کرده‌اید؛ و اگر غیر این دو سوره را هم بخوانید، جایز است و نماز شما تمام و کامل است؛ ولیکن ترک افضل کرده خواهید بود». (۲۹۱) «سوره البینه» از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره **لَمْ يَكُنْ** را بخواند از شرک بیزار گردد و دین پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم برای او کامل شود و در قیامت داخل مؤمنان کامل مبعوث شود و خدا او را حساب نماید حساب آسان». (۲۹۲) «سوره الزلزله» به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «ملال به هم مرسانید از خواندن سوره **إِذَا زُلْزِلَتْ**، به درستی که هر که در نمازهای نافله این سوره را بسیار بخواند، هرگز خدا او را به زلزله و صاعقه و آفت های عظیم دنیا مبتلا نگرداند و او را به این آفتها نمرانند و در وقت جان کندن ملک بزرگواری از جانب پروردگارش به نزد او بیاید و بر بالای سرش بایستد و به ملک الموت از جانب حق تعالی بگوید: با رفیق و مدارا سر کن با دوست خدا، که خدا را به خواندن سوره **إِذَا زُلْزِلَتْ** بسیار یاد می‌کرد و این سوره نیز سفارش به ملک الموت کند، پس ملک [الموت] گوید: حق تعالی مرا چنین امر فرموده است که سخن او را بشنوم و اطاعت او بکنم و تا امر نکند قبض روحش نکنم، پس ملک الموت نزد او باشد تا پرده از پیش دیده

مؤمن بگیرند و جای خود را در بهشت ببیند و بعد از دیدن او را امر نماید که قبض روح بکن، پس ملک الموت در نهایت ملایمت و آسانی قبض روح او بکند و هفتاد هزار ملک روح او را مشایعت کنند و به زودی به بهشت رسانند». (۲۹۳) و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر که چهار مرتبه اِذَا زُلْزِلَتْ بخواند چنان است که تمام قرآن را خوانده است». (۲۹۴) «سورة العاديات» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره والعاديات با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام محشور شود و در بهشت از رفقای آن حضرت باشد». (۲۹۵) «سورة القارعة» از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قارعه را بسیار تلاوت نماید خدا او را از فتنه دَجَال در دنیا و از حرارت جهنم در آخرت امان بخشد». (۲۹۶) «سورة التكاثر» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اَلْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ را در نماز واجب خواند حق تعالی ثواب صد شهید برای او بنویسد و هر که در نافله بخواند ثواب پنجاه شهید خدا برای او بنویسد و در نماز واجبش چهل صف از ملائکه با او نماز کنند». (۲۹۷) و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر که سوره اَلْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ را در وقت خواب بخواند خدا او را از عذاب قبر نگاه دارد». (۲۹۸) «سورة العصر» از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که سوره والعصر را در نمازهای نافله بخواند خدا او را در روز قیامت با روی نورانی و دندان خندان و چشم روشن و خوشحال مبعوث گرداند تا او را داخل بهشت کند». (۲۹۹) «سورة الهمزة» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ را در نمازهای فریضه بخواند خدا فقر را از او دور گرداند و روزی او را فراخ نماید و او را به مرگ بد نمراند». (۳۰۰) «سورة الفيل والقريش» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در نمازهای واجب سوره اَلَمْ تَرَ كَيْفَ را بخواند برای او شهادت دهند در قیامت هر دشت و کوهی و کلوخی که او از جمله نماز گذاران بوده است و حق تعالی ندا فرماید: راست گفتید، شهادت شما را قبول کردم؛ ای ملائکه! او را بی حساب داخل بهشت کنید که من او را و عمل او را دوست می‌دارم». (۳۰۱) و همچنین از آن حضرت منقول است که: «هر که سوره لایلاف را بسیار تلاوت نماید چون مبعوث شود، بر اسبی از اسبان بهشت سوار شود تا بر سر مائده نور بنشیند». (۳۰۲) بدان که مشهور میان علما آن است که یکی از این دو سوره را به تنهایی در نماز واجب نمی‌توان خواند، بلکه اگر خوانند باهم می‌باید خواند و همچنین است حکم وَالْضُّحَى وَالْمَنْشَرُخ. «سورة الماعون» از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اَرَاَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدين را در نمازهای فریضه و نافله بخواند از جماعتی باشد که خدا نماز و روزه ایشان را قبول فرموده است و او را در قیامت به اعمال دنیا حساب نکنند». (۳۰۳) «سورة الكوثر» از حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام منقول است که: «هر که سوره اِنَّا اَعْطَيْنَا را در نمازهای فریضه و نافله بسیار بخواند خدا در قیامت او را از حوض کوثر آب دهد و او را در زیر درخت طوبی در جوار حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم جا دهد». (۳۰۴) «سورة الكافرون» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و قُلْ هُوَ اللَّهُ را در نماز فریضه بخواند خدا او را و پدر و مادرش را و فرزند پدر و مادرش را پیامرزد، و اگر شقی باشد نام او را از دیوان اشقیا محو نماید و در دیوان سعدا بنویسد و او را در زندگی دنیا سعادت مند بدارد و او را شهید بمیراند و شهید مبعوث گرداند». (۳۰۵) و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «پدرم می‌فرمود: قُلْ هُوَ اللَّهُ ثَلَاثَ قرآن است و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ربع قرآن». (۳۰۶) و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: هر که وقتی که به رختخواب رود و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدَ بخواند خدای تعالی بیزاری از شرک از برای او بنویسد». (۳۰۷) و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در سفری نماز کردند و ما به آن حضرت اقتدا کردیم در رکعت اول قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ خواندند و در رکعت دوم قُلْ هُوَ اللَّهُ و چون فارغ شدند فرمودند: از برای شما ثلث قرآن و ربع قرآن خواندم». (۳۰۸) و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «ترک مکن خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را در هفت نماز؛ در نافله صبح، و دو رکعت اول نماز پیشین، و دو رکعت

اول نماز شام، و دو رکعت اول نماز شب، و نماز احرام، و نماز صبح اگر هوا بسیار روشن شده باشد و سوره طولانی نتوان خواند، و نماز طواف» (۳۰۹) و در روایت دیگر وارد شده است که: [امام صادق علیه السلام] «در این نمازها در رکعت اول قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ می‌خواند مگر در نافله صبح که در رکعت اول قُلْ یا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ می‌خواند» (۳۱۰) «سورة النصر» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اذا جاء نَصْرُ اللَّهِ را در نماز فریضه یا نافله بخواند خدا او را بر جمیع دشمنان نصرت دهد، و چون از قبر بیرون آید با او نامه‌ای باشد گویا، در آن نامه امان از صراط و از آتش جهنم و صدای جهنم بوده باشد، و بر هر چیز که بگذرد او را بشارت به نیکی دهد تا داخل بهشت شود، و حق تعالی از برای او در دنیا از اسباب خیر آنقدر بگشاید که به خاطرش خطور نکرده باشد و آرزوی آن نداشته باشد» (۳۱۱) «سورة ابي لهب» از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون سوره تَبَّتْ یَدَا اَبی لَهَبٍ را بخوانید لعن و نفرین کنید بر ابولهب که او از جمله تکذیب کنندگان بوده، تکذیب پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و آنچه آورده است می‌نمود» (۳۱۲) «سورة الاخلاص» به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ را یک مرتبه بخواند حق تعالی بر او برکت فرستد، و هر که دو مرتبه بخواند حق تعالی بر او و اهلش برکت فرستد، و هر که سه مرتبه بخواند حق تعالی به او و اهلش و به همسایگانش برکت دهد، و هر که دوازده مرتبه بخواند خدا در بهشت دوازده قصر از برای او بنا کند و کاتبان اعمال، به یکدیگر گویند که بیا بیاید برویم به قصرهای برادر خود نظر کنیم، و هر که صد مرتبه بخواند خداوند عالمیان گناهان بیست و پنج سال او را بیامزد به غیر از خون ناحق و مال مردم، و کسی که چهار صد مرتبه بخواند خدا او را اجر چهار صد شهید کرامت فرماید از شهیدان، که اسبان شان را پی کرده باشند و خونشان را ریخته باشند. و کسی که هزار مرتبه در شبانه روز بخواند نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند یا دیگری برای او ببیند» (۳۱۳) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم بر سعد بن معاذ نماز کردند و فرمودند: هفتاد هزار ملک بر او نماز کردند که جبرئیل علیه السلام در میان ایشان بود. از جبرئیل علیه السلام پرسیدم که به چه عمل مستحق این شده بود که شما بر او نماز کنید؟ گفت: به سبب این که قُلْ هُوَ اللَّهُ می‌خواند؛ ایستاده و نشسته و سواره و پیاده در رفتن و برگشتن» (۳۱۴) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که صد مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ را در وقت خواب بخواند خدای تعالی گناه پنجاه ساله او را بیامزد» (۳۱۵) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «خود را حفظ نمایید از شر مردم به خواندن سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ، رو به جانب راست خود کن و بخوان، و به جانب چپ رو کن و بخوان، و به جانب راه خود رو کن و بخوان، و رو به پشت سر کن و بخوان، و به جانب بالایی سر نظر کن و بخوان، و به جانب پایین نظر کن و بخوان؛ و اگر خواهی که نزد حاکم جابری روی چون نظرت بر او افتد سه مرتبه بخوان و هر یک مرتبه که می‌خوانی یک انگشت را عقد کن از دست چپ، و انگشتان را چنین نگاه دار تا از نزد او بیرون آیی» (۳۱۶) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که یک روز بر او بگذرد و پنج نماز کند و در آن پنج نماز قُلْ هُوَ اللَّهُ نخواند، به او خطاب کنند که ای بنده خدا تو از نماز گران نیستی» (۳۱۷) و به سند معتبر دیگر منقول است از آن حضرت که: «هر که بر او یک هفته بگذرد و قُلْ هُوَ اللَّهُ در آن هفته نخواند و بمیرد بر دین ابی لهب مرده باشد» (۳۱۸) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که او را مرضی پیش آید یا شدتی رو دهد قُلْ هُوَ اللَّهُ از برای رفع آن نخواند، او از اهل آتش است» (۳۱۹) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشد باید که بعد از نماز واجب، خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ را ترک ننماید؛ به درستی که هر که بعد از فریضه قُلْ هُوَ اللَّهُ بخواند، خدا به او خیر دنیا و آخرت کرامت فرماید، و گناهان او و پدر و مادر او را و فرزندان پدر و مادر او را بیامزد» (۳۲۰) و به سند صحیح از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ را بعد از نماز صبح یازده مرتبه بخواند در آن روز بر او گناهی لازم نشود؛ هر چند بینی شیطان بر خاک مالیده شود» (۳۲۱) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «کسی که به رختخواب رود و یازده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ بخواند، خدا خانه او و خانه همسایگانش را حفظ نماید» (۳۲۲) و به سند معتبر از حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت خواب قُلْ هُوَ اللَّهُ بخواند حق تعالی پنجاه هزار مَلَكِ موکل گرداند که او را در آن شب حراست نمایند». (۳۲۳) و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر که در وقت خواب قُلْ هُوَ اللَّهُ را بخواند گناه پنجاه ساله او آمرزیده شود». (۳۲۴) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که یک مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَد بخواند چنان باشد که ثلث قرآن و ثلث تورات و ثلث انجیل و ثلث زبور را خوانده باشد». (۳۲۵) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حق تعالی به عوض باغ فدک به حضرت فاطمه علیها السلام اطاعت تب را کرامت فرمود که تب مطیع آن حضرت باشد، پس هر که حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان او را دوست دارد و تبی به هم رساند و هزار مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَد بخواند و به حق فاطمه سؤال نماید زوال تب را، تب او به امر الهی زایل گردد». (۳۲۶) و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر که را صداعی یا غیر آن عارض شود و دستهای خود را بگشاید و سوره فاتحه و قُلْ هُوَ اللَّهُ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس بخواند و دست بر روی خود بکشد، آن آزار بر طرف شود». (۳۲۷) «سوره الفلق و سوره الناس» به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سبب نزول معوذتین آن بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم تب به هم رسانیدند، جبرئیل علیه السلام این دو سوره را آورد و تعویذ آن حضرت گردانید». (۳۲۸) و به سند معتبر از صابر منقول است که: «حضرت صادق علیه السلام امامت ما کردند در نماز شام، معوذتین خواندند و بعد از فراغ فرمودند: این دو سوره از قرآن است». (۳۲۹) و از حضرت امام رضا علیه السلام به سند معتبر منقول است که: «هر که در حد صبا (۳۳۰) و طفولیت تعهد نماید در هر شبی خواندن قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس را هر یک سه مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ را صد مرتبه و اگر نتواند پنجاه مرتبه، حق تعالی از او دور گرداند دیوانگی و مرض هایی را که عارض اطفال می شود و استسقا و فساد معده و غلبه خون را تا سن پیری، مادام که تعهد و مداومت بر این نماید». (۳۳۱) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که @: «هر که در سه رکعت وتر، معوذتین و قُلْ هُوَ اللَّهُ بخواند به او خطاب کنند که ای بنده خدا بشارت باد تو را که خدا و تررت را قبول کرد». (۳۳۲) و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بعد از نماز جمعه سوره حمد را یک مرتبه و هریک از معوذتین و قُلْ هُوَ اللَّهُ را هفت مرتبه و آیه الكرسي و آیه السخره و آخر سوره براءت، لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ ... الخ»، هریک را یک مرتبه بخواند کفاره گناهان او باشد از جمعه تا جمعه دیگر». (۳۳۳) از معمر بن خلاد منقول است که: «در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بودم در راه خراسان و وکیل آن حضرت بودم، و مرا امر فرمود که غالیه (۳۳۴) راست کن، چون راست کردم و در شیشه کردم، حضرت را بسیار خوش آمد؛ پس فرمود: ای معمر! چشم زدن حق است از برای دفع تأثیر چشم زدن در کاغذی سوره حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ و معوذتین را بنویس و در غلاف شیشه غالیه بگذار». (۳۳۵) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «تأثیر چشم زدن حق است و ایمن نیستی که چشم خودت در تو یا در دیگری تأثیر کند، پس اگر از تأثیر چشم بترسی سه مرتبه بگو: مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. و اگر یکی از شما زینتی کند که خوشایند باشد چون از منزل خود بیرون رود قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس بخواند که از چشم به او ضرر نرسد به اذن خدا». (۳۳۶) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «کسی که در خواب ترسد در وقت خواب معوذتین و آیه الكرسي بخواند». (۳۳۷)

تنویر دوم: در بیان فضل دعا و شرایط و آداب آن است

تنویر دوم: در بیان فضل دعا و شرایط و آداب آن

است و این مشتمل است بر چند نجم: Z نجم اول: در بیان فضیلت دعا و فواید آن است Z نجم دوم: در توضیح مجملی از شرایط و

آداب دعا Z نجم سوّم: در بیان سبب مستجاب نشدن بعضی از دعاها

نجم اول: «در بیان فضیلت دعا و فوائد آن است»

بدان که افضل عبادات و نزدیکترین راههای قرب بنده به جناب قاضی الحاجات طریقه دعا و تضرّع و مناجات است، و به کثرت دعا و مناجات، یقین به ذات و صفات کمالیه الهی زیاده می‌گردد، و توکل و تفویض به جناب مقدّس او بیشتر می‌شود، و موجب قطع طمع‌ها و علائق از خلق می‌شود، و همین طریقه از جمیع ائمه ما صلوات الله علیهم اجمعین منقول است که بعد از ادای فرایض و سنن پیوسته مشغول تضرّع و مناجات بوده‌اند، بخصوص حضرت سیّد السّاجدین علیه السلام، چنانچه حق تعالی می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (۳۳۸) یعنی: «گفت: پروردگار شما که بخوانید مرا در جمیع مطالب تا دعای شما را مستجاب کنم، به درستی که آن جماعت که تکبر می‌نمایند و سرکشی می‌کنند از عبادت من، زود باشد که داخل جهنم شوند با مذلت و خواری». و در احادیث بسیار از ائمه اطهار علیهم السلام منقول است که: «مراد از عبادت در این آیه دعا است». (۳۳۹) پس حق تعالی اوّل امر به دعا فرموده و دیگر وعده استجاب نموده، و بعد از آن، دعا را عبادت شمرده و ترک دعا را تکبر خوانده و بر ترکش وعده دخول جهنم فرموده و در موضع دیگر می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (۳۴۰) که ترجمه‌اش این است: چون سؤال نمایند از تو بندگان من، از صفت من، یا نزدیکی و دوری من، یا کیفیت دعا کردن من که آهسته دعا کنند یا بلند، پس بگو به ایشان که من نزدیکم به ایشان به علم و احاطه و لطف و رحمت، و مستجاب می‌گردانم دعای دعا کننده را در هنگامی که مرا خوانند، پس باید که بندگان اجابت کنند مرا در دعا کردن که از ایشان طلبیده‌ام، یا آن که چون من اجابت می‌کنم در دعا باید که ایشان اجابت من کنند در جمیع تکالیف من، و باید که ایمان آورند به وعده من در اجابت دعا و در ایمان خود ثابت باشند، شاید که راه راست یابند و به رشد و صلاح خود پی برند. و به سند معتبر منقول است که: «از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند: کدام عبادت بهتر و افضل است؟ حضرت فرمود: هیچ عبادتی بهتر نیست نزد حق تعالی از آن که از او سؤال نمایند، و از رحمت‌های غیر متناهی که نزد اوست طلب نمایند، و هیچ کس نزد خدا دشمن‌تر و بدتر نیست از کسی که تکبر کند از عبادت الهی که دعا است، و از عطاها و رحمت‌های الهی سؤال نماید». (۳۴۱) از میسر بن عبدالعزیز منقول است که: حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ای میسر! دعا بکن و مگو که هر چه مقدّر شده است خواهد شد، به درستی که نزد خدا منزلتی هست که به آن نمی‌توان رسید مگر به دعا و مسألت، و اگر کسی دهان خود را ببندد و دعا نکند و سؤال نماید از خدا، چیزی به او نمی‌دهد پس بطلب تا عطا کند. ای میسر! هر که دری را بسیار بگوید البته برویش می‌گشایند». (۳۴۲) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که از فضل خدا سؤال نماید فقیر می‌شود». (۳۴۳) و در حدیث دیگر فرمود: «بر شما باد به دعا، به درستی که شما را قرب به خدا حاصل نمی‌شود به عبادتی مثل دعا، و ترک مکنید طلب کردن حاجت کوچکی را برای خوردی آن حاجت، به درستی که حاجت کوچک و بزرگ همه به دست خدا است». (۳۴۴) و در حدیث دیگر فرمود: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود که: محبوب‌ترین اعمال نزد حق تعالی در زمین دعا است و فرمود: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دعا بسیار می‌کردند». (۳۴۵) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «دعا حربه مؤمن است برای دفع دشمنان، و عمود دین است که به آن دین مؤمن برپاست و نور آسمان و زمین است». (۳۴۶) و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که: «به صحابه فرمودند: می‌خواهید دلالت کنم شما را بر حربه و سلاحی که شما را نجات دهد از شرّ دشمنان شما، و شما را روزی زیاده گرداند؟ گفتند: بلی. فرمود: دعا کنید و بخوانید پروردگار خود را در شب و روز، به درستی که حربه مؤمن دعا است». (۳۴۷) و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «بر شما باد به حربه پیغمبران که آن دعا است». (۳۴۸) و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «دعا از نیزه تیز، کارگر تر است». (۳۴۹) و

فرمود: «دعا ردّ می‌کند قضا را هر چند از آسمان نازل شده و محکم گردیده باشد». (۳۵۰) و فرمود: «بسیار دعا کنید که دعا کلید جمیع رحمت‌ها است، و موجب فیروزی به همه حاجت‌ها است، و به کرامت‌های الهی نمی‌توان رسید مگر به دعا، و هر دری را که بسیار می‌کوبند البته به روی آدمی می‌گشایند». (۳۵۱) و در حدیث دیگر فرمود: «بر تو باد به دعا که شفای جمیع دردها است». (۳۵۲) و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «هر بلایی که بر بنده مؤمن نازل شود و خدا او را دعا الهام نماید البته آن بلا، زود زایل گردد. و هر بلایی که بر مؤمن نازل شود و توفیق دعا نیابد و ترک کند، البته آن بلا بطول می‌انجامد؛ پس بر شما باد به دعا و تضرّع به سوی خداوند عالمیان». (۳۵۳) و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «دعا کنید بیماران خود را به تصدّق، و دفع کنید انواع بلاها را به دعا، و حفظ کنید مالهای خود را به دادن زکات؛ به درستی که هیچ مرغی به دام نمی‌افتد مگر آن که تسیح خود را ترک نماید». (۳۵۴) و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «دفع کنید موجهای بلا را از خود به دعا پیش از آن که نازل گردد، به حق خداوندی که دانه را شکافته و انواع گیاه را از آن بیرون آورده، و خلائق را خلق فرموده، که بلا به سوی مؤمن تندتر می‌آید از سیلی که از بالای کوه به پایین آید و از دویدن اسبان تند، و هیچ نعمتی و طراوت عیشی از بندگان برطرف نمی‌شود مگر به گناهان ایشان، اگر استقبال کنند بلا را به دعا و تضرّع و انابت و توبه، بر ایشان نازل نخواهد شد، و اگر وقتی که بلا نازل شود و نعمت از ایشان زایل گردد به خدا پناه برند و تضرّع نمایند با نیت‌های درست، و سستی نورزند در عبادت و بندگی، و ترک گناهان بکنند؛ البته خدا هر فاسدی را برای ایشان به اصلاح می‌آورد و هر نعمتی را که از ایشان سلب نموده، به ایشان بر می‌گرداند». (۳۵۵) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سه چیز است که به آنها هیچ [چیز] ضرر نمی‌کند، دعا کردن در هنگام بلاها و شدّت‌ها، و استغفار کردن بعد از گناه، و شکر کردن در وقت نعمت». (۳۵۶) و در حدیث دیگر فرمود: «حق تعالی روزی‌های مؤمنان را از جاهای چند مقرر فرموده که گمان نداشته باشند، زیرا بنده هر گاه نداند که روزیش از کجا می‌رسد، دعا بسیار می‌کند». (۳۵۷) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که را چهار چیز عطا فرمایند، او را از چهار چیز محروم نمی‌گردانند؛ هر که را دعا دادند از اجابت محروم نمی‌سازند، و هر که را استغفار کرامت کردند توبه‌اش را قبول می‌فرمایند، و هر که را شکر عطا کردند نعمتش را زیاده می‌کنند، و هر که را صبر دادند از اجر و ثواب محروم نمی‌گردانند». (۳۵۸)

نجم دوم: «در توضیح مجملی از شرایط و آداب دعا»

بدان که چون دعا مکالمه و سخن گفتن و عرض نیاز کردن است به حضرت قاضی الحاجات، باید که آدمی معنی دعا را بداند و بفهمد، و با حضور قلب دعا کند، و لاقلاً آدابی [را] که در حاجت طلبیدن از مخلوقین - که در عجز و ناتوانی مثل اویند - رعایت می‌نماید، همان قدر را در حاجت طلبیدن از خداوند عظیم الشان - که خالق و رازق و مالک جمیع امور اوست - رعایت کند؛ و ظاهر است که اگر کسی حاجتی به مخلوقی عرض کند چند چیز را رعایت می‌کند: اول، آن که بداند که چه می‌گوید، و اگر از روی مستی و بی‌خبری حرفی گوید با بزرگی، و دلش از آنچه می‌گوید خبر نداشته باشد، اگر سیاستش نکنند به سخنش نیز اعتنایی نخواهند کرد، پس در هنگام مناجات با خداوند خود، باید که دلش خبر داشته باشد از آنچه بر زبانش جاری می‌شود، و از روی جدّ و جهد و اهتمام طلب نماید، و به حاجت خود بی‌اعتنا نباشد. چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حق تعالی قبول نمی‌فرماید دعایی را که از دل غافل صادر شود و فرمود: چون برای میت خود دعا کنید چنین دعا نکنید که دل شما از آن غافل باشد، ولیکن باید که جهد و سعی کنید از برای او در دعا». (۳۵۹) و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «خدا مستجاب نمی‌کند دعایی را که با دل سخت و صاحب قساوت دعا کنند». (۳۶۰) و در حدیث دیگر فرمود: «خدا مستجاب نمی‌کند دعایی را که با دل فراموش کار غافل کنند. پس هر گاه دعا کنید دل خود را با خدا دارید و یقین کنید که دعای شما مستجاب است». (۳۶۱) دوم، آن که کسی را که شخصی برای دفع شداید به او پناه می‌برد البته پیوسته ملازمت او می‌کند، و در غیر حال

شدت به او پناه می‌برد، تا هنگام شدت و بلایی که رو می‌دهد، روی آن داشته باشد که به او پناه برد، همچنین باید که در درگاه خالق در حالت نعمت دعا و تضرع کند، و خدا را به سبب وفور نعمت فراموش نکند، تا در حال شدت ها و سختیها که پناه به او برند، حاجت به زودی برآورده شود، با آن که هیچ آنی نیست که بنده را، صد هزار گونه احتیاج در امور دنیا و آخرت، به جناب مقدس ایزدی نباشد. چنانچه به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «کسی که پیش از نزول بلا پیوسته دعا کند، چون بلا نازل شود دعایش مستجاب [است] و ملائکه می‌گویند: این صدای آشنایی است، و دعای او را از آسمان منع نمی‌کنند؛ و کسی که پیش از نزول بلا پیوسته دعا نکند، بعد از بلا دعایش مستجاب نیست و ملائکه می‌گویند که: ما این صدا را نمی‌شناسیم. و در حدیث دیگر فرمود که: کسی که پیش از نزول بلایی ترسد و پیش از نزول آن بلا دعا کند برای رفع آن بلا، خدا آن بلا را هرگز به او ننماید». (۳۶۲) و در حدیث دیگر فرمود: «کسی که خواهد دعای او در شدت ها مستجاب شود باید که در هنگام رخا و نعمت دعا بسیار بکند». (۳۶۳) و بر این مضمون احادیث بسیار است. سوم، آن که کسی که به مخلوقی حاجتی دارد، خدمات شایسته برای او می‌کند که مرضی طبع او باشد، و از چیزهایی که کراهت دارد اجتناب می‌نماید تا چون حاجتی از او بخواهد برآورده شود، همچنین در درگاه خدا هر که عبادت و بندگی و اطاعت الهی بیشتر کرده است دعایش به اجابت نزدیک تر است؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در این حدیث فرموده‌اند: «دعای بی عمل صالح، از باب تیر انداختن از کمان بی زه است». (۳۶۴) و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «بهترین دعاها آن است که صادر شود از سینه پاکیزه از عیب‌ها و صفات ذمیمه و دل‌پرهیزکار؛ و در مناجات [است] سبب نجات؛ و به اخلاص در اعمال، خلاصی از عقاب حاصل می‌شود؛ پس هرگاه فرع و خوف شما بسیار شود پناه به خداوند خود برید». (۳۶۵) و به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که حق تعالی می‌فرماید: دعا کنید تا دعای شما را مستجاب گردانم، و ما دعا می‌کنیم و مستجاب نمی‌شود. حضرت فرمود: دعای شما برای آن مستجاب نمی‌شود که وفا نمی‌کنید به پیمان‌هایی که حق تعالی از شما گرفته است در عمل نمودن به اوامر و ترک نمودن مناهی، و حق تعالی می‌فرماید: وفا کنید به عهد و پیمان من تا وفا کنم به عهد و پیمان شما، واللّه! اگر شما وفا کنید از برای خدا، خدا نیز وفا می‌کند از برای شما». (۳۶۶) و از نوف بکالی منقول است که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حق تعالی وحی نمود به حضرت عیسی علیه السلام که بگو به گروه بنی اسرائیل داخل خانه‌ای از خانه‌های من نشوید مگر با دل‌های طاهر و پاک، و دیده‌های خاشع و دست‌های پاکیزه از کثافت حرام و شبهه، و بگو به ایشان که بدانید از هیچ یک از شما دعایی مستجاب نمی‌کنم هر گاه مظلومه کسی نزد او باشد، و مال کسی به ظلم در ذمه او باشد». (۳۶۷) و در ابواب سابقه گذشت حدیثی که هر که خواهد که دعایش مستجاب شود باید کسبش را حلال کند، و این امر بسی ظاهر است که هر چند آدمی را قرب زیاده می‌شود دعایش به قبول نزدیک تر است، چنانچه نزد پادشاهان ظاهر هر که قربش بیشتر است حاجتش روا تر است. و ایضاً چنانچه سابقاً تحقیق کردیم، هر چند مناسبت میان فاعل و قابل بیشتر می‌شود قابلیت استفاضه زیاده می‌شود، و مانعی که از فیض هست از طرف قابل است، هر چند قابل کاملتر می‌شود مانع کمتر می‌شود و قابلیت رحمت، زیاده می‌شود و فیض بیشتر فیض می‌شود. چهارم، از شرایط استجاب دعا، کمال معرفت آن خداوندی است که از او حاجتی می‌طلبد، و چنانچه در گذشته مجملی اشاره کردیم که هر کسی خدای را به قدر معرفت شناخته، در خور آن معرفت از او فیض می‌برد و از خداوند شناخته خود سؤال می‌کند؛ پس هر قدر که از مراتب قدرت و رحمت و کرم و عظمت و جلال و سایر صفات کمال را تمام و کامل می‌شناسد تأثیرات آن صفات به او زیاده عاید می‌گردد؛ و به این معنی اشاره دارد آن حدیث که به اسناد بسیار منقول است که: «من نزد گمان نیکویی که بنده ام به من دارد هستم، هر قدر که گمان او به من نیکوتر است، من به او نیکوتر معامله می‌نمایم». (۳۶۸) و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «جماعتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال نمودند که چه علت دارد که ما دعا می‌کنیم و دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ حضرت فرمود: زیرا شما کسی را دعا

می‌کنید که نمی‌شناسید». (۳۶۹) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون دعا کنی گمان کن که حاجت در خانه تو است». (۳۷۰) و در حدیث دیگر فرمود: «اگر کسی از شما خواهد که از خدا هر حاجتی که سؤال نماید به او عطا کند، باید که از همه مردم مأیوس و ناامید باشد و از غیر خدا امید نداشته باشد. پس چون خدا این حالت را از دل او یابد هرچه سؤال کند به او عطا نماید». (۳۷۱) و این معنی در باب سؤال از مخلوقین هم ظاهر است که هر که عظمت پادشاهی را بیشتر [می‌داند] و وسعت ملک و خزانه و کرم او را بیشتر می‌داند، توقع عطا از او زیاده دارد، و پادشاه نیز در خور متوقع او و شناسایی او به او عطا می‌کند. در این باب سخن بسیار است و این رساله گنجایش تفصیل آن ندارد. پنجم، از شرایط استجاب، مبالغه و الحاح در دعاست، و الحاح نزد مخلوقین، به اعتبار تنگی حوصله و قلت کرم ایشان بد نما است، اما حق تعالی دوست می‌دارد به سبب وسعت لطف و رحمت نامتناهی که نزد او [است] در سؤال مبالغه و الحاح نمایند. چنانچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «والله! الحاح نمی‌نماید بنده مؤمنی بر حاجت خود، مگر این که حق تعالی حاجت او را برمی‌آورد». (۳۷۲) و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «حق تعالی مکروه و دشمن می‌دارد الحاح کردن مردم را بر یکدیگر در سؤال، و این را از برای خود پسندیده و دوست می‌دارد که از او سؤال نمایند و از آنچه نزد اوست طلب نمایند». (۳۷۳) و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «حق تعالی رحم کند بر بنده ای که طلب نماید از حق تعالی حاجتی را، پس الحاح نماید در دعا، خواه مستجاب شود دعای او و خواه نشود». (۳۷۴) و حضرت جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام فرمود: بنده چون دعا می‌کند حق تعالی پیوسته در مقام برآوردن حاجت اوست، مادام که استعجال نکند». (۳۷۵) و در حدیث دیگر فرمود: «حق تعالی مراد بندگان خود را می‌داند در هنگامی که او را دعا می‌کنند، ولکن دوست می‌دارد که حاجتهای خود را بیان کنند و نزد او ذکر کنند». (۳۷۶) ششم، از آداب دعا مخفی گردانیدن دعاست، زیرا که کریمان مخفی حاجت را طلبیدن، دوست تر می‌دارند. و دعای پنهان به اخلاص نزدیک تر، و از ریا دور تر است. چنانچه از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام منقول است که: «یک دعا مخفی به جا آوری بهتر است از هفتاد دعا که اظهار نمایی و علانیه به جا آوری». (۳۷۷) و اگر حاجت عظیمی داشته باشد استعانت به دعای مؤمنان بجوید و در مجامع ایشان دعا کند نیز خوبست. و اگر منظور ناچیز دانستن خود و حقیر شمردن دعای خود باشد و از ریا ایمن باشد، در مجامع دعا کردن بهتر است. و برکات انفاس مؤمنان و اجتماعات ایشان بسیار است، و خود را در میان رحمت های عامی که برایشان نازل می‌شود داخل گردانیدن، فوز عظیم است. چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چهل نفر که جمع شوند دعا کنند البته دعای ایشان مستجاب است، و اگر چهل نفر به هم نرسد چهار نفر که هر یک ده مرتبه خدا را در حاجتی بخوانند البته حق تعالی دعای ایشان را مستجاب می‌کند، و اگر چهار نفر نباشند و یک نفر خدا را چهل مرتبه در حاجتی بخواند البته خداوند عزیز جبار دعایش را مستجاب می‌گرداند». (۳۷۸) و در حدیث دیگر فرمود: «چهار نفر جمع نمی‌شوند برای دعا مگر آن که وقتی که متفرق می‌شوند دعای ایشان مستجاب شده است، و فرمود: پدرم را حاجتی که رو می‌داد زنان و اطفال را جمع می‌فرمود و دعا می‌کرد و ایشان آمین می‌گفتند». (۳۷۹) و در حدیث دیگر فرمود: «دعا خواننده و آمین گوینده در ثواب شریکند». (۳۸۰) هفتم، رعایت نمودن اوقاتی است که مظنه استجاب دعا است، زیرا که حق تعالی بعضی از زمانها و مکانها را در استجابت دخیل گردانیده است. چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «طلب نماید دعا را در چهار ساعت؛ نزد وزیدن بادهای، و گردیدن سایه‌ها یعنی اول پیشین، (۳۸۱) و نزد آمدن باران، و نزد ریختن اول قطره از خون مؤمنی که شهید شود بر زمین، به درستی که درهای آسمان را در این اوقات می‌گشایند». (۳۸۲) و در حدیث دیگر فرمود: «دعا در چهار محل مستجاب است؛ در نماز وتر، و بعد از نماز صبح، و بعد از نماز شام، و بعد از نماز ظهر». (۳۸۳) و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «غنیمت شمارید دعا را در چهار وقت؛ نزد خواندن قرآن، و نزد اذان، و نزد آمدن باران، و نزد ملاقات کردن دو صف برای شهادت». (۳۸۴) و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «بهترین وقتها که خدا را بخوانید سحرها است». (۳۸۵) و منقول است که: «چون

حضرت صادق علیه السلام اراده طلب حاجتی داشتند نزد زوال شمس طلب می نمودند، و چون این اراده می نمودند اول چیزی تصدّق می کردند و خود را به بوی خوش، خوشبو می کردند و به مسجد می رفتند و حاجات خود را می طلبیدند. (۳۸۶) و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «حق تعالی از بندگان خود دوست می دارد هر بنده را که بسیار دعا کند؛ پس بر شما باد به دعا کردن در سحر تا طلوع آفتاب، به درستی که این ساعتی است که درهای آسمان گشوده می شود و روزی ها قسمت می شوند، و حاجتهای عظیم برآورده می شود». (۳۸۷) و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «در شب ساعتی هست که هر که توفیق یابد که در آن ساعت نماز کند و خدا را بخواند، البته دعایش مستجاب است در هر شبی که باشد، و آن بعد از نصف شب است تا به قدر سدس (۳۸۸) شب بگذرد». (۳۸۹) و در حدیث دیگر فرمود: «سه وقت است حاجت بنده از خدا محبوب نمی شود، بعد از نماز واجب، و نزد آمدن باران، و نزد ظاهر شدن معجزه از حجت های خدا در زمین». (۳۹۰) و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی را که به سوی پروردگار خود حاجتی باشد در سه ساعت طلب نماید: در ساعتی در روز جمعه، و ساعتی که زوال شمس می شود که در آن وقت بادهای رحمت می وزد و درهای آسمان گشاده می شود و رحمت الهی نازل می گردد و خروس به آواز می آید؛ و یک ساعت در آخر شب نزدیک طلوع صبح، به درستی که در سحر دو ملک ندا می کنند از جانب حق تعالی، که آیا کسی هست که در این وقت توبه کند تا توبه اش را قبول کنیم؟ آیا کسی هست که سؤال کند و به او عطا کنیم؟ آیا کسی هست که طلب آمرزش کند تا گناهش را بیاوریم؟ آیا کسی هست که حاجتی داشته باشد و عرض کند تا حاجتش را برآوریم؟ پس اجابت نمایند در آن وقت داعی خدا را؛ و طلب نمایند روزی را در مابین طلوع صبح تا طلوع آفتاب که آن، دخیل تر است در روزی از سفرها کردن برای تجارت، و آن ساعتی است که خدا در میان بندگان خود روزی قسمت می فرماید». (۳۹۱) و فرمود: «درهای آسمان را برای شما می گشایند در پنج وقت: نزد آمدن باران، و نزد جهاد فی سبیل الله، و نزد اذان، و نزد خواندن قرآن، و نزد زوال آفتاب، و نزد طلوع صبح». (۳۹۲) و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ساعتی که در آن ساعت دعا مستجاب می شود در روز جمعه، وقتی است که امام از خطبه فارغ شود تا وقتی که مردم به نماز برخیزند؛ و ساعت دیگر، آخر روز جمعه است تا فرو رفتن آفتاب». (۳۹۳) و در حدیث دیگر فرمود: «ساعت استجابت اول زوال است». (۳۹۴) و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که: «حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود: در روز جمعه ساعتی هست که هر مسلمانی در آن ساعت از خدا چیزی طلب نماید البته به او عطا فرماید، گفتم: یا رسول الله! کدام ساعت است؟ فرمود: وقتی که نصف قرص آفتاب فرو رود. پس حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود که: حضرت فاطمه علیها السلام به غلام خود می فرمود: برو بر بلندی و چون ببینی که نصف قرص آفتاب غروب کرد، مرا اعلام کن که من دعا کنم». (۳۹۵) و به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «بر تو باد به دعا کردن در وقتی که در سجود باشی که بنده در سجود از جمیع احوال به خدا نزدیک تر است». (۳۹۶) هشتم، از شرایط و آداب دعا، تضرّع و زیادت مذلت و شکستگی است؛ چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هرگاه شما را رقت به هم رسد دعا کنید که دل را رقت حاصل نمی شود، مگر وقتی که از برای خدا خالص گردد و متوجه خدا شود، و آن علامت استجابت است». (۳۹۷) و در حدیث دیگر فرمود: «چون بدن تو قشعریره (۳۹۸) آید و بلرزد و چشمانت گریان شود، پس در دعا اهتمام کن که رحمت الهی متوجه تو گردیده و هنگام اجابت است». (۳۹۹) و در حدیث دیگر فرمود: «اگر از امری خایف باشی یا حاجتی به خدا داشته باشی، اول خدای را به بزرگی و عظمت یاد کن و بر او ثنا کن چنان که او سزاوار است، و صلوات بر محمد و آل او صلوات الله علیهم اجمعین بفرست و حاجت خود را بطلب، و خود را به گریه بدار و سعی کن که گریه کنی اگر چه به مقدار سر مگسی باشد، به درستی که پدرم می فرمود که: نزدیکترین حالات بنده به خدا در هنگامی است که در سجده باشد و گریان باشد». (۴۰۰) و تضرّعاتی که به دست می باشد در حالت دعا، موافق احادیث معتبره آن است که: اگر هنگام رغبت و رجا باشد، کف دست را به سوی آسمان کنی، چنانچه دست پیش کسی داری که چیزی به

دست دهد؛ و اگر حالت خوف و بیم باشد، پشت دستها را به آسمان می‌داری، یعنی من از اعمال خود ناامید شده‌ام، و از کثرت بدی اعمال روی طلب از تو ندارم؛ و در حالت تضرع انگشت سبابه راست را به جانب راست و چپ حرکت می‌دهی که نمی‌دانم از اصحاب یمینم یا از اصحاب شمال، و از نیکوکارانم نزد تو یا از بدکاران؛ و در هنگام تبتل و انقطاع، انگشت سبابه دست چپ را بلند می‌کنی و پست می‌کنی، مانند کسی که به ابرام چیز از کسی طلبد، یا اشاره به آن است که نمی‌دانم مرا بلند می‌کنی یا پست خواهی گذاشت؛ و در هنگامی که گریه بسیار شود و اسباب و علامت اجابت ظاهر گردد، دستها را از جانب سر بلند می‌کنی یا از پیش روی خود پیش می‌بری، که گویا حاجتم را داده‌اند، و دست فراز می‌کنم که بگیرم». (۴۰۱) ای عزیز! بین که حق تعالی به آن مرتبه جلال و عظمت و استغنا و بی‌نیازی، با گدایان خوان احسانش چه نحو سلوک کرده، و ایشان را رخصت چه گستاخی‌ها داده و به آن رفعت شأن، خود را چه نزدیک گردانیده، و به این وسائل بندگان را به آشنایی خود خوانده، و بندگان با نهایت احتیاج و پستی چه مستغنیانه (۴۰۲) با پروردگار خود سلوک می‌نمایند، و رو از چنین خداوند کریمی که پیوسته خوان احسانش را برای نیکوکار و بدکار کشیده می‌گردانند، و رو به عاجزان و لثیمان ممکنات می‌برند و از رحمت‌های خدا، خود را محروم می‌گردانند. نهم، بدان که کسی را که حاجتی به درگاه بزرگی باشد اولّ یساولان (۴۰۳) و دربانان آن درگاه را از خود خشنود می‌گرداند که دخول مجلس پادشاه او را به آسانی حاصل شود و حاجتش زودتر برآورده شود؛ دربانان درگاه مالک الملوک، فقرا و مسکینانند، باید که پیش از طلب حاجت تصدّقی بکند تا حاجتش زودتر برآورده شود. چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «هرگاه از شما احدی بیمار شود طیب را می‌طلبد و به او چیزی می‌دهد، و اگر حاجتی به پادشاهی دارد رشوه به دربانان می‌دهد؛ پس اگر حاجتی به خدا داشته باشد باید که تصدّقی بکند خواه کم و خواه زیاد». دهم، آن که اگر کسی حاجتی دارد، گاه هست که در درگاه کریمان حاجت دیگران را وسیله حاجت خود می‌کند؛ به این که یا اولّ حاجت دیگران را مقدم می‌دارد که آن کریم را خوش آید که او اهتمام به شأن دیگران زیاده از خود دارد و این معنی موجب زیادتی حاجت روایی او است؛ یا آن که آن حاجتی که خود دارد برای دیگران می‌طلبد تا کریم بداند که با وجود احتیاج خود، آن حاجت را برای دیگران می‌طلبد، پس آن حاجت را برای او نیز بر وجه اکمل روا کند؛ یا آن که در هنگام حاجت خواستن، دیگران را با خود شریک می‌گرداند، و این معنی نیز خوش آیند طبع کریمان است که آدمی همین در فکر خود نباشد و دیگران را در وقتی که احسانی به او می‌رسد فراموش نکند، چنانچه حق تعالی در سوره فاتحه الكتاب حین تعلیم بندگان فرموده که در عرض عبادت و طلب استعانت، دیگران را با خود شریک کند. و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «چون یکی از شما دعا بکند و مخصوص خود نگرداند، دعا به استجابت نزدیک‌تر می‌شود». (۴۰۴) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که چهل مؤمن را مقدم دارد و از برای ایشان دعا کند و بعد از آن برای خود دعا کند، دعایش مستجاب می‌گردد». (۴۰۵) و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هیچ دعایی زودتر مستجاب نمی‌شود از دعای غایی برای غایی». (۴۰۶) حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «نزدیکترین دعاها به اجابت، دعای مؤمنی است که از برای برادر مؤمن خود کند غایبانه، پس ملکی موکّل است به دعای او که می‌گوید: آمین؛ و از برای تو خدا دوبرابر آنچه از برای برادر خود دعا کردی عطا می‌فرماید». (۴۰۷) و حضرت صادق علیه السلام فرمود که: «دعا از برای برادر مؤمن خود غایبانه کردن، باعث زیادتی روزی می‌شود و بلاها را دفع می‌کند». (۴۰۸) و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر مؤمنی که از برای مؤمنین و مؤمنات دعا کند، خدا به عدد هر مؤمنی که گذشته است و خواهد آمد، از اول تا آخر دنیا، به مثل آنچه برای ایشان دعا کرده است به او برگرداند؛ و به درستی که بنده را در قیامت امر کنند که به جهنم برند، پس ملائکه او را کشند که به جهنم برند، در آن حال مؤمنان و مؤمنات گویند: پروردگارا! این بنده در دنیا برای ما دعا می‌کرد ما را شفاعت ده در حق او، پس خدا ایشان را شفیع او گرداند و به شفاعت ایشان نجات یابد». (۴۰۹) و از ابراهیم بن هاشم منقول است که گفت: «عبدالله بن جنبد را در عرفات دیدم که هیچ کس وقوف را از او بهتر بجا نیاورد، پیوسته

دست به آسمان بلند کرده و آب دیده بر دو طرف روی او جاری بود به حدی که بر زمین می‌ریخت، و چون مردم فارغ شدند و برگشتند، به او گفتم که هرگز وقوفی به خوبی تو ندیده‌ام! گفت: واللّٰه که دعا نکردم مگر از برای برادران مؤمن خود؛ زیرا از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هر که برای برادر مؤمن خود دعا کند در غیبت او، از عرش او را ندا کنند که از برای تو باد صد هزار برابر آنچه از برای او دعا کردی، و نخواستم که صد هزار برابر محقق مضمون را ترک کنم برای یکی که ندانم مستجاب می‌شود یا نه». (۴۱۰) و از حضرت علی بن الحسین صلوات اللّٰه علیهما منقول است که: «هرگاه ملائکه می‌شنوند که مؤمنی برای برادر مؤمن خود غایبانه دعا می‌کند، یا او را به نیکی یاد می‌کند، به او می‌گویند که نیکو برادری هستی تو از برای برادر خود، دعای خیر از برای او می‌کنی و او از تو غایب است، و او را به نیکی یاد می‌کنی. حق تعالی به تو عطا فرمود دو برابر آنچه از برای او دعا کردی، و بر تو ثنا گفت دو برابر آنچه تو بر برادر خود ثنا گفتی، و تو را است فضل و زیادتى بر او؛ و اگر بشنوند که برادر خود را به بدی یاد می‌کند و بر او نفرین می‌کند، به او می‌گویند که بد برادری هستی برای برادر خود، باز ایست از بد گویی و نفرین او، ای آن کسی که خدا گناهان و عیبهای تو را پوشیده است، متوجّه احوال خود شو، به عیوب خود نظر کن و خدا را شکر کن که عیبهای تو را پوشیده است و بدان که خدا بنده خود را به (۴۱۱) از تو می‌شناسد». (۴۱۲) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون ظلمی بر کسی واقع شود و نفرین کند بر کسی که بر او ظلم کرده است، حق سبحانه و تعالی می‌فرماید: شخصی دیگر هست که گمان می‌کند تو بر او ظلم کرده‌ای و تو را نفرین می‌کند، اگر می‌خواهی نفرین تو را و او را هر دو مستجاب گردانم، و اگر می‌خواهی هر دو را تأخیر کنم تا عفو و رحمت من هر دو را فراگیرد». (۴۱۳) یازدهم، از جمله آداب دعا آن است که: خدای را پیش از طلبیدن حاجت، به بزرگواری و عظمت و جود و کرم ستایش کند، و نعمتهای او را بر خود و دیگران یاد کند، و او را بر آن نعمتها شکر کند؛ چنان که اگر کسی به نزد بزرگی می‌رود که مطلبی عرض کند از آداب نیست که ابتدا شروع به مطلبی کند، بلکه آداب آن است که پیش از مطلب او را ستایشی در خور بزرگواری او بکند؛ و حق تعالی در سوره کریمه حمد این آداب را تعلیم فرموده است که پیش از عرض حاجت، حمد و ثنا فرموده و خود را به رحمانیت و رحیمیت و سایر صفات لطف و رحمت ستایش فرموده، و بعد از آن عبادت را به وسیله امام الحاجه عرض کرده، زیرا حاجت طلبان را ارمغانی در خور توانایی خود گذراندن مناسب است، و بعد از آن طلب استعانت و هدایت را تعلیم فرموده. و ایضاً حمد الهی و نعمتهای خود نمودن، موافق وعده الهی موجب مزید نعمت است و حسن طلبی است که: تو خداوندی که پیوسته احسان کرده‌ای، اگر اکنون نیز احسان نمایی، بعید نیست. و نعمتهای خدا را بر دیگران یاد کردن نیز حُسن طلبی است که چون به همه عالم احسان کردی سزاوار است که به من نیز احسان بکنی؛ چنان که شخصی نزد بزرگی می‌رود و قصیده‌ای یا نثری را برای او می‌خواند و کرمهای او را یاد می‌کند که بر او نیز کرم کند. و بنابر این وارد شده است که «بهترین دعاها، الحمد لله است». (۴۱۴) و ایضاً، «چون گناهان آدمی موجب محرومی از خیرات و سعادات است، پیش از دعا، استغفار از گناهان باید کرد تا موجب رفع موانع شود، و به حمد و ثنا او را قریب به جانب مقدس ایزدی حاصل شود که حاجتش به زودی برآورده شود، و بر این مضامین احادیث بسیار است». (۴۱۵) چنانچه منقول است که: «مفضل به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که دعای جامعی مرا تعلیم فرما. حضرت فرمود: حمد الهی بکن که چون حمد الهی کردی، هر که نماز می‌کند برای تو دعا می‌کند؛ می‌گوید سَمِّعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمَدَهُ؛ یعنی خدا مستجاب کند دعای حمد کنندگان خود را». (۴۱۶) و در حدیث دیگر فرمود: «هرگاه یکی از شما خواهد که از خداوند خود حاجتی سؤال نماید از حوایج دنیا و آخرت، باید که ابتدا کند به ثنا و مدح خداوند عالمیان و صلوات بر محمدصلی الله علیه وآله وسلم، بعد از آن حاجت خود را بطلبد». (۴۱۷) و در حدیث دیگر فرمود: «اوّل خدا را به صفات کمال مدح کن، پس ثنا کن او را بر نعمتها و شکر کن. پس اقرار به گناه خود بکن و بعد از آن سؤال کن، واللّٰه که هیچ بنده‌ای از گناه به در نمی‌آید مگر به اقرار گناهان خود». (۴۱۸) و در حدیث دیگر فرمود: «هرگاه حاجتی داشته باشید حمد و ثنای پروردگار خود بگویید، به درستی که کسی که

حاجتی از پادشاهی طلب می‌نماید از برای او مهیا می‌کند از ستایش، بهترین سخنانی را که بر آن قدرت دارد که او را به آن سخن بستانید». (۴۱۹) و فرمود: «بدرستی که شخصی داخل مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم شد، و دو رکعت نماز کرد، و از خدا حاجتی سؤال کرد، حضرت فرمود: این بنده تعجیل کرد بر خداوند خود، دیگری آمد و دو رکعت نماز کرد و بعد از آن خدا را ثنا گفت و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرستاد. حضرت فرمود: حاجت خود را به طلب که خدا عطا می‌فرماید». (۴۲۰) دوازدهم، از شرایط دعا، صلوات فرستادن است بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم، زیرا اگر کسی حاجتی به درگاه پادشاهی دارد مناسب این است که تحفه برای مقربان آن پادشاه بفرستد تا ایشان شفیع او باشند؛ و اگر ایشان هم شفاعت نکنند، چون آن پادشاه مطلع می‌شود [که] به ایشان تحفه داده و مقربان او را نوازش فرموده، او را خوش می‌آید و حاجتش را روا می‌کند. و ایضاً کسی که محبوب بزرگواری است، نزد آن بزرگوار مدح او کردن و از برای او مطلب طلبیدن هر چند محتاج آن طلب نباشد، آن محبوب، آن بزرگوار را خوش می‌آید که محبوب او را ستایش می‌کنند، و به این اسباب صلوات موجب قبول دعا می‌گردد. نکته لطیف کاملی در این باب در بیان شفاعت کبری گذشت، و تفصیل این سخن را در شرح صحیفه کامله بیان کرده‌ایم. و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «دعا محجوب است از آسمان و مستجاب نمی‌شود تا صلوات بر محمد و آل او صلوات الله علیهم فرستند». (۴۲۱) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که دعا کند و پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را یاد نکند دعا بر بالای سرش ایستاده، بال می‌زند؛ و چون صلوات فرستاد بالا می‌رود». (۴۲۲) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که را به خدا حاجتی باشد، اول صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم بفرستد و بعد از آن حاجت خود را بطلبد؛ پس دعای خود را ختم کند به صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم. به درستی که خدا کریم تر است از آن که دو طرف دعا را قبول فرماید و میان را رد کند، زیرا صلوات بر محمد و آل او علیهم السلام البته مقبول است و رد نمی‌شود». (۴۲۳) و فرمود: «چون نام پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم مذکور شود بسیار صلوات بر او بفرستید که هر که یک صلوات بر آن حضرت بفرستد حق تعالی بر او هزار صلوات بفرستد در هزار صف از ملائکه، و هیچ خلقی نماند مگر آن که بر او صلوات فرستند به سبب صلوات خدا و ملائکه بر او، پس کسی که به چنین رحمتی رغبت ننماید، او جاهل و غافل است و خدا و رسول و اهل بیت از او بیزارند». (۴۲۴) و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «صلوات بر من و اهل بیت من، نفاق را از دل برطرف می‌کند». (۴۲۵) و به روایت دیگر فرمود: «صداهای خود را بلند کنید به صلوات بر من که نفاق را زایل می‌گرداند». (۴۲۶) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه بگوید: «يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» صد حاجت او برآورده شود که سی حاجت از حاجتهای دنیا باشد». (۴۲۷) و به روایت دیگر فرمود: «هیچ عملی در اعمال میزان، سنگین تر از صلوات نیست، و به درستی که اعمال شخصی را در قیامت به میزان می‌گذارند سبک می‌آید؛ حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم صلوات بر خود را در میزان او می‌گذارد، سنگین می‌شود و بر اعمالش زیادت می‌کند». (۴۲۸) و به سند معتبر منقول است که: «حضرت صادق علیه السلام به صباح بن سبابه فرمود: می‌خواهی تو را چیزی تعلیم نمایم که خدا به سبب آن، تو را از آتش جهنم نگاه دارد، گفت: بلی. فرمود: بعد از نماز صبح صد نوبت بگو: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تا خدا روی تو را از گرمی آتش دوزخ نگاه دارد». (۴۲۹) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که در روز جمعه صد مرتبه بر من صلوات بفرستد حق تعالی شصت حاجت او را برآورد؛ سی حاجت دنیا و سی حاجت آخرت». (۴۳۰) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون شب جمعه می‌شود، نازل می‌شوند از آسمان ملائکه به عدد ذرات هوا یا به عدد مورچگان، و قلم‌های طلا و لوح‌های نقره در دست دارند و نمی‌نویسند تا روز شنبه عمل را بغیر از صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم، پس در این شب و روز بسیار صلوات بفرستید». (۴۳۱) و فرمود: «سَنَّتْ مُوَكَّدَ است که در هر روز جمعه بر محمد صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت او هزار مرتبه صلوات بفرستند و در روزهای دیگر صد مرتبه». و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «هیچ عملی در روز

جمعه بهتر نیست از صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم». (۴۳۲) و به سند دیگر منقول است که: «هر که بعد از عصر روز جمعه بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». حق تعالی صد هزار حسنه در نامه عملش ثبت نماید، و صد هزار گناهش را محو نماید، و صد هزار حاجتش را برآورده و صد هزار درجه برای او بلند کند». (۴۳۳) و در روایت دیگر آن است که: «اگر هفت مرتبه بخواند، خدا به عدد هر بنده حسنه به او عطا فرماید و عملش در آن روز مقبول گردد، و چون در قیامت مبعوث شود، در میان دو چشمش نوری ساطع باشد». (۴۳۴) و در بعضی احادیث، این زیادتى هست: «وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»، هر یک را بخواند خوب است. (۴۳۵) و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «هر که قادر نباشد بر چیزی که کفاره گناهان خود را بدهد، صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم بفرستد که گناهانش را درهم می‌شکند». (۴۳۶) و حضرت امام علی النقی علیه السلام فرمود: «حق تعالی ابراهیم را خلیل خود گردانید؛ برای آن که صلوات بر محمد و آل محمد بسیار می‌فرستاد». (۴۳۷) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که این نحو بر محمد و آل محمد صلوات فرستد: «صَلَوَاتُ اللَّهِ وَصَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَأَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ وَجَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». از گناهان پاک شود مانند روزی که از مادر متولد شده است». (۴۳۸) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام به سند معتبر منقول است که: «چون عطسه کنید، بگویید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ». (۴۳۹) به سند معتبر دیگر منقول است که: «کسی که صدای عطسه کسی را بشنود و حمد الهی بکند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد، هرگز به درد دندان و درد چشم مبتلا نشود». (۴۴۰) و به سندهای معتبر بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «فرمود: صلوات فرستید بر من و آل من و هر که صلوات نفرستد بر من و آل من، بوی بهشت را نشنود با آن که بوی بهشت از پانصد سال راه شنیده می‌شود». (۴۴۱) و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بشارت می‌دهم تو را که جبرئیل علیه السلام مرا خبر داد، کسی که از امت من صلوات فرستد بر من و بعد از آن صلوات بر آل من بفرستد، درهای آسمان برای او گشوده می‌شود و ملائکه هفتاد صلوات بر او می‌فرستند، و اگر گناهکار باشد می‌ریزد گناهانش، چنانکه برگ از درختان می‌ریزد، و حق تعالی می‌فرماید: لَیْسَ لَكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مَنْ يَنْصُرُكَ إِلَّا مَنْ يَنْصُرُكَ مِنْ بَنِي آدَمَ! تو را اجابت کردم و مدد و اعانت تو می‌نمایم، و به ملائکه می‌فرماید: ای ملائکه من! شما هفتاد صلوات بر او فرستادید، من هفتصد صلوات بر او می‌فرستم. و اگر بر من صلوات بفرستد و بر اهل بیت من صلوات نفرستد میان صلوات او و آسمان هفتاد حجاب بهم رسد و حق تعالی می‌فرماید که: «لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْيَ لَعْدِيكَ» اجابت تو نمی‌کنم و مدد و اعانت تو نمی‌نمایم، ای ملائکه من دعای او را بالا می‌آرید، مگر این که با پیغمبر من عترت او را ملحق گرداند؛ پس دعای او پیوسته در حجاب است تا ملحق گرداند به من اهل بیت مرا». (۴۴۲) ظاهر احادیث معتبره آن است که هر وقت که نام مبارک آن حضرت مذکور شود، صلوات بر او و آل اطهار فرستادن واجب است. (۴۴۳) و در احادیث معتبره وارد است که فرمود: «کسی که من نزد او مذکور شوم و صلوات بر من نفرستد که گناهانش آمرزیده شود، پس او دور است از رحمت الهی». (۴۴۴) و در احادیث دیگر فرمود: «هر فرمود: «بخیل و بدترین بخیلان کسی است که من نزد او مذکور شوم و صلوات بر من نفرستد». (۴۴۵) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که صلوات مرا فراموش کند راه بهشت را گم کرده است». (۴۴۶) و به سند معتبر از مالک جهنی منقول است که گفت: «من گلی به دست حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دادم، حضرت گرفتند و بو کردند و بر دیده‌های خود گذاشتند و بعد از آن فرمودند: هر که گلی را بگیرد و بو کند و بر چشمانش گذارد و بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، هنوز آن گل را بر زمین نگذاشته که خدا او را بیامرزد». (۴۴۷)

بدان که چون حق سبحانه و تعالی وعده فرموده است که دعای بندگان خود را مستجاب گردانند، البته خُلف در وعده الهی نمی‌باشد، پس این که دعاها اثر استجابتش ظاهر نمی‌شود به چند وجه جواب می‌توان گفت: وجه اول: آن که چون حق تعالی حکیم علیم است، کارهای او البته منوط به حکمت و مصلحت می‌باشد، پس وعده‌ای که فرموده مشروط به حکمت است؛ یعنی اگر مصلحت شما باشد مستجاب می‌کنم، چنانچه اگر کریمی گوید: هر که از من چیزی می‌طلبد عطا می‌کنم، و شخصی بیاید و بگوید: افعی کشنده به دست من بده و یا زهر قاتلی را بده بخورم؛ و آن سائل ضرر آنها را نداند و دادن به او موجب هلاک او گردد، البته عطا نکردن در چنین حال به کرم انساب (۴۴۸) است، بلکه عطا کردن جور است، و ظاهر است که اکثر آروزیهای خلاق موجب ضرر ایشان است که نمی‌دانند و از روی جهالت سؤال می‌نمایند. و حضرت امام زین العابدین علیه السلام در دعای طلب حاجات صحیفه کامله به این معنی اشاره فرموده: «ای خداوندی که متبدل نمی‌سازد حکمت او را، وسیله‌ها». (۴۴۹) اگر کسی گوید: هرگاه چنین باشد دعا چه فایده دارد؟ زیرا هر چه صلاح بندگان در آن است البته خدای تعالی به عمل می‌آورد. در جواب می‌گوییم: ممکن است که یک امری بدون دعا، مصلحت در عطای او نباشد و مصلحت مشروط به دعا باشد. پس امور بر سه قسم است: بعضی آن است که بدون دعا، مصلحت در عطای آن هست، آن را بدون دعا کرامت می‌فرماید. و بعضی هست که با دعا نیز مصلحت در دادن آن نیست، آن را مطلقاً منع می‌فرماید. و بعضی هست که با دعا، مصلحت در عطای آن هست و بی دعا مصلحت نیست؛ چنین امری عطایش موقوف به دعا است، و چون آدمی تمیز این امور به عقل خود نمی‌تواند کرد، باید که در جمیع امور محتمله که به عقل خود خوب داند دعا بکند، و اگر حاصل نشود عطایش موقوف به دعا است، و اگر حاصل نشد از دعا مأیوس نشود و بداند که البته صلاح او در آن چیز نبوده که حق تعالی دعایش را مستجاب نکرده با آن که اصل دعا کردن عبادتی است بهترین عبادت‌ها، و موجب قرب می‌شود. چنانچه حضرت صادق علیه السلام فرمود: «دعا کن و مگو که آنچه مقدر شده است خواهد شد، به درستی که دعا عبادت است». (۴۵۰) و تفصیل این کلام بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله. وجه دوم: آن است که هر چیز را شرطی چند می‌باشد و چند مانعی است، که تا آن شرایط به عمل نیاید و آن موانع بر طرف نشود، ثمره بر آن فعل مترتب نمی‌شود؛ مثل آن که حق تعالی فرموده که: نماز کنید تا شما را بیمارزم، نماز را شرایطی هست که اگر بدون آن شرایط به عمل آورد مقبول نیست. پس اگر کسی نماز بی‌وضو بکند نماز نکرده است و مستحق آمرزش نیست. و همچنین مانعی چند از تأثیر می‌دارد و چنانچه فرموده‌اند: «نماز موجب قرب است». (۴۵۱) اگر کسی نماز کند و جمیع قبایح را بجا آورد تأثیر آن قبایح که موجب بُعد و حرمان است، مانع است از تأثیر نماز در قرب و همچنین اگر طیبی گوید که ریوند (۴۵۲) مسهل است، یعنی اگر با شرایطی که مقرر است بخورند و چیزی که منافی عمل او باشد بجا نیاورند اسهال می‌کند، پس اگر ریوند را بدون سیح (۴۵۳) که یکی از شرایط عمل آن است با یک مثقال تریاک که منافی عمل آن است بخورد و عمل نکند، گفته طیب خطا نخواهد بود. و همچنین دعا را شرایط هست، چنانچه در گذشته دانستی از تضرع و زاری و اهتمام و خداشناسی و عبادت و ترک معاصی و خوردن حلال و تقدیم حمد و ثنا و صلوات و غیر اینها از شرایط و رفع موانعی که گذشت. پس به هر یک از اینها که اخلاص کند و دعایش مستجاب نشود، منافات با وعده الهی ندارد، و چون این معنی در ضمن احادیثی که قبلاً در باب شرایط مذکور شد به وضوح پیوسته، به همین اکتفا می‌نماییم. وجه سوم: آن است که گاه هست که حق تعالی دعایی را مستجاب می‌فرماید و مصلحت در تأخیر آن می‌داند، یا برای این که در این وقت به او ضرر می‌رساند یا می‌خواهد که او دعا کند و درجات او در مراتب قرب، بلند گردد، و اگر بزودی حاجت او را برآورد ترک دعا می‌کند و به آن درجات عالیّه فایز نمی‌گردد. و بسیار باشد که حاجت مؤمنی را مستجاب گردانند و بعد از چندین سال به او دهند. چنانچه منقول است که: «از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می‌شود که دعای کسی مستجاب شود و در رسانیدن به او تأخیر شود؟ فرمود: بلی تا بیست سال». (۴۵۴) و در حدیث دیگر فرمود: «از وقتی که موسی و هارون علیهما السلام بر فرعون و قومش نفرین کردند» (۴۵۵) و حق تعالی فرمود که دعای شما مستجاب شد (۴۵۶) تا وقتی که خدا

فرعون را هلاک کرد چهل سال گذشت» (۴۵۷) و به سند صحیح منقول است که: «ابن ابی نصر به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض نمود که: چندین سال است که از خدا حاجتی سؤال می‌کنم و روا نمی‌گردد، و از دیر شدن این حاجت در دلم چیزی به هم رسیده. حضرت فرمود: ای احمد! زینهار که شیطان را بر خود راه مده که تو را از رحمت خدا نا امید گرداند. به درستی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: به درستی که مؤمن از حق تعالی حاجتی سؤال می‌نماید و خدا تأخیر می‌اندازد استجاب او را، برای این که دوست می‌دارد شنیدن آواز وی و ناله و زاری او را». پس حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که: «والله! که آنچه خدا تأخیر می‌کند و از مؤمنان منع می‌فرماید در دنیا، و در آخرت به ایشان می‌دهد، بهتر است از آنچه در دنیا به ایشان می‌دهد». بدرستی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمود: سزاوار این است که دعای مؤمن در هنگام نعمت و رخا مثل دعای او باشد در وقت شدت و بلا، و چنین نباشد که همین که به او عطا کنند سست شود و دعا را کم کند، پس باید که مؤمن را هرگز از دعا ملال حاصل نشود. به درستی که دعا را رتبه و منزلت عظیم نزد خدا هست و بر تو باد به صبر کردن در بلاها و تنگی‌ها، و طلب حلال نمودن و صله رحم کردن. و زینهار که پرهیز از عداوت کردن و معارضه نمودن با مردم، به درستی که ما اهل بیت صله رحم می‌کنیم با کسی که از ما قطع می‌کند، و احسان می‌کنیم با کسی که با ما بدی می‌کند. والله! که در این امر، عافیت نیکو مشاهده می‌نمایم. و بدان که صاحب نعمت در دنیا اگر سؤالی کند و به او عطا کنند، دیگر چیزی غیر آن سؤال خواهد کرد و نعمت الهی در نظر او سهل خواهد شد. و چون نعمت الهی بر مسلمان بسیار شد او را خطر عظیم هست به جهت حقوقی که از خدا بر او واجب می‌شود، و بیم آن هست که فریفته شود و حقوق الهی را ادا ننماید و موجب طغیان او گردد. بگو به من که اگر سخنی به تو بگویم اعتماد بر گفته من خواهی کرد؟ گفتم: فدای تو گردم! اگر به فرموده شما اعتماد نکنم، به گفته که اعتماد خواهم کرد؟! و حال آن که تو حجت خدایی بر خلق. فرمود: پس اعتماد به فرموده خدا بیشتر داشته باش، بدرستی که خدا به تو وعده کرده، آیا خدا نفرموده است که «چون بندگان از تو سؤال نمایند از حال من، بگو که من به ایشان نزدیکم؛ مستجاب می‌کنم دعای دعا کننده‌ای که مرا بخواند» (۴۵۸) و می‌فرماید: «نا امید م‌شوید از رحمت الهی» (۴۵۹) و می‌فرماید: «خدا وعده می‌کند شما را مغفرت عظیم از جانب خود و فضل بسیار» (۴۶۰)، پس باید که اعتماد شما بر خدا زیاده باشد از اعتماد بر دیگران، و در خاطر خود راه م‌دهید به غیر از گمان نیک به خداوند، تا گناهان شما آمرزیده شود». (۴۶۱) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «بسیار است که حق تعالی دعای شخصی را مستجاب می‌فرماید و تأخیر می‌نماید تا مدتی، که او زیاده دعا کند». (۴۶۲) و در حدیث دیگر فرمود: «گاه هست که بنده دعا می‌کند، پس حق تعالی می‌فرماید به دو ملک که موکلند به او که من حاجت او را مستجاب کردم، ولیکن الحال به او م‌دهید تا او دعا کند، که من دوست می‌دارم آواز او را بشنوم، و گاه هست که بنده دعا می‌کند، پس حق تعالی می‌فرماید: زود حاجتش را بدهید که من صدای او را دشمن می‌دارم». (۴۶۳) و در حدیث دیگر فرمود: «پیوسته مؤمن با خیر و حالت نیکو است و امیدوار رحمت حق تعالی است مادام که استعجال نکند، که نا امید شود و ترک دعا کند. راوی گفت: چگونه استعجال کند؟ فرمود: استعجال آن است که گوید: این قدر مدت دعا کردم و اجابت را نمی‌بینم». (۴۶۴) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «روزی حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام در کوه بیت المقدس می‌گشت که چراگاهی برای گوسفندان خود پیدا کند، ناگاه صدای شخصی به گوشش رسید. از پی صدا رفت. دید شخصی مشغول نماز است و طولش دوازده شبر است. چون فارغ شد، حضرت خلیل الله پرسید: ای بنده خدا از برای که نماز می‌کنی؟ گفت: از برای خدای آسمان. حضرت ابراهیم علیه السلام پرسید: آیا به غیر از تو، کسی از قوم تو باقی مانده است؟ گفت: نه، پرسید که: خوراک تو از کجا به دست تو می‌آید؟ گفت: در تابستان میوه این درخت را جمع می‌کنم و در زمستان به آن معاش می‌کنم. فرمود: منزلت در کجا است؟ اشاره به کوهی کرد که در برابر بود. حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: مرا با خود نمی‌بری که امشب با تو بسر ببریم. گفت: در میان راه آب عظیمی هست که نمی‌توان گذشت! حضرت فرمود: تو چگونه عبور می‌نمایی. گفت: بر روی آب راه می‌روم.

حضرت فرمود: مرا با خود ببر، شاید که خدا به من هم این کرامت بفرماید که بر روی آب راه روم چنانکه به تو کرامت فرموده. پس عابد دست حضرت ابراهیم علیه السلام را گرفت و با هم رفتند. چون به آب رسیدند هر دو روی آب روان شدند و گذشتند. چون به خانه عابد رسیدند، حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: کدام روز عظیم‌تر است؟ عابد گفت: روز جزا، که مظالم بندگان را از یکدیگر می‌گیرند. حضرت فرمود: بیا دست برداریم و خدا را بخوانیم که ما را از شر آن روز ایمن گرداند. عابد گفت که: دعای مرا چه می‌کنی؟ واللّه! که سه سال است که برای مطلبی دعا می‌کنم و هنوز مستجاب نشده است. حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: می‌خواهی تو را خبر دهم که برای چه دعای تو را حبس کرده‌اند. گفت: بلی. فرمود: حق تعالی چون بنده ای را دوست می‌دارد، دعای او را حبس می‌نماید و زود بر نمی‌آورد تا او بسیار مناجات کند و از جناب مقدس او سؤال نماید و تضرع کند؛ و چون بنده ای را دشمن می‌دارد، دعایش را زود مستجاب می‌گرداند یا ناامیدی در دل او می‌افکند که دیگر دعا نکند. بعد از آن فرمود که: حاجت تو چه چیز بود؟ گفت: روزی گله گوسفندی بر من گذشت و پسر نیکو رویی با آن گله بود و آن پسر، گیسوی مشکبویی داشت، پرسیدم که این گوسفندان از کیست؟ گفت: از ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام. پس من دعا کردم که خداوند! اگر تو را در زمین خلیل و دوستی هست به من بنما. ابراهیم علیه السلام فرمود: خدا دعای تو را مستجاب گردانیده، منم ابراهیم، دوست خداوندِ رحمن. پس حضرت با او معانقه فرمود و چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم مبعوث شدند مصافحه مقرر شد. (۴۶۵) وجه چهارم: آن است که حق - سبحانه و تعالی - بعضی از بندگان را که حاجتی طلبند و صلاح ایشان در آن نباشد، اضعاف مضاعف آن حاجت را در دنیا و آخرت به ایشان کرامت می‌فرماید؛ پس دعای ایشان را رد فرموده و حاجت ایشان را بر وجه اکمل روا کرده است، چنانکه اگر کسی از پادشاهی، فلسی طلب نماید و آن پادشاه در عوض، جواهری به او عطا کند که صد هزار تومان قیمت آن باشد، هیچ عاقل نمی‌گوید که حاجت او را رد کرده است، بلکه او را مدح می‌کنند که اضعاف مضاعف آنچه سائل طلبیده به او عطا فرموده. پس در درگاه پادشاه پادشاهان، این گدایان جاهل و سائلان نادان، مطالب خسیسه را منظور نظر خود می‌گردانند، و از حق تعالی سؤال می‌نمایند، و آن کریم علی الاطلاق، نعمتهای بی انتها و رحمت های بی عدد و احصا در برابر، عطا می‌فرماید، و قدر آنها را نمی‌دانند، و از عدم حصول آن مطلب خسیس شکایت می‌نمایند، اما آنچه در آخرت به ایشان کرامت می‌فرماید، درجات رفیع و مراتب عالی بهشت است که نامزد محرومان حاجات دنیا و ناکامان عرصه نیستی و فنا گردانیده. چنانچه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «گاه هست که بنده در حاجتی خدا را می‌خواند و حق تعالی می‌فرماید: اجابت دعای او را تأخیر کنید که من مشتاق آواز و دعای اویم؛ پس چون روز قیامت می‌شود حق تعالی می‌فرماید: ای بنده من! مرا خواندی در دنیا و اجابت تو را تأخیر کردم و فلان ثواب را به عوض، برای تو مقرر ساخته‌ام. و در فلان حاجت دیگر مرا خواندی و اجابت تو را تأخیر کردم و فلان ثواب عظیم را به عوض، به تو داده‌ام، پس آن مؤمن از بسیاری عطا ها و ثواب ها که مشاهده نماید، آرزو کند که ای کاش هیچ دعای من در دنیا مستجاب نمی‌شد» (۴۶۶). و اما آنچه در دنیا عطا می‌فرماید، مراتب قرب و کمالات نامتناهی است که لازم دعا است. ای عزیز! بدان که - حق سبحانه - و تعالی بندگان نادان را به نوعی، از روی غایت لطف و مهربانی، با طبع جهول ایشان مدارا می‌نماید و به دام و دانه خواهش های طبع سرکش ایشان، از روی حکمت، ایشان را به ساحت کبریایی خود می‌کشاند؛ چنانچه بلا تشبیه، بازی (۴۶۷) را، پادشاهی خواهد شکار کند، اگر اول به او گوید که بیا که من تو را بر سر دست خود می‌گیرم، و شهباز اوج عزّت می‌گردانم، هیچ فایده در تسخیر آن نمی‌کند، بلکه اول او را به طعمه و دانه، آشنای دام خود می‌گرداند و چون قابل شد، بر روی دست خویشش جا می‌دهد، و به هر جایش که می‌فرستد به زودی بر می‌گردد. و اگر پدر مهربان، طفلی را خواهد که به کسب علوم و حقایق فرستد، اگر صد هزار دلیل و برهان برای او بگوید فایده نمی‌کند، بلکه او را به جوز و مویز و وعده قبای رنگین و عبای زرّین به مکتب آشنا می‌کند، و چون لذت فهم حقایق و حکمتها را یافت، به سیاست های عظیم، او را از آن شغل باز نمی‌توان داشت. همچنین این حیوانات عذیم الشعور (۴۶۸) و طفل طبعان مغرور، چون

فضیلتی و کمالی و لذتی و بهره‌ای بغیر از خوردنی و پوشیدنی و دینار و درهم و خیل و حشم و سایر لذات جسمانی نیافته‌اند، حکیم مطلق و کریم لایزال، با نهایت مرتبه عظمت و استغنا و جلال، ایشان را به درگاه خود خوانده که: هر چه خواهید از من بطلبید، و نمک آش خود را از من بخواهید، و سبزی طعام را از من بطلبید، تا آن که از این راه، رو به درگاه او آورند و از بسیاری دعا و توسل و مناجات - با نهایت بیگانگی - به مرتبه آشنایی و قرب فایز گردند و لذت مناجات او بیابند و از خلق، رو برتافته، در جمیع امور رو به او داشته باشند. زهی کرم بی انتها! که به دام و دانه و نمک و سبزی، ما را به ساحت قرب خود می‌رساند و به وسیله خواهش‌های نفسانی، مقرب حضرت یزدانی می‌گرداند. و آن جاهل نادان، شبهه می‌کند یا دلگیر است که حاجتم برآورده نشده است «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ». (۴۶۹) مگر نمی‌دانی که اصل دعا کردن، عبادتی است و در این ضمن، بندگی خدا کرده‌ای، و با مالک الملوک مناجات کرده‌ای، و ثواب‌های آخرت تحصیل نموده‌ای، و پا بر بساط قرب خداوند جبار گذاشته‌ای و خداوند عالم را انیس و هم راز خود گردانیده‌ای، و به سمع یقین و ایمان، لبیک‌ها از عرش رفعت شنیده‌ای. و اگر معنی مناجات و لذت آن را بفهمی، و رازهای نهان را به گوش دل بشنوی، و دلداری‌ها و بنده نوازی‌های آن محبوب حقیقی را در هنگام تضرع و دعا ادراک نمایی، حاجت‌ها و آرزوهای خود را کم خواهی کرد، [که] اگر رخصت دخول مجلس پادشاهان عاجز [دنیا] بیابی، و گوشه چشم التفاتی از ایشان ببینی، تمام حاجت‌های خود را فراموش می‌کنی. هیهات، هیهات!! جسم خاکی را همین بس نیست که او را با جناب ربّ الارباب، به مشافهه رخصت مکالمه و عرض حاجات داده‌اند، و کلیدهای خزاین رحمت را به زبانش سپرده‌اند، و متکفل امور و مصالح او گردیده‌اند. و حضرت ربّ العزّه می‌فرماید که: تو دعا بکن و خیر خود را به من گذار؛ و او سرکشی می‌کند و از روی علم ناقص و جهل کامل خود، بر آن جناب گستاخی می‌کند، و تحکم می‌نماید. اگر غفلت، عقل‌ها را پریشان نکرده بود، بایست که کسی که این احادیث متواتره را بشنود که حضرت عزّت می‌فرماید: حاجت او را بر می‌آورید، که من آواز او را دوست می‌دارم و مشتاق ناله اویم، در ناکامی حاجت بر نیامدن، از شوق، به کام دل بمیرد و دیگر دست جانش دامان خواهش نگیرد. چون سخن نازک شد و عبارت نارسا است و مطلب وسیع، سخن را مختصر کرده، ختم می‌کنم این مبحث را، به ذکر جماعتی که دعای ایشان مستجاب است و جمعی که دعای ایشان مستجاب نیست. به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سه کس است که دعای ایشان مستجاب است؛ کسی که به حج بیت الله الحرام رود دعایش مستجاب است؛ پس نیک به احوال بازماندگان نشان برسید تا در حق شما دعا کنند. و کسی که به جهاد فی سبیل الله رود؛ پس نیکو خلافت کنید در اهل ایشان. و کسی که بیمار باشد دعایش مستجاب است؛ پس او را به خشم می‌آورید و دلتنگ نگردانید». (۴۷۰) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «پنج دعا است که از پروردگار عالم محبوب نمی‌گردد: دعای امام عادل، و دعای مظلوم، - حق تعالی به او می‌فرماید: البته از برای تو انتقام می‌کشم اگر چه بعد از مدتی باشد - و دعای فرزند صالح از برای پدر و مادرش، و دعای پدر صالح از برای فرزندش، و دعای مؤمن از برای برادر مؤمنش غایبانه؛ حق تعالی می‌فرماید: تو را دو برابر او کرامت کردم». (۴۷۱) و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «بپرهیزید از نفرین مظلوم، که دعای او را از حجاب‌ها می‌گذرانند تا آن که حق تعالی به سوی او نظر می‌فرماید و می‌فرماید: بلند کنید دعای او را که من مستجاب می‌کنم. و بپرهیزید از نفرین پدر، که از شمشیر تیز تندتر است». (۴۷۲) و در حدیث دیگر فرمود: «چهار کس اند که دعای ایشان ردّ نمی‌شود تا آن که درهای آسمان برای ایشان گشوده می‌شود، و دعای ایشان به عرش می‌رسد: دعای پدر از برای فرزند، و نفرین مظلوم بر ظالم، و دعای کسی که به عمره رفته باشد، تا برگردد، و دعای روزه دار تا افطار نماید». (۴۷۳) و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «سه دعا است که از حق تعالی محبوب نمی‌شود: دعای پدر برای فرزند اگر به او نیکی کرده، و نفرین پدر بر فرزند اگر عاق او گردد؛ و نفرین مظلوم بر ظالم، و دعای مظلوم برای کسی که او را یاری کند و حقّ او را از ظالم بگیرد؛ و دعای مؤمنی که در حق برادر مؤمنی دعا کند که به او مواسات و احسان کرده باشد برای خشنودی اهل بیت رسول خدا صلوات الله علیهم، و نفرینی که مؤمن بر کسی کند

که محتاج به او شده باشد و مضطر باشد و او قدرت بر مواسات و احسان به او داشته باشد و نکند». (۴۷۴) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «پنج کس اند که دعای ایشان مستجاب نیست: مردی که حق تعالی طلاق زنش را به دست او گذاشته و آن زن، او را آزار می‌کند و مالی دارد که مهر او را بدهد و او را رها کند و نمی‌کند و بر او نفرین می‌کند؛ و کسی که غلامش سه مرتبه بگریزد و او را نفروشد و بر او نفرین کند، باز چون بگریزد دعا کند که خدا او را به او برگرداند؛ و شخصی که در زیر دیوار خم شده شکسته گذرد و تند نگذرد و دعا کند که بر سرش نیاید؛ و شخصی که مالی به کسی قرض دهد و گواه نگیرد، و دعا کند که خدا مالش را به او رساند؛ و شخصی که قدرت بر طلب روزی داشته باشد و در خانه خود بنشیند و طلب نکند و گوید که خدایا مرا روزی ده». (۴۷۵)

تنویر سوّم: در ذکر بعضی از اذکار و دعوات و تعقیبات است که به اسانید معتبره منقول گردیده است و این مشتمل بر چند باب است:

باب اول: «در بیان فضیلت اذکار است و آن مشتمل است بر چند فصل»

فصل اول: «در فضیلت تسبیحات اربع است»

به سند معتبر از حضرت امام حسن علیه السلام منقول است که: «جمعی از یهود به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمدند و اعلم ایشان از چند مسأله سؤال نمود، و چون جواب شنید[ند] مسلمان شدند. و از جمله مسأله‌ها این بود که پرسید: یا محمد صلی الله علیه و آله وسلم! مرا خبر ده از کلماتی که حق تعالی آنها را برای حضرت ابراهیم علیه السلام اختیار نمود در هنگامی که خانه کعبه را بنا کرد، حضرت فرمود: بلی، این کلمات بود: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ». یهودی پرسید: چه ثواب دارد کسی که این کلمات را بگوید؟ حضرت فرمود: چون بنده، سبحان الله می‌گوید، با او تسبیح می‌گویند آنچه در زیر عرشند، پس به گوینده تسبیح ده برابر ثواب تسبیح آنها عطا می‌کند. و چون الحمد لله می‌گوید، حق تعالی نعیم دنیا را به او کرامت می‌فرماید و وصل می‌کند آن را به نعیم آخرت، و این کلمه‌ای است که چون اهل بهشت داخل بهشت می‌شوند این کلمه را می‌گویند، و سخنانی که در دنیا می‌گفته‌اند همه منقطع می‌شود به غیر این سخن. و اما «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» پس بهشت جزای آن است، چنانچه حق تعالی می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» یعنی نیست جزای «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مگر بهشت. یهودی گفت: راست می‌گویی ای محمد صلی الله علیه و آله وسلم! (۴۷۶) به سند معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که «سبحان الله» می‌گوید، حق تعالی برای او در بهشت درختی غرس می‌نماید؛ و کسی که «الحمد لله» می‌گوید، درختی برای او می‌کارد؛ و کسی که «لا اله الا الله» می‌گوید، درختی برای او می‌کارد؛ و کسی که «الله اکبر» می‌گوید، درختی برای او غرس می‌نماید. شخصی از قریش به حضرت عرض نمود: پس ما در بهشت درخت بسیار داریم. حضرت فرمود: بلی؛ ولیکن پرهیز از این که آتشی بفرستید که آن درختان را بسوزاند، زیرا که حق تعالی می‌فرماید که: ای گروه مؤمنان! اطاعت نمایید خدا و رسول را و باطل مکنید عملهای خود را». (۴۷۷) و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «فقرأ به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمدند و گفتند: یا رسول الله! اغنیا را مالی هست که به آن بنده آزاد کنند، و ما نداریم؛ و ایشان را مالی هست که به آن حج کنند، و ما را نیست؛ و ایشان مال دارند که به آن تصدق کنند، و ما نداریم؛ و ایشان مال دارند که به وسیله آن در راه خدا جهاد کنند، و ما نداریم. حضرت فرمود: هر که صد مرتبه «الله اکبر» بگوید بهتر است از صد مرتبه بنده آزاد کردن، و هر که صد مرتبه «سبحان الله» بگوید بهتر است از صد شتر با خود بردن به حج که بکشند آنها را از برای خدا، و هر که صد مرتبه «الحمد لله» بگوید بهتر است از صد اسب که زین و لجام کرده مردم را سوار کنند و به جهاد فرستند، و هر که صد مرتبه

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید کسی از او در آن روز عملش بهتر نباشد مگر کسی که زیاده از صد مرتبه بگوید. پس چون این خبر به اغنیا رسید ایشان نیز این اعمال را بجا آوردند. فقرا به خدمت آن حضرت آمدند و گفتند که اغنیا نیز این کارها کردند؛ حضرت فرمود که این فضل خداست به هر که می‌خواهد عطا می‌فرماید». (۴۷۸) و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «حق تعالی بر خود واجب گردانیده است که هر مؤمنی صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» و صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید «اللَّهُمَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْخَوْرَالْعَيْنِ» البته حق تعالی حوریه‌ای در بهشت به او کرامت فرماید؛ و این پانصد کلمه مهر آن حوریه باشد. پس از این جهت حق تعالی به حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم و حی فرمود که مهر زنان مؤمنه را پانصد درهم، سنت گرداند». (۴۷۹) و به سند معتبر منقول است که: بسیار بگویید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» را که هیچ چیز نزد خدا محبوب‌تر از این دو کلمه نیست». (۴۸۰) و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «سُبْحَانَ اللَّهِ» نصف میزان اعمال است، و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» پر می‌کند میزان اعمال را، و «اللَّهُ أَكْبَرُ» ما بین آسمان و زمین را پر می‌کند». (۴۸۱) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «بسیار بگویید «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، به درستی که این کلمات می‌آیند در روز قیامت با خیرات و ثواب های عظیم که از پیش رو و عقب خود دارند، و اینها بقیات صالحات، یعنی امور شایسته که از برای آدمی باقی می‌ماند نفع آنها، و حق تعالی فرموده است که باقیات صالحات بهتر و پاینده تر است از متاع های زندگانی دنیا». (۴۸۲) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم روزی به اصحاب خود التفات نموده، فرمودند که: برای خود سپرها اخذ کنید و مهتیا سازید، صحابه گفتند: مگر دشمنی به ما روی آورده است که سپر از برای دفع ضرر ایشان مهتیا می‌باید کرد؟ فرمود: نه، ولیکن از برای دفع آتش جهنم از خود بگویید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ». (۴۸۳) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: هر که بگوید «سُبْحَانَ اللَّهِ» نه از روی تعجب، حق تعالی از آن تسبیح مرغی خلق فرماید که آن مرغ را زبانی بوده باشد، و در میان ملائکه مسبحان تسبیح الهی کند تا روز قیامت، و همچنین است «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ». (۴۸۴)

فصل دوم: «در ثواب تهلیل است و ثواب انواع آن»

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «حق تعالی به حضرت موسی علیه السلام خطاب فرمود: اگر آسمانها و ساکنان آنها و زمینهای هفت گانه در یک کفه ترازو باشند و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در کفه دیگر، این بر آنها زیادتی می‌کند». (۴۸۵) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: تلقین کنید مرده‌های خود را در وقت جان کندن به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که گناهان را خراب می‌کند و در هم می‌کشند. صحابه گفتند: یا رسول الله! کسی که در صحت بگوید چون است؟ حضرت فرمود: این بیشتر باعث درهم شکستن و برطرف شدن گناهان می‌شود، به درستی که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مونس من است در حال حیات و نزد مردن و در هنگام مبعوث شدن، همانا جبرئیل علیه السلام به من گفت که یا محمد صلی الله علیه وآله وسلم! در قیامت جمعی را خواهی دید که از قبرها رو سفید مبعوث می‌شوند، و به آواز بلند می‌گویند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و جمعی روسیاه می‌شوند و فریاد می‌کنند یا وِیْلَاةُ یا ثُبُورَاهُ». (۴۸۶) و به سند دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «قیمت بهشت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است». (۴۸۷) و به سند دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید برای او درختی در بهشت بکارند از یاقوت سرخ که ریشه اش از مشک سفید باشد، و میوه اش از عسل شیرین تر و از برف سفیدتر باشد، و از مشک خوشبو تر و در آن درخت میوه‌ها باشد به شکل پستان دختران باکره که چون شکافته شود هفتاد حله از میان آن بیرون آید». (۴۸۸) و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر بنده

مسلمانی که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید آن کلمه بالا رود، و هر سقفی را بشکافد، و به هر گناهی از گناهان او که برسد محو نماید، تا چون به حسنات او رسد قرار گیرد». (۴۸۹) و به سند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هیچ عملی ثوابش عظیم‌تر از شهادت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» نیست». (۴۹۰) و به سند صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «بهترین عبادت‌ها گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است». (۴۹۱) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، عمل او در آن روز بهترین اعمال مردم باشد مگر کسی که بیشتر از او این کلمه را گفته باشد». (۴۹۲) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «هر عبادتی را اندازه‌ای هست که به آن منتهی می‌شود، مگر ذکر حق تعالی که آن را حدی نیست که به آن منتهی شود؛ چنانچه حق تعالی نمازهای پنجگانه را واجب گردانیده است، کسی که آنها را ادا نماید به حدّش رسانیده است؛ و همچنین کسی که روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد، قرضش را ادا کرده است؛ و کسی که یک مرتبه حج کند، اندازه اش به عمل آمده است؛ به غیر ذکر و یاد خدا که حق تعالی به اندک راضی نشده است، و اندازه و نهایتی برای آن مقرر نساخته است. بعد از آن این آیه را خواندند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» که ترجمه ظاهر لفظش این است که: ای گروه مؤمنان! یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار، و تسبیح و تنزیه کنید او را در بامداد و پسین، پس نهایتی برای ذکر مقرر نساخت. بعد از آن فرمود: پدرم بسیار یاد خدا می‌کرد، با او که راه می‌رفتم مشغول ذکر بود، و چون با او طعام می‌خوردم او را مشغول ذکر می‌دیدم، و چون با مردم سخن می‌گفت سخن گفتن او را از یاد خدا باز نمی‌داشت، و پیوسته می‌دیدم که زبانش به کامش چسبیده بود و مشغول ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بود، و در صبح ما را جمع می‌کرد و امر می‌فرمود که مشغول ذکر و یاد خدا باشیم تا طلوع آفتاب، و می‌فرمود که هر که قرآن می‌تواند خواند قرآن را بخواند، و هر که قرآن نمی‌تواند خواند ذکر خدا بکند، و خانه‌ای که در آن قرآن می‌خواند و یاد خدا می‌کنند برکت آن خانه بسیار می‌شود، و شیاطین از آن خانه دوری می‌کنند، و آن خانه روشنی می‌دهد اهل آسمان را، چنانچه ستاره‌های روشن، اهل زمین را روشنی می‌دهند؛ و خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نمی‌شود، و یاد خدا در آن نمی‌کنند، برکت آن خانه کم است، و ملائکه از آن خانه دوری می‌کنند، و شیاطین در آنجا حاضر می‌باشند». (۴۹۳) و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «آیا شما را خبر دهم به بهترین اعمال که بیشتر موجب رفع درجات شما گردد و نزد خداوند شما، مقبول تر باشد از برای شما، از دینار و درهم، و بهتر باشد از برای شما از این که با دشمنان دین ملاقات کنید، و بکشید و کشته شوید؟ گفتند: بلی. فرمود: یاد خدا بسیار کنید. پس فرمود: شخصی به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمد و پرسید که بهترین اهل این مسجد کیست؟ فرمود: هر که ذکر خدا بیشتر کند. فرمود که: هر که را خدا زبان ذکر کننده عطا فرماید، همانا خیر دنیا و آخرت به او کرامت فرموده است». (۴۹۴) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که خدا را بسیار یاد کند او را بسیار دوست دارد، و هر که ذکر خدا بسیار کند حق تعالی دو برات برای او بنویسد، یکی بیزاری از آتش جهنم و یکی بیزاری از نفاق». (۴۹۵) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را از روی اخلاص بگوید داخل بهشت شود، و اخلاص او آن است که این کلمه طیبیه او را مانع شود از مرتکب شدن هر چیزی که خدا آن را حرام کرده است». (۴۹۶) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید بر غیر وجه تعجب، خدا از آن کلمه مرغی خلق فرماید که تا روز قیامت بر بالای سر گوینده آن کلمه بال زند، و ذکر خدا کند، و ثوابش از او باشد». (۴۹۷) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «تلقین کنید مرده‌های خود را به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» به درستی که هر که آخر کلامش «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» باشد داخل بهشت می‌شود». (۴۹۸) و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «چون حضرت نوح علیه السلام داخل کشتی شد حق تعالی به او وحی نمود که هر وقت خوف غرق شدن داشته باشی هزار مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگو». (۴۹۹) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «جبرئیل علیه السلام به نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: یا

محمد! خوشا به حال کسی از امت تو که بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ» (۵۰۰) و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» بگوید، خداوند عزیز جبار او را پناه دهد از فقر، و وحشت قبر او را به انس مبدل گرداند، و سبب توانگری او گردد، و چنان باشد که در بهشت را بگوید» (۵۰۱) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که هر روز سی مرتبه این تهلیل را بخواند رو کند به توانگری، و پشت کند به درویشی و فقر، و در بهشت را بگوید» (۵۰۲) و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «هر که هر روز پانزده مرتبه این تهلیل را بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اِيْمَانًا وَ تَصْدِيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَبْدِيَّةً وَرِقًّا» حق تعالی روی رحمت خود را به سوی او بدارد، و از او روی لطف بر نتابد تا او را داخل بهشت گرداند» (۵۰۳) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» حق تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد، و به روایت دیگر دو هزار هزار حسنه برای او ثبت نماید» (۵۰۴) و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که هر روز ده مرتبه این دعا را بخواند «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا» بنویسد حق تعالی عزّ شأنه از برای او چهل و پنج هزار حسنه، و محو کند از نامه گناهان او چهل و پنج هزار گناه، و بلند گرداند از برای او چهل و پنج هزار درجه» (۵۰۵) و در روایت دیگر وارد شده است که: «این دعا، حرزی باشد برای او در آن روز از شرّ شیطان و مردم صاحب سلطنت؛ و در آن روز گناه کبیره او را فرا نگیرد» (۵۰۶) و به روایت دیگر وارد شده است که: «هر که در هر روزی این دعا را بخواند، حق تعالی برای او چهل و پنج هزار درجه بلند گرداند، و چنان باشد که در آن روز دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد، و حق تعالی در بهشت خانه‌ای برای او بنا فرماید» (۵۰۷)

فصل سوم: «در فضیلت تسبیح است»

به سند معتبر از یونس بن یعقوب منقول است که: «[او] از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال نمود: کسی که صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید [آیا] او ذکر بسیار کرده، و به فرموده خدا در این که امر به ذکر کثیر نموده، عمل کرده است؟ فرمود: بلی» (۵۰۸) و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «هر که بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» حق تعالی سه هزار حسنه از برای او ثبت نماید، و سه هزار گناه از او محو نماید، و سه هزار درجه از برای او مرتفع گرداند، و مرغی در بهشت از برای او خلق نماید که تسبیح الهی کند، و ثواب تسبیحش از او باشد» (۵۰۹) و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود: «چون بنده «سُبْحَانَ اللَّهِ» می گوید جمیع ملائکه بر او صلوات می فرستند» (۵۱۰) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر کسی سی مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» رو کند به توانگری، و پشت کند از فقر، و بگوید در بهشت را» (۵۱۱) و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ» ایزد تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد، و هزار هزار گناه از او محو نماید، و هزار هزار درجه برای او بلند کند؛ و هر که زیاده بگوید، خدا ثوابش را زیاده کند؛ و هر که استغفار کند، خدا گناهش را بیامرزد» (۵۱۲) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که هر روز سی مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید حق تعالی از او دفع نماید هفتاد نوع از بلا را که سهل تر آنها فقر باشد» (۵۱۳) و به سند دیگر همین مضمون از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است (۵۱۴) و به سند دیگر از آن حضرت منقول است که: «حق سبحانه و تعالی چون نور مقدس نبوی صلی الله علیه و آله وسلم را خلقت نمود او را در حجاب القدره دوازده هزار سال ساکن گردانید، و در آن جا آن حضرت این تسبیح می گفتند: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» و در حجاب العظمه یازده هزار سال ماندند و این تسبیح را می گفتند: «سُبْحَانَ عَالَمِ السَّرِّ» و در حجاب المنه ده هزار سال ماندند و این تسبیح را می گفتند: «سُبْحَانَ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى» و در

حجاب السعاده هشت هزار سال بودند و این تسبیح را می گفتند: «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَسْهُو» و در حجاب الکرامه هفت هزار سال به این تسبیح مشغول بودند: «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ غَنِيٌّ لَا يَفْتَقِرُ» و در حجاب المنزل شش هزار سال به این تسبیح مشغول بودند: «سُبْحَانَ الْعَلِيمِ الْكَرِيمِ» و در حجاب الهدایه پنج هزار سال ماندند و این تسبیح می فرمودند: «سُبْحَانَ ذِي الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» و در حجاب النبوه چهار هزار سال سکنی داشتند به این تسبیح [مشغول بودند]: «سُبْحَانَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ» و در حجاب الرُفعه سه هزار سال ماندند و این تسبیح می گفتند: «سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ» و در حجاب الهیه دو هزار سال بودند و خدا را این تسبیح می نمودند: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» و در حجاب الشفاعة هزار سال به این تسبیح اشتغال داشتند: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ». (۵۱۵)

فصل چهارم: «در فضیلت تحمید و انواع محامد است»

به سند معتبر منقول است که: «از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که کدام عمل نزد خدا بهترین اعمال است؟ فرمود: حمد او کردن». (۵۱۶) و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که: «هر که بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» شکر جمیع نعمتهای خدا را ادا کرده است». (۵۱۷) و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه التَّحِيَّه والتَّائِبَات منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر که را خدا نعمتی به او کرامت فرماید حمد الهی بکند، و هر که روزی او دیر برسد استغفار بکند، و هر که را اندوهی رو دهد یا کار دشواری پیش آید بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (۵۱۸) و به سند معتبر دیگر از حضرت امام رضا علیه التَّحِيَّه والتَّائِبَات منقول است که: «چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم را امری رو می داد که موجب سرور بود می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتِ» و چون امری رو می داد که مورث الم (۵۱۹) بود می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ». (۵۲۰) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم هر روز حمد الهی می کردند سیصد و شصت مرتبه به عدد رگهای بدن، به این حمد که «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ». (۵۲۱) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون کسی را ببینی که به بلایی مبتلا گردیده است، سه مرتبه این تحمید را آهسته بخوان که او نشنود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَلَوْ شَاءَ فَعَلَ» بعد از آن فرمود: هر که در این حال این دعا را بخواند، هرگز به آن نوع بلا- مبتلا نشود». (۵۲۲) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «هر که بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ» کاتبان اعمال از نوشتن باز می مانند و می گویند: خداوند! ما غیب را نمی دانیم، یعنی حمدی را که تو سزاواری ثواب آن را نمی دانیم؛ حق تعالی در جواب ایشان می فرماید که: آنچه بنده من گفته شما بنویسید و ثوابش بر من است». (۵۲۳) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که هر روز هفت مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْ هِيَ كَانَتْ» شکر نعمتهای گذشته و آینده را ادا کرده است». (۵۲۴)

فصل پنجم: «در فضیلت استغفار است»

به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «خود را خوشبو و معطر گردانید به استغفار، تا رسوا نکند شما را بوی های بد گناهان». (۵۲۵) و در حدیث دیگر فرمود: «استغفار روزی را زیاد می کند». (۵۲۶) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «بهترین دعاها استغفار است». (۵۲۷) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون بنده استغفار بسیار کند، صحیفه عملش که بالا می رود می درخشد و نور می دهد». (۵۲۸) و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که: «هر که بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» او متکبر و جبار نیست». (۵۲۹) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «استغفار کردن و گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بهترین عبادات است». (۵۳۰) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در مجلسی که می نشستند هر چند اندک بود بر

نمی‌خواستند تا بیست و پنج مرتبه استغفار نمی‌کردند». (۵۳۱) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم هفتاد مرتبه می‌فرمودند: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» و هفتاد مرتبه می‌فرمودند: «تُوبُ إِلَى اللَّهِ». (۵۳۲) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که گناهی می‌کند هفت ساعت او را مهلت می‌دهند؛ پس اگر این استغفار را سه مرتبه خواند بر او نمی‌نویسند «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَتُوبُ إِلَيْهِ». (۵۳۳) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در روزی صد مرتبه بگوید «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» حق تعالی هفتصد گناه او را بیامرزد، و خیری نیست در بنده ای که روزی هفتصد گناه بکند». (۵۳۴) و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر مؤمنی که در شبانه روز چهل گناه کبیره بکند و با ندامت و پشیمانی بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بِدُعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذَ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يُتُوبَ عَلَيَّ» البته حق تعالی آن گناهان را بیامرزد، و خیری نیست در بنده [ای] که شبانه روزی چهل گناه کبیره بکند». (۵۳۵) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در هر روز و شبی صد مرتبه توبه و استغفار می‌کردند با آن که گناهی از آن حضرت هرگز صادر نمی‌شد». (۵۳۶)

فصل ششم: «در فضیلت اذکار متفرقه است»

به سند معتبر از حضرت جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام منقول است که فرمود: «عجب دارم از کسی که او را خوفی از دشمنی یا غیر آن باشد، چرا پناه به این کلمه نمی‌برد که: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» زیرا حق تعالی می‌فرماید: آن جماعتی که این کلمه را گفتند، برگشتند با نعمتی عظیم از جانب خدا و فضل بسیار، و به ایشان نرسید بدی. و عجب دارم از کسی که غمی او را عارض می‌شود؛ چرا پناه نمی‌برد به این کلمه که حضرت یونس علیه السلام در شکم ماهی گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» زیرا حق تعالی بعد از آن می‌فرماید: پس ما دعای یونس را مستجاب کردیم و او را از غم نجات دادیم، و چنان که او را نجات دادیم، همچنین نجات می‌دهیم مؤمنان را. [و عجب دارم از کسی که دشمنان در مقام مکر او باشند، چرا پناه نمی‌برد به این آیه که: «أَفِرُّضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» زیرا حق تعالی می‌فرماید که: چون مؤمن آل فرعون این کلمه را گفت، خدا او را حفظ کرد و نگاه داشت از بدی های آنچه مکر نسبت به او کرده بودند]. (۵۳۷) و عجب دارم از کسی که اراده مال و متاع دنیا داشته باشد، چرا پناه نمی‌برد به این کلمه که: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» زیرا حق تعالی می‌فرماید: برادر مؤمن به برادر کافر گفت که چرا داخل باغ خود که شدی این کلمه را نگفتی؟ اگر مرا چنین می‌بینی که مال و فرزندم از تو کمتر است، پس شاید پروردگار من بهتر از بهشت تو، به من عطا فرماید، و «شاید» را، حق تعالی در مقام جزم اطلاق می‌کند». (۵۳۸) و به سندهای معتبر از آن حضرت صلوات الله علیه منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمده شکایت نمود از وسوسه سینه و بسیاری قرض و احتیاج. حضرت فرمود که: مکرر این کلمات را بخوان: «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا». بعد از اندک وقتی آن مرد به خدمت آن حضرت آمد و گفت: به برکت آن دعا، حق تعالی وسوسه سینه مرا بر طرف کرد، و قرض مرا مؤدای ساخت، و روزی مرا فراخ گردانید». (۵۳۹) و به سند صحیح دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: حضرت آدم علیه السلام به حق تعالی شکایت کرد از وسوسه خاطر و اندوه، جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: یا آدم! بگو: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» چون آدم علیه السلام این کلمه را گفت وسوسه و اندوه از او بر طرف شد». (۵۴۰) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که نعمتهای الهی بر او بسیار شود بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و کسی که فقر و احتیاج بر او زیادتی کند بسیار بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» به درستی که این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت، و در آن شفای هفتاد و دو درد هست که کمتر آنها هم و اندوه است». (۵۴۱) و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که در شب معراج حق تعالی به حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم وحی فرمود که: «به تو عطا می‌کنم دو کلمه از خزینه های عرش خود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ» (۵۴۲) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که را اندوهی عارض شود بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (۵۴۳) و در حدیث دیگر منقول است که: «ابوذر رَحِمَهُ اللَّهُ گفت که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم مرا وصیت نمود که این کلمه را زیاد بگویم» (۵۴۴) و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که هر روز صد مرتبه «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید، حق تعالی از او هفتاد نوع از بلا دفع نماید که سهل تر آنها غم و اندوه باشد» (۵۴۵) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که دعا کند و ختم کند دعای خود را به گفتن «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» البته دعای او مستجاب شود» (۵۴۶) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که هفتاد مرتبه بگوید «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» حق تعالی بگرداند از او هفتاد نوع از انواع بلا- که کمتر آنها آن باشد که دیوانه شود و به سبب دیوانگی هلاک بشود» (۵۴۷) و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که: «خدا را ملکی هست موکل به آسمان اول، اسماعیل نام دارد، چون بنده هفت نوبت می‌گوید: «يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» آن ملک می‌گوید: «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ صدای تو را شنید هر حاجتی که داری بطلب تا عطا کند» (۵۴۸) و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «هر که ده مرتبه بگوید: «يَا اللَّهُ» حق تعالی به او خطاب فرماید که: لَئِيكَ! چه حاجت داری و همچنین اگر ده مرتبه «يَا رَبِّ» بگوید، همین خطاب کنند او را» (۵۴۹) همچنین به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «هر که بگوید: «يَا رَبِّي اللَّهُ» آن قدر که یک نفس او وفا کند، به او خطاب فرماید حق تعالی که: لَئِيكَ! حاجت خود را بگو» (۵۵۰) و در حدیث دیگر فرمود: «بعضی از فرزندان پدرم بیمار شدند. پدرم بر او گذشت، فرمود: ده مرتبه بگو «يَا اللَّهُ» که هیچ یک از مؤمنان ده مرتبه این کلمه را نمی‌گویند مگر آن که پروردگار عالم می‌فرماید که: لَئِيكَ ای بنده من! حاجت خود را سؤال کن» (۵۵۱) و به سند معتبر از امام رضا علیه السلام منقول است که فرمود: «پدرم را در خواب دیدم، فرمود که: هر گاه به شدتی و سختی گرفتار شوی بسیار بگو «يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ» (۵۵۲) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که به بعضی از اصحاب خود فرمود: «می‌خواهی به تو تعلیم کنم اسم اعظم الهی را، بخوان سوره حمد و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و آیه الکرسی و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» پس رو به قبله کن و هر حاجت که داری از خدا بطلب» (۵۵۳) و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «اسم اکبر خدا «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ» است» (۵۵۴) و به روایت دیگر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که: «این دعا مشتمل است بر اسم اعظم: «يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ وَحْدَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَذُو الْأَسْمَاءِ الْعِظَامِ وَذُو الْعِزِّ الَّذِي لَا يُرَامُ وَالْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ» بعد از خواندن این دعا، هر حاجتی که داری بطلب» (۵۵۵) و به سند معتبر از سکین بن عمیر مروی است که گفت: «شبی در مکه خوابیده بودم. شخصی به خواب من آمد و گفت: برخیز که شخصی خدا را در زیر میزاب به اسم اعظم «رَبُّ الْارِبَابِ» می‌خواند. بیدار شدم و به خواب رفتم؛ پس بار دیگر مرا صدا زد و همان سخن را گفت. بیدار شدم و باز به خواب رفتم؛ در مرتبه سوم مرا صدا زد که برخیز که موسی بن جعفر علیهما السلام خدا را به اسم اعظم می‌خواند در تحت میزاب، سکین می‌گوید که: برخاستم و غسل کردم، چون به نزد حجر آمدم، شخصی را دیدم که جامه خود را بر سر پیچیده و در سجده است؛ در پشت سر آن حضرت نشستم، این دعا را می‌خواندند «يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ» سه مرتبه، «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ» سه مرتبه، «يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ» سه مرتبه، «يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيُّ» سه مرتبه، «يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» سه مرتبه، «أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» سه مرتبه، «أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْعَزِيزِ الْمُتَمِينِ» سه مرتبه؛ سکین گفت که آن حضرت مکرر این دعا را خواندند تا من حفظ کردم» (۵۵۶) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر مؤمنی که این کلمات را بخواند من ضامن اویم در دنیا و آخرت؛ اما در دنیا، پس ملائکه او را بشارت دهند در هنگام مردن؛ و اما در آخرت، پس حق تعالی به عدد هر کلمه خانه‌ای در بهشت به او کرامت فرماید،

و دعا این است: «يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا بَصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ». (۵۵۷)

باب دوم: «در بیان اذکاری که مخصوص وقتی چندند»

فصل اول: در تعقیب نماز صبح و شام است و اذکاری که در صبح و شام باید خواند

به سندهای معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «چون از نماز شام فارغ شوی از جای خود حرکت مکن تا صد مرتبه بگویی: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و همچنین صد مرتبه بگویند بعد از نماز صبح؛ به درستی که هر که در این دو وقت این را بخواند، حق تعالی از او دفع کند صد نوع از انواع بلا را که کمتر آنها خوره و پیسی و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان باشد». (۵۵۸) و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه این کلمات را بخواند بعد از نماز صبح، به اسم اعظم الهی نزدیکتر است از سیاهی چشم به سفیدی آن، به درستی که اسم اعظم در این کلمات داخل است». (۵۵۹) و به چندین سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که این کلمات را بعد از نماز صبح و شام هفت مرتبه بخواند، حق تعالی از او هفتاد نوع از بلا دفع کند که کمترش قولنج و پیسی و دیوانگی و خوره باشد، و اگر نامش در نامه اشقیا باشد محو کنند و در نامه سعدا ثبت نمایند». (۵۶۰) و در روایت دیگر سه مرتبه واقع شده است با همین ثواب. (۵۶۱) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه بعد از نماز صبح بگوید: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» در آن روز نبیند امری را که مکروه او باشد». (۵۶۲) و به سندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب ده مرتبه این تهلیل را بخواند که: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». کفار گناهان او باشد در آن روز؛ (۵۶۳) و به روایت دیگر خدا را ملاقات نکند بنده به بهتر از عمل او، مگر کسی که عمل او را کرده باشد». (۵۶۴) و در روایت دیگر وارد شده است که: «سَنَّتْ وَاجِبٌ أَنْ يَتَهَلَّلَ بِهِنَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَبِهِمَا يَنْتَفِعُ الْعَالَمُونَ» و فرمود که اگر این ذکر را در این وقت فراموش کنی قضا کن چنانکه نماز را قضا می کنی و احادیث در فضیلت این دو ذکر بسیار است». (۵۶۵) و به سند معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت طلوع صبح، ده مرتبه این تهلیل را بگوید که گذشت؛ و ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد؛ و سی و پنج مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» و سی و پنج مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و سی و پنج نوبت «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، او را در آن صبح از غافلان نویسند، و اگر همین اذکار را در شام بگوید، او را در آن شب از غافلان نویسند». (۵۶۶) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت شام صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، چنان باشد که صد بنده آزاد کرده باشد». (۵۶۷) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو رفتن آن، حق تعالی ثواب صد بنده آزاد کردن در نامه عملش بنویسد». (۵۶۸) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که: در فرزند آدم سیصد و شصت رگ هست که صد و هشتاد رگ از آنها متحرک است و صد و هشتاد رگ دیگر ساکن، که اگر یکی از رگهای متحرک ساکن شود یا یکی از رگهای ساکن متحرک شود، او را خواب نمی برد؛ بنابر این حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در هر صبح و هر شام سیصد و شصت مرتبه می گفتند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ». (۵۶۹) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در صبح چهار مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، به تحقیق که شکر آن روز را ادا کرده است؛ و همچنین اگر در شام چهار مرتبه بگوید، شکر آن شب را ادا کرده است». (۵۷۰) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که:

«حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بر شخصی گذشتند که باغ خود را درخت می کاشت، حضرت ایستادند و فرمودند که می خواهی تو را دلالت کنم بر درخت کشتنی، که اصلش ثابت تر و میوه اش زود رس تر و نیکوتر و باقی تر باشد؟ گفت: بلی. فرمود: در هر صبح و شام بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» تا آن که حق تعالی به عدد هر تسبیحی ده درخت در بهشت به تو کرامت فرماید از انواع میوه ها». (۵۷۱) و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «در صبح این دعا را بخوان: «أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَدِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ أَمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِ وَالْأَوْصِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَأَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيما رَغَبُوا إِلَيْهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (۵۷۲) و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که در صبح و شام سه نوبت بگوید: «رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِالْقُرْآنِ بَلَاغًا وَبِعَلِيِّ إِمَامًا وَبِالْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِهِ أئِمَّةً». البته بر حق تعالی لازم است که در روز قیامت او را راضی گرداند». (۵۷۳) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر بنده که قبل از طلوع آفتاب این دعا بخواند: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا لَشْرِيكَ لَهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ». ملکی مبادرت نماید و این دعا را در میان بال خود بگیرد و به آسمان برد، و چون به آسمان اول در آید ملائکه به او گویند که چه چیز داری؟ در جواب گوید که: شخصی از مؤمنان به این کلمات تکلم نموده؛ و کلمات را بر ایشان بخواند، ملائکه گویند که: خدا رحم کند آن کسی را که این کلمات را خوانده است و گناهان او را ببامزد؛ پس به هر آسمان که گذرد ملائکه از او سؤال کنند، و چون جواب گوید همین دعا کنند؛ و آن ملک این کلمات را ببرد و در دیوان کنوز که اعمال خالص مؤمنان در آنجا مثبت است، ثبت نماید». (۵۷۴) و به سند عالی از ابو حمزه ثمالی منقول است که: «از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال نمود از تفسیر آنچه حق تعالی در شأن حضرت ابراهیم علیه السلام فرموده که حقوق الهی و اوامر او را وافی و تمام ادا نمود، حضرت فرمود که چون صبح می کرد سه مرتبه می گفت: «أَصْبَحْتُ وَرَبِّي مَحْمُودًا أَصْبَحْتُ لِأَشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا أَدْعُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا». و همچنین در شام سه مرتبه می فرمود. و اگر در شام خوانند به جای «أَصْبَحْتُ» در هر دو جا «أَمْسَيْتُ» می باید گفت». (۵۷۵) و به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «چون حضرت نوح علیه السلام در هر صبح و شام ده مرتبه این دعا را می خواندند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَخَدَّكَ لَشْرِيكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا». به این سبب حق تعالی او را عبد شکور فرمود؛ یعنی بنده بسیار شکر کننده. و اگر در شام خواند چنین بگوید: «أَنَّه مَا أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ». (۵۷۶) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در صبح انگشتر عقیق در دست راست خود داشته باشد، و پیش از آن که به احدی نظر کند نگین عقیق را به کف دست خود بگرداند و به آن نگین نظر کند، و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» بخواند، پس این دعا [را] بخواند که: «أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَخِدَمَهُ لَشْرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَأَمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ». حق تعالی او را در آن روز از شرّ جمیع بلاهای آسمان و زمین حفظ نماید». (۵۷۷) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار بگوید، خدا او را ببامزد اگر چه هفتاد هزار گناه کرده باشد». (۵۷۸) و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت شام سه مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ» هیچ خیری در آن شب از وی فوت نشود، و جمیع شرور و بدی های آن شب از او رفع شود؛ و همچنین اگر در صبح سه مرتبه بخواند، هیچ خیری در آن روز از وی فوت نشود، و جمیع شرور آن روز از او دور شود». (۵۷۹) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بعد از نماز شام سه مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ» حق تعالی به او خیر بسیار کرامت فرماید». (۵۸۰) و به سند صحیح منقول است از حضرت صادق علیه السلام که: «حضرت رسالت پناه، محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که: چون به معراج

رفتم ملائکه مرا دعایی تعلیم نمودند که هر صبح و شام می‌خوانم: «اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمِي أَضْيَحُ مُشْتَجِيراً بِعَفْوِكَ وَذَنْبِي أَضْيَحُ مُشْتَجِيراً بِمَغْفِرَتِكَ وَذُلِّي أَضْيَحُ مُشْتَجِيراً بِعِزَّتِكَ وَفَقْرِي أَضْيَحُ مُشْتَجِيراً بِغِنَاكَ وَوَجْهِي الْبَالِي أَضْيَحُ مُشْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى» (۵۸۱). و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «شبیبه هذلی به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت: یا رسول الله! من پیر شده‌ام، و قوتم ضعیف شده است، و از اعمالی که عادت کرده بودم - از نماز و روزه و حج و جهاد - باز مانده‌ام، پس مرا کلامی تعلیم فرما که حق تعالی مرا به آن نفع دهد، و سبک کن بر من، یا رسول الله! حضرت فرمود که: اعاده کن این سخن را تا آن که سه مرتبه این کلام را اعاده نمود، حضرت فرمود: بر دور تو هیچ درختی و کلوخی نماند مگر آن که گریست به سبب ترحم بر تو، پس چون نماز صبح بکنی ده مرتبه بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، به درستی که حق تعالی تو را عافیت می‌دهد به سبب این ذکر از کوری و دیوانگی و خوره و فقر و ضعف و پیری. گفت: یا رسول الله! این برای دنیاست از برای آخرت چه چیز باید خواند؟ فرمود: بعد از هر نماز بگو: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ». بعد از آن فرمود که: اگر کسی این دعا را عمداً ترک نکند تا از دنیا برود، در قیامت هشت در بهشت را برای او بگشایند که از هر دری که خواهد داخل شود». (۵۸۲) و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که هر روز بیست و پنج نوبت بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ» حق تعالی به عدد هر مؤمنی که گذشته است و خواهد آمد تا روز قیامت، حسنه در نامه عمل او بنویسد، و گناه از او محو کند، و درجه از برای او بلند گرداند». (۵۸۳) و به سند معتبر از هلقام منقول است که: «به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام عرض نمود که: دعایی تعلیم من نما که جامع مطالب دنیا و آخرت باشد، حضرت فرمود که: بعد از صبح تا طلوع آفتاب بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ»، هلقام گفت: که من بد حال تر و پریشان تر از جمیع اهل بیت خود بودم، و به برکت این دعا امروز حالم از همه بهتر است». (۵۸۴) شیخ طوسی علیه الرّحمه و الرضوان، در تعقیب نماز صبح فرموده که: «صد نوبت بگوید: «اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، و صد نوبت بگوید: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ»، و صد مرتبه «أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَأَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ»، و صد نوبت «أَسْأَلُ اللَّهَ الْخُورَ الْعَيْنَ»، و صد نوبت سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند و صد مرتبه بگوید: «صَلِّىَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، و صد نوبت بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، و ده نوبت آیه الکرسی، و ده نوبت سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند، و ده نوبت این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ أَقْذِفْ فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ مَحَبَّتِي وَصَمِّنِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ رِزْقِي وَالْقِيَامَةَ رِزْقِي وَانْشُرْ رَحْمَتَكَ لِي وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَاجْعَلْهَا مَوْصُولَةً بِكَرَامَتِكَ إِيَّايَ وَأَوْزِغْنِي شُكْرَكَ وَأَوْجِبْ لِي الْمَزِيدَ مِنْ لَدُنْكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ». (۵۸۵)

فصل دوم: در اذکار و ادعیه‌ای که در عقب هر نماز باید خواند

بدان که بهترین تعقیبات تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها است: سی و چهار مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، و سی و سه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و سی و سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ»، چنان که به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «عبادت کرده نمی‌شود خدا به تحمیدی که بهتر باشد از تسبیح فاطمه علیها السلام؛ و اگر از آن چیزی بهتر می‌بود حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آن را به فاطمه علیها السلام عطا می‌فرمود». (۵۸۶) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را در عقب هر نماز هر که هر روز بخواند، محبوب‌تر است نزد من از این که هزار رکعت نماز در هر روز بکند». (۵۸۷) و در حدیث دیگر فرمود که: «هر که تسبیح فاطمه علیها السلام را بخواند و بعد از آن «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، گناهانش آمرزیده شود». (۵۸۸) و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم به اصحاب خود فرمود: آنچه دارید از جامها و ظرفها، اگر جمع کنید و بر روی هم گذارید به آسمان می‌رسد؟ گفتند: نه، یا رسول الله. فرمود:

می‌خواهید که شما را دلالت کنم بر عملی که اصلش بر زمین است و شاخش در آسمان؟ گفتند: بلی، یا رسول الله! فرمود: هر یک از شما که از نماز واجب خود فارغ شود، سی نوبت بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، به درستی که اصل این کلمات در زمین است و شاخش در آسمان، و دفع می‌کند سوختن و غرق شدن و خانه خراب شدن و به چاه افتادن و مرگهای بد را از خواننده خود، و اینهاست باقیات صالحات». (۵۸۹) و به سند معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که چهل مرتبه این تسبیحات اربع را بعد از هر نماز فریضه بخواند، پیش از آن که پای خود را از قبله بگرداند، هر حاجتی که از خدا سؤال کند به او عطا فرماید». (۵۹۰) و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که: «هر که بعد از نماز فریضه پیش از آن که پاهای خود را از حالت تشهد تغییر دهد، سه مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَآتُوبُ إِلَيْهِ»، حق تعالی گناهان او را بیامرزد، اگر چه مثل کف دریاها باشد». (۵۹۱) و به سند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که فرمود: «کمتر چیزی که مجزی است از دعا بعد از نماز فریضه، این است که بگویی: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ». (۵۹۲) و به سند معتبر دیگر منقول است که: «محمد بن ابراهیم به خدمت حضرت امام موسی علیه السلام نوشت که می‌خواهم که دعایی تعلیم من فرمایی که بعد از نماز بخوانم، و حق تعالی به سبب آن خیر دنیا و آخرت را برای من جمع نماید، حضرت فرمود بگو: «أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تَرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا». (۵۹۳) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بعد از نماز واجب سی مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، بر بدنش گناهی نماند مگر آن که بریزد». (۵۹۴) و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی که خواهد که چون از دنیا برود از گناهان پاک باشد مانند طلای بی‌غش، و مظلومه احدی نزد او نباشد که از او طلب نماید، باید که بعد از نمازهای پنجگانه دوازده مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند، پس دست خود را به جانب آسمان بگشاید و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمُخْزُونِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ يَا وَهَبَ الْعَطَايَا وَيَا مُطْلِقَ الْأَسَارِ وَيَا فَكَاكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعِثِّي رَفِيقِي مِنَ النَّارِ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا أَمِنًا وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ سَالِمًا وَأَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَآخِرَهُ صِلَاحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ». بعد از آن فرمود که: این از دعاهای مخفی است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم تعلیم من نمود، و امر فرمود که تعلیم حضرت امام حسن و حضرت امام حسین - صلوات الله علیهما - نمایم». (۵۹۵) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم فتح مکه نمودند، نماز ظهر را نزد حجر الاسود با اصحاب خود ادا نمودند؛ و چون سلام گفتند، سه مرتبه دست برداشتند و سه مرتبه الله اکبر گفتند، پس این دعا خواندند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَخِدَهُ أَنْجَزَ وَعِدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». پس رو به اصحاب خود کردند و فرمودند که ترک کنید این سه تکبیر و این دعا را، بعد از هر نماز واجب؛ به درستی که هر که بعد از سلام نماز این را بخواند به تحقیق که ادا کرده است آنچه بر او واجب است از شکر حق تعالی و تقویت اسلام و اهل اسلام». (۵۹۶) و به سند صحیح منقول است از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی که به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد: چگونه صلوات و سلام بعد از نماز واجب بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم می‌باید فرستاد؟ حضرت فرمود که بگو: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحِمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لَأَمَّتِكَ وَجَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». (۵۹۷) و موافق احادیث معتبره می‌باید بعد از هر

نماز بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعِزَّنَا مِنَ النَّارِ وَارْزُقْنَا الْجَنَّةَ وَزَوِّجْنَا مِنَ الْخَوَرِ الْعَيْنِ». (۵۹۸) و به سند معتبر منقول است که: «حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از جای نماز خود بر نمی‌خاستند تا چهار ملعون و چهار ملعونه را لعنت نمی‌کردند پس باید که بعد از هر نماز بگوید: «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَبْتَرِ وَالزَّرِيقَ وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ فَلَانَةً وَفُلَانَةً وَهِنْدَ وَأُمَّ الْحَكَمِ» و بعضی از تعقیبات در باب فضایل سور و آیات قرآنی مذکور شد به همین اکتفا می‌نماییم». (۵۹۹)

فصل سوم: در تعقیب مخصوص نماز ظهر است

به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بعد از نماز ظهر این دعا می‌خواندند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَغَرَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ وَلَا سِقْمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَّطْتَهُ وَلَا خَوْفًا إِلَّا أَمْنْتَهُ وَلَا سُوءًا إِلَّا صَيَّرْتَهُ وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا وَلِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ». (۶۰۰)

فصل چهارم: در بیان تعقیب مخصوص نماز عصر است

به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار بکند، حق تعالی هفتصد گناه او را بیامرزد، و اگر هفتصد گناه نداشته باشد باقی را از گناهان پدرش بیامرزد، و اگر پدرش آن قدر گناه نداشته باشد از گناهان مادرش، و اگر نه از گناهان برادرش، و اگر نه از گناهان خواهرش، و همچنین باقی خویشان هر که به او نزدیک تر باشد». (۶۰۱) و در حدیث دیگر هفتاد و هفت مرتبه استغفار وارد شده است. و ثواب عظیم برای ده مرتبه سوره «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ» بعد از نماز عصر خواندن، گذشت. (۶۰۲) و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که هر روز بعد از نماز عصر یک مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذُالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبِيدَ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مُسْكِنٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً وَلَا نُشُورًا». حق تعالی امر فرماید که: صحیفه گناهان او را بدرند هر چند گناه بسیار در آن باشد». (۶۰۳)

فصل پنجم: در بیان تعقیب مخصوص نماز خفتن است

به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که بعد از نماز خفتن هفت نوبت سوره «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» بخواند در ضمان الهی باشد تا صبح». (۶۰۴) و شیخ طوسی رحمه الله علیه نقل کرده است که: «مستحب است بعد از نماز خفتن سوره حمد و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» هر یک را ده مرتبه و تسبیحات اربع را ده مرتبه «وَاللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» ده مرتبه». (۶۰۵)

فصل ششم: در بیان سجده شکر است

بدان که از جمله سنتهای مؤکد بعد از هر نماز، سجده شکر است و فضایل این سجده در احادیث بسیار است. حتی آن که به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «دو سجده شکر واجب است بر هر مسلمانی، نماز خود را به آن تمام می‌کند، و خداوند خود را خوشنود میگردانی، و ملائکه را به عجب می‌آوری. به درستی که بنده ای که نماز می‌کند و بعد سجده شکر بجا می‌آورد، حق تعالی حجاب از میان بنده و ملائکه بر می‌دارد، و می‌فرماید که: ای ملائکه! نظر کنید به بنده من که فرض مرا ادا

کرد، و عهد مرا تمام کرد، و بعد از آن شکر نعمت مرا به جا می‌آورد، ای ملائکه! چه ثواب او را نزد من هست؟ ملائکه می‌گویند که: پروردگارا! رحمت خود را شامل حال او گردان. باز می‌فرماید: دیگر چه چیز به او عطا کنم؟ می‌گویند: پروردگارا! بهشت خود را به او عطا کن. باز می‌فرماید که: دیگر چه چیز به او کرامت فرمایم؟ می‌گویند که: امور او را کفایت کن؛ و همچنین حق تعالی سؤال می‌نماید، و ملائکه جواب می‌گویند تا آن که هیچ چیز نمی‌ماند که علم ملائکه به آن احاطه کند مگر آن که او را می‌گویند. باز چون حق تعالی سؤال نماید، ایشان می‌گویند که: پروردگارا! علم ما به زیاده از این احاطه نکرده است. پس حق تعالی فرماید که: من شکر او می‌کنم چنان که او شکر من کرد، و روی فضل و احسان خود به سوی او می‌دارم، و او را در مراتب قرب و معرفت خود کامل می‌گردانم. (۶۰۶) به سندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقول است که: «چون حق سبحانه و تعالی به حضرت موسی علیه السلام خطاب فرمود: ای موسی! می‌دانی که چرا تو را از میان بندگان خود برگزیدم و کلیم خود گردانیدم؟ گفت: نه ای پروردگار من! خطاب رسید که من چون نظر کردم نفس تو را نزد بندگی خود از همه کس ذلیل تر یافتم، هرگاه که از نماز فارغ می‌شوی دو طرف روی خود را بر خاک می‌گذاری، پس حضرت موسی علیه السلام به سجده درآمد و پهلوی‌های روی خود را از روی تذلل بر خاک مالید نزد پروردگار خود، حق تعالی به او وحی نمود که سر بردار ای موسی! و دست خود را بر موضع سجود به مال و بر رو و بدن بمال که باعث ایمنی تو می‌شود از هر بلائی و دردی و آفتی». (۶۰۷) بدان که اقل سجده شکر آن است که سر به سجده گذارد و سه مرتبه بگوید: «شُكْرًا لِلَّهِ» چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است. (۶۰۸) همچنین از آن حضرت منقول است که: «صد مرتبه «عَفْوًا» بگوید، یا صد مرتبه «شُكْرًا» (۶۰۹) و اگر در سجده اول صد مرتبه «عَفْوًا» یا «الْعَفْوُ الْعَفْوُ» بگوید، بعد از آن جانب راست رو را بر زمین گذارد و هر دعا و هر ذکر که داند بخواند، مثل «یا اَللّهُ یا رَبَّاهُ یا سَيِّداهُ» و همچنین پهلوی چپ رو را بر زمین گذارد چنین دعا یا ذکر بخواند، بار دیگر پیشانی را بر زمین گذارد و صد مرتبه «شُكْرًا شُكْرًا» بگوید خوب است. و در این سجده بر خلاف سجده‌های نماز، سنت است که دستها را بر زمین بخواباند، و سینه و شکم را به زمین برساند. و همچنین مستحب است که حاجات خود را و برادران مؤمن خود را طلب نماید، و در تضرع و زاری و مناجات تقصیر ننماید، و بسیار طول بدهد. چنان که در احادیث معتبره وارد شده است که: «بنده در هیچ حالت قرب او به خدا زیاده نیست از حالتی که در سجود گریان باشد». (۶۱۰) و ائمه صلوات الله علیهم سجده‌های بسیار طولانی بجا می‌آورده‌اند، به خصوص امام موسی کاظم علیه السلام که بعد از نماز صبح به سجده می‌رفته‌اند، و روز که بلند می‌شده است سر از سجده بر می‌داشته‌اند؛ و اگر در حالی بوده‌اند که مشغول هدایت خلق نمی‌توانسته‌اند شد مثل اکثر حالات، در سجده بوده‌اند. و همچنین کبار اصحاب ایشان این طریقه را داشته‌اند؛ حتی آن که نقل کرده‌اند که بعضی از ایشان آن قدر طول می‌داده‌اند سجده را که مرغ در پشت ایشان آشیانه می‌گذاشت، و دعا‌های سجده از اهل بیت صلوات الله علیهم بسیار منقول است و این کتاب گنجایش ذکر آنها ندارد. و بهترین آنها آن است که کلینی به سند حسن روایت کرده است که: «عبدالله بن جندب از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سؤال نمود از دعایی که در سجده شکر بخواند، حضرت فرمود: چون به سجده می‌روی بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيَائَكَ وَرُسُلَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ اللَّهُ رَبِّي وَالْإِسْلَامَ دِينِي وَمُحَمَّدًا نَبِيَّيَ وَعَلِيًّا وَالحُسَيْنَ وَالحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالحُسَيْنَ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ أَتَمَّتْ بِهِمْ أَتَوَلَّى وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَأُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ» سه مرتبه [در روایت کافی این فقره هست. پس بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ بِأَيِّوَانِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيائِكَ لَتُظْفِرَنَّهُمْ بَعْدُوكَ وَعَدُوَّهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» سه مرتبه و بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ بِأَيِّوَانِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَعْدَائِكَ لِتَهْلِكَنَّهُمْ وَلِتُخْرِيتَهُمْ بِأَيْدِيهِمُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ الْيُمَيْرَ بَعْدَ الْعُسَيْرِ» سه مرتبه. بعد از آن پهلوی راست رو را بر زمین می‌گذاری و می‌گویی: «یا کَهِفِی حِينَ تُعِينِنِي الْمَیْذَاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْمَآرِضُ بِمَا رَحِبْتُ وَیا باری»

خَلَقِي رَحْمَةً بِي وَكُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَتِيًّا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسِيخِ تَحْفِظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. پس جانب چپ را بر زمین می‌گذاری و می‌گویی: «يَا مُدِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ وَيَا مُعِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَعِزَّتْكَ بِلَغٍ مَجْهُودِي» سه مرتبه پس می‌گویی: «يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعِظَامِ» سه مرتبه. پس بار دیگر سر را بسجده می‌گذاری و صد مرتبه می‌گویی «شُكْرًا شُكْرًا». سپس می‌گویی: «يَا سَامِعَ الصَّوْتِ يَا سَابِقَ الْفَوْتِ يَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا». (۶۱۱) و در روایت دیگر وارد شده است که: «حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در سجده اول هزار مرتبه «الْعَفُوَّ الْعَفُوَّ» فرمودند». (۶۱۲) در کافی در ضمن حدیث راوی می‌گوید: بعد از نماز ظهر حضرت به سجده رفتند و بعد از گریه و دعا در سجده، شمارش کردم هزار مرتبه «العفو» گفتند. و در حدیث دیگر وارد شده است که: «آن حضرت در سجود این دعا می‌خواندند: «أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا يُطْفِئُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدُهَا لَا يُبْلَى وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَطِشَانُهَا لَا يُزْوِي وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا يُكْسَى». (۶۱۳) و در حدیث دیگر مروی است که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده این دعا می‌خواندند: «إِزْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنْ النَّاسِ وَأُنْسِي بِكَ يَا كَرِيمِ». (۶۱۴)

فصل هفتم: در بیان اذکاری است که در هنگام خواب باید خواند

بدان که مستحب است که در هنگام خوابیدن با وضو باشد و به جانب راست رو به قبله، سوره‌ها و آیات که در باب فضایل قرآن مذکور شده بخواند، و بهترین اذکار در این وقت، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. چنانچه به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که: «چون آدمی شب در جای خواب خود می‌خوابد، ملک بزرگواری و شیطان متمرّدی بسوی او مبادرت می‌نمایند؛ پس ملک به او می‌گوید که: روز خود را ختم کن به خیر، و شب خود را افتتاح کن به خیر. و شیطان به او می‌گوید که: روز خود را ختم کن به گناه، و شب خود را افتتاح کن به گناه. پس اگر طاعت ملک کرد، و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را در وقت خواب خواند، ملک آن شیطان را می‌زند و از او دور می‌کند، و او را محافظت و نگاهبانی می‌کند تا بیدار شود؛ پس باز شیطان می‌آید و او را امر می‌کند که ختم شب و افتتاح روز به گناه بکند، و ملک او را به خیر امر می‌کند؛ پس اگر اطاعت ملک کرد و تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها خواند، آن ملک شیطان را از او دور می‌کند، و حق تعالی عبادت تمام آن شب را در نامه عملش می‌نویسد». (۶۱۵) و به سند معتبر از حضرت امام علی النقی علیه السلام منقول است که فرمود: «ما اهل بیت را، در هنگام خوابیدن، ده خصلت می‌باشد: با طهارت می‌باشیم و به دست راست می‌خوابیم، و (دست را در زیر رو می‌گذاریم)، و تسبیح فاطمه علیها السلام می‌خوانیم، و رو به قبله می‌خوابیم، و سوره حمد و آیه الکرسی و آیه «شهد الله» را می‌خوانیم، پس هر که چنین کند بهره خود را از ثواب در آن شب برده است». (۶۱۶) و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت خواب یازده مرتبه سوره «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند، حق تعالی یازده ملک بر او موکل گرداند که او را تا صبح حفظ نمایند از شر شیطان رجیم». (۶۱۷) و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در وقتی که به رختخواب می‌رود یازده مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، گناهان او آمرزیده شود، و او را شفیع کنند در همسایگان خود؛ و اگر صد مرتبه بخواند، گناهان آینده او تا پنجاه سال آمرزیده می‌شود». (۶۱۸) و در حدیث دیگر فرمود: «اگر کسی در خواب ترسد در وقت خواب سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفُلُقِ» و آیه الکرسی بخواند». (۶۱۹) و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «هر که در وقت خواب سه نوبت بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَّرَهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». از گناهان بیرون آید، مانند روزی که از مادر متولد شده بود». (۶۲۰) و در حدیث دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در هنگام خواب آیه الکرسی می‌خواندند و بعد از آن می‌فرمودند که: «بِسْمِ اللَّهِ اَمْنٌ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اَللّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَفِي يَقْظَتِي». (۶۲۱) و به سند معتبر از حضرت امام

موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «کسی که خواهد در میان شب بیدار شود، در وقت خواب این دعا بخواند: «اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَأَنْبِئْنِي بِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ أَذْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِيَنِي وَأَسْأَلُكَ فَتُعْزِلَنِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». فرمود که چون این دعا را بخواند، حق تعالی دو ملک بسوی او بفرستد که او را بیدار کنند، پس اگر بیدار شود فيها (۶۲۲) و اگر بیدار نشود حق تعالی ایشان را امر فرماید که از برای او استغفار نمایند، و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد، و اگر بیدار شود هر حاجتی که از حق تعالی بطلبد به او عطا فرماید». (۶۲۳) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «چون این کس در شب از پهلوی به پهلوی گردد سنت است که بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ». (۶۲۴) سید بن طاوس «علیه الرحمة» به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که: «کسی که خواهد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب به بیند، بعد از نماز خفتن غسل کند، و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره حمد یک مرتبه و صد مرتبه آیه الکرسی بخواند، و بعد از نماز هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و بر جامه پاکی بخوابد که حلال و حرام بر روی آن جامه وطی نکرده باشد، و دست راست خود را بر زیر گونه راست خود بگذارد، و صد مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». و صد مرتبه بگوید «مَا شَاءَ اللَّهُ» و به خواب رود آن حضرت را در خواب می بیند». (۶۲۵) و سید مذکور نقل کرده است که: «اگر خواهد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب ببیند، در وقت خواب این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِيٌّ وَأَيَادِيهِ بَاسِطَةٌ لَا تَنْقُضِي أَسْأَلُكَ بِطُفْئِكَ الْخَفِيِّ الَّذِي مَا لَطُفْتُ بِهِ لِعَبِيدٍ إِلَّا لَقِيَ كَفَى أَنْ تُرِنِي مَوْلَايَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَنَامِي. (۶۲۶) و به سند دیگر روایت کرده است: «کسی که خواهد که میت خود را در خواب ببیند با طهارت بخوابد، و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند، پس این دعا [را] بخواند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ، وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ، مِنْكَ بَدَتْ الْأَشْيَاءُ وَالْإِيكُ تَعُودُ، فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتُ مَلْجَأَهُ وَمَنْجَاةً وَمَا أَذْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَاهُ مِنْكَ إِلَّا الْإِيكُ. فَاسْأَلُكَ بِإِلَالِهِ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ عَلِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الَّذِينَ جَعَلَتْهُمَا سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرِنِي مَيِّتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ عَلَيْهَا [فيها]». (۶۲۷) چنین گوید مؤلف این کتاب که: به برکت اهل بیت رسالت علیهم السلام، اذکار و ادعیه و اوراد و اعمال و عبادات، آن قدر هست که از عهده صد هزار یک آن به در نمی توان آمد، پس چه حاجت است به مرتکب شدن اعمال بدعت که از مشایخ اهل سنت به جمعی از جاهلان و بیخردان به میراث رسیده. و آنچه این فقیر در این کتاب بر سیل اجمال از هزار، یک و از بسیار، اندکی آورده ام، اگر کسی به اینها عمل نماید، تمام وقت آن را فرا می گیرد. و به اجمال طریقه اهل بیت رسالت علیهم السلام مضبوط و معلوم است، و کسی که راه متابعت ایشان را خواهد واضح و ظاهر است؛ و اول چیزی که از اعمال، ایشان مبالغه بسیار در آن نموده اند، و بر همه اعمال ترجیح دارد، نماز پنجاه و یک رکعت است، که هفده رکعت آن نماز پنجگانه است. و باقی هشت رکعت نافله پیشین است که پیش از نماز ظهر می باید کرد. و هشت رکعت نافله پسین است که پیش از فریضه عصر می باید کرد. و چهار رکعت نافله شام است که بعد از نماز شام می باید کرد. و دو رکعت نماز و تیره است که بعد از نماز خفتن نشسته می کنند و به یک رکعت حساب می شود. و هشت رکعت نماز شب با دو رکعت نماز شفع و یک رکعت وتر که بعد از نصف شب می باید کرد. و دو رکعت نافله صبح است که پیش از نماز صبح می باید کرد. و این نافله ها را هر دو رکعت به یک سلام می باید کرد. اینها در فضیلت و تأکید تالی مرتبه واجبات اند که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم همیشه بر اینها مداومت می نموده اند، و اگر ترک شود مانند واجبات قضا می باید کرد. دیگر از جمله سنن آن حضرت روزه هر ماه سه روز است، یعنی پنجشنبه اول ماه، و چهارشنبه اول از دهه میان ماه، و پنجشنبه آخر؛ و تمام ماه مبارک شعبان که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در این ماه روزه بودند تا از دنیا مفارقت نمودند. و این سه روز نیز اگر ترک شود قضا می باید کرد. دیگر از اعمال مؤکد که فضایل نامتناهی در آن وارد

شده است نماز جعفر طیار است، و این چهار رکعت است به دو سلام، و مستحب است که در رکعت اول سوره حمد و «اذا زلزلت» بخواند، و در رکعت دوم سوره حمد و سوره عادیات، و در رکعت سوم سوره حمد و «اذا جاء نَصْرُ اللَّهِ»، و در رکعت چهارم سوره حمد و «قُلْ هُوَ اللَّهُ»؛ و اگر در هر رکعتی سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند خوب است؛ بعد از سوره در هر رکعتی پانزده مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و در هر رکوعی، و در هر سر برداشتن از رکوع، و در هر سجود ی، و در هر سر برداشتن از سجود، ده مرتبه بگوید. و سنت است که در سجده آخر بعد از تسیحات این دعا بخواند: «سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ. سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ. سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ. سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنَّعَمِ. سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ. سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ. سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّلُولِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاذِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِأَسْمَائِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ» بعد از آن حاجات خود را از حق تعالی بطلبید، چون از نماز فارغ شود تسیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند. و در احادیث وارد شده است که هر که این نماز را بکند، گناهان او آمرزیده شود اگر چه به قدر کف دریاها و ریگ بیابان گناه داشته باشد. و دوازده هزار حسنه از برای او بنویسند که هر حسنه بزرگتر از کوه احد باشد. (۶۲۸) و این نماز را در همه وقت می‌توان کرد و به جای نافله شب و روز می‌توان کرد. و در حدیث است که: هر شب یا هر روز بکن. و اگر نتوانی، هر هفته یک مرتبه بکن. و اگر نتوانی، ماهی یک مرتبه بکن، و اگر نتوانی، سالی یک مرتبه بکن. و در شب و روز جمعه، فضیلت این نماز، زیاده از سایر ایام است. و در حدیث معتبر وارد شده است که: اگر کسی را حاجتی ضروری باشد اصل نماز را بکند بی تسیحات، و تسیحات را در راه بخواند. و اگر آن دعا نداند و نخواند ثواب نماز را دارد. و اگر کسی را دعاها و آداب دیگر که در کتب دعا ثبت است (۶۲۹) بخواند، بهتر است. (۶۳۰) دیگر، نماز حضرت امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - است. و آن چهار رکعت است به دو سلام. و در هر رکعتی، بعد از حمد، پنجاه مرتبه «قل هو الله احد» می‌باید خواند. و احادیث معتبره، وارد شده است که: هر که نماز را بکند، چون فارغ شود، میان او و خدا گناهی نمانده باشد. و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی بعد از حمد شصت مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند، چون فارغ شود گناهان او آمرزیده شده باشد». (۶۳۱) دیگر نمازها و دعاها و اعمال بسیار است، و از کتب مبسوطه علما، طلب می‌باید نمود. و به اینجا ختم می‌کنم این رساله را. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَ الشُّكْرُ لَهُ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَ مُخَالِفِيهِمْ أَجْمَعِينَ

پی نوشت ها

(۱) أنزل فيه القرآن هدى للناس و بينات من الهدى و الفرقان. بقره / ۱۸۵. ۲) کتاب انزلناه اليك لتخرج الناس من الظلمات الى النور. ابراهيم / ۱. ۳) و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين. اسراء / ۸۲. ۴) هو الذى ارسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله. توبه / ۳۳. ۵) ان هذا القرآن يهدى للتي هي اقوم. اسراء / ۹. هذا بصائر من ربكم و هدى و رحمة لقوم يؤمنون. اعراف / ۲۰۳. ۶) فيه ربيع القلب و ينابيع العلم و ما للقب جلاء غيره. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶. ۷) افلا تتفكرون. انعام / ۵۰. كذلك يبين الله لكم الآيات لعلكم تتفكرون. بقره / ۲۶۶. ۸) افلا يتدبرون القرآن ام على قلوب اقفالها. محمد / ۲۴. ۹) و قال الرسول يا رب ان قومي اتخذوا هذا القرآن مهجورا. فرقان / ۳۰. ۱۰) فاقروا ما تيسر من القرآن. مزمل / ۲۰. ۱۱) فاقروا ما تيسر منه. مزمل / ۲۰. ۱۲) افلا يتدبرون القرآن. نساء / ۸۲. ۱۳) و نعم اجر العاملين. آل عمران / ۱۳۶. قرآناً عربياً غير ذى عوج لعلهم يتقون. زمر / ۲۸. ۱۴) اقروا القرآن و لا تجفوا عنه. نهج الفصاحه، ص ۸۰، رقم ۴۲۵. ۱۵) فخذوا بكتاب الله تعالى و استمسكوا به. رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم. نهج الفصاحه، ص ۱۰۷، رقم ۵۳۷. ۱۶) دوروا مع كتاب الله حيشما دار. نهج الفصاحه، ص ۳۳۰، رقم ۱۵۷۸. ۱۷) تفقهوا فيه فانه ربيع القلوب. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰. ۱۸) و استنصحوه على انفسكم. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶. ۱۹) و استشفوا بنوره. نهج

البلاغه، خطبه ۱۱۰. ۲۰) الله في القرآن، لا يسبقنكم بالعمل به غيركم. نهج البلاغه، نامه ۴۷. ۲۱) القرآن عهد الله الى خلقه، فقد ينبغي للمسلم ان ينظر في عهده و ان يقرأ منه في كل يوم خمسين آية. امام صادق عليه السلام، اصول کافی با ترجمه، ج ۴، ص ۴۱۲. ۲۲) قنادیل جمع قندیل یعنی چراغها، فانوسها (به نقل از فرهنگ نوین). ۲۳) بدون بخل، بی دریغ (به نقل از فرهنگ نوین ماده ضنن). ۲۴) کافی، ج ۲، ص ۵۹۹، باب اول، قسمت دوم، ح ۲. ۲۵) همان، ص ۶۰۰، باب اول، قسمت دوم، ح ۸. ۲۶) کافی، ج ۲، ص ۵۹۹، باب اول، ح ۳. ۲۷) بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۸، ب ۷، ح ۱۲. به نقل از کتاب مخطوط شافعی و ج ۹۲، ص ۱۳، باب ۱، ح ۲. به نقل از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۳۱، باب ۳۱، ح ۴۰. ۲۸) کافی، ج ۲، ص ۶۰۲، باب اول، ح ۱۲. ۲۹) همان، ص ۶۰۲، باب اول، ذیل حدیث ۱۴. ۳۰) همان، ج ۲، ص ۶۰۳، باب دوم فضل حامل القرآن، ح ۳. ۳۱) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۹۸، باب ۳۳ ح ۸. به نقل از تفسیر قمی. ۳۲) همان، ص ۱۷۷، باب ۱۹، ح ۲. به نقل از خصال، ص ۷، ح ۲۱. ۳۳) همان، ح ۳. به نقل از خصال ص ۲۸، ح ۱۰۰. ۳۴) همان، ص ۱۷۸، باب ۱۹، ح ۶، به نقل از امالی طوسی، ص ۷ مجلس ۱ ح ۷. ۳۵) کافی، ج ۲، ص ۶۰۳، باب دوم، فضل حامل القرآن ح ۱. ۳۶) وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۶، ابواب قرائة القرآن. باب ۱، ح ۱۳. به نقل از مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۵، فن ۶، فی فضل القرآن. ۳۷) معانی بیانی یعنی عالم علم بیان که یکی از مهم ترین علوم ادبی است. ۳۸) تکسیر به اصطلاح تعویذ نویسان، تقسیم کردن اعداد اسم بر خانه های تعویذ به نهجی که از هر طرف شمار برابر افتد (قیاس اللغات). ۳۹) علم عدد نزد قدما از شعب ریاضی است و موضوع آن معرفت اعداد و خواص آنهاست (فرهنگ معین). ۴۰) بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۸۸، به بعد، ب ۱۰. به نقل از تاویل الایات و تفسیر عیاشی و تفسیر قمی. ۴۱) کافی، ج ۲، ص ۶۲۷، باب النوادر، ح ۲. ۴۲) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰، باب ۹، به نقل از مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۰۰، در تفسیر آیه «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»، (سوره قلم، آیه ۵). ۴۳) وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۰، باب ۵، ح ۱۲. ۴۴) کافی، ج ۲، ص ۵۹۶ تا ۵۹۸، باب ۱، ح ۱. ۴۵) تفسیر نور الثقلین، ج ۱، سوره حمد، ص ۲۰ به بعد به نقل از تفسیر عیاشی و مجمع البیان، و تفسیر قمی. ۴۶) جسر: پُل. ۴۷) تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۰ به بعد. ۴۸) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۲، باب ۲، ح ۱ به نقل از فقیه، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۳۰۱، ح ۲. ۴۹) کافی، ج ۲، ص ۶۲۷، باب النوادر، ح ۱. ۵۰) کافی، ج ۲، ص ۶۰۴، باب ۲، فضل حامل القرآن ح ۵. ۵۱) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۰، ب ۱۹، ح ۱۳. به نقل از امالی صدوق، ص ۳۴۸، مجلس ۶۶، ضمن ح ۱. ۵۲) سوره مزمل، آیه ۴. ۵۳) بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۸ در ضمن بیان مجلسی. ۵۴) کافی، ج ۲، ص ۶۱۴، باب ترتیل القرآن، ح ۱. ۵۵) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۰ و ۲۱۱، باب ۲۶، ح ۴. به نقل از معانی الاخبار، ص ۲۲۶، باب معنی الفقیه، ح ۱. ۵۶) کافی، ج ۲، ص ۶۱۴. باب ترتیل القرآن، ح ۲. ۵۷) همان، ص ۶۰۶، باب ۱ فضل القرآن، ح ۱۰. ۵۸) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۸، باب ۲۷، ح ۲؛ به نقل از عیون اخبار، ج ۲، ص ۱۸۳، باب ۴۴، ح ۵. ۵۹) همان، ص ۲۱۷، باب ۲۷، ح ۱. به نقل از خصال، ج ۲، ص ۶۲۹ در ضمن حدیث اربعمأة امیرالمؤمنین علیه السلام، ح ۱۰. ۶۰) همان، ص ۲۰۴، باب ۲۴، ح ۱، به نقل از خصال، ج ۲، ص ۱۸۰، باب ۴۴، ح ۴. ۶۱) همان، ص ۳۳۹، باب ۱۲۱، ح ۱، به نقل از قرب الاسناد، ص ۴۵، ح ۱۴۴. ۶۲) تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۴۷، ح ۸ در تفسیر سوره مزمل. به نقل از کافی، ج ۲، ص ۶۱۷، باب فی کم یقرأ القرآن، ح ۲. ۶۳) همان، ص ۵۸۵، ح ۱، در تفسیر سوره شمس. به نقل از تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۹۷، باب ۱۵، ح ۵۱. ۶۴) کافی، ج ۲، ص ۶۰۹، باب فی قرائته، ح ۲. ۶۵) همان، ص ۶۰۲، باب ۱ فضل القرآن، ح ۱۳. ۶۶) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۰، باب ۲۶، ح ۲. به نقل از قرب الاسناد ص ۳۹۵، ح ۱۳۸۶، احادیث متفرقه. ۶۷) بحار الانوار، ج ۸۵ و ۹۲. ۶۸) کافی، ج ۲، ص ۶۱۷، باب فی کم یقرأ القرآن، ح ۱. ۶۹) همان، ص ۶۱۸، باب کم یقرأ القرآن، ح ۵. ۷۰) همان، ح ۳. ۷۱) همان، ص ۶۱۸، باب کم یقرأ القرآن، ح ۴. ۷۲) کافی، ج ۲، ص ۶۰۶، باب من یتعلم القرآن، ح ۱. ۷۳) همان، ص ۶۰۷، باب من یتعلم القرآن، ح ۳. ۷۴) همان، ص ۶۰۷، باب من یتعلم القرآن، ح ۲. ۷۵) همان، ص ۶۰۹، باب من حفظ القرآن، ح ۶. ۷۶) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۷، باب ۲۰، ح ۵. به نقل از امالی صدوق، ص ۳۴۸، مجلس ۶۶، ح ۱. ۷۷) همان، ص ۱۸۶، باب ۲۰، ح ۲. به نقل از امالی طوسی، ص ۳۵۷، مجلس ۱۲ ح ۷۹ و ۸۰.

(۷۸) همان، ص ۱۸۵، باب ۲۰، ح ۱. به نقل از علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۱، باب ۲۹۸، ح ۲. ۷۹) کافی، ج ۲، ص ۶۰۹، باب فی قرائته، ح ۱. ۸۰) همان، ص ۶۱۰، باب البیوت التي یقرأ فیها القرآن، ح ۳. ۸۱) همان، ح ۲. ۸۲) همان، ص ۶۱۱، باب ثواب قرائة القرآن، ح ۱. ۸۳) همان، ح ۲. ۸۴) همان، ح ۳. ۸۵) همان، ج ۲، ص ۶۱۲، ح ۴. ۸۶) همان، ج ۲، ص ۶۱۲، باب ثواب قرائة القرآن، ح ۵. ۸۷) همان، ص ۶۱۲، باب ثواب قرائة القرآن، ح ۶. ۸۸) همان، ص ۶۲۳، باب فضل القرآن، ح ۱۸. ۸۹) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۳، باب ۲۳ ح ۲۹، به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۲۷، در تفسیر سوره یونس. ۹۰) همان، ص ۱۷۶، ب ۱۸، ذیل حدیث ۱. به نقل از مکارم الاخلاق، ج ۲، فصل ۲، ح ۲، و ص ۱۸۲، فی الاستشفاء بالقرآن. ۹۱) همان. ۹۲) کافی ج ۲، ص ۶۳۰، باب النوادر، ح ۱۰. ۹۳) کافی، ج ۲، ص ۶۱۳، باب قرائة القرآن فی المصحف، ح ۱. ۹۴) همان، ح ۲. ۹۵) همان، ح ۳. ۹۶) همان، ص ۶۱۴، باب قرائة القرآن فی المصحف، ح ۵. ۹۷) خصال شیخ صدوق، ص ۳۲۳، باب السبعة، ح ۹. ۹۸) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۴، باب ۲، ح ۳، امالی صدوق، ص ۳۴۵ مجلس ۶۶. ۹۹) همان، ص ۱۹۹، ب ۲۳، ح ۱۴. به نقل از امالی طوسی، ج ۲، ص ۷۰، مجلس ۱۶. ۱۰۰) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۳۳، باب ۲۹، ح ۱۵ به نقل از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۰۱. ۱۰۱) همان، ص ۲۳۱، باب ۲۹، ح ۱۳. به نقل از امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۹۰، مجلس ۱۰. ۱۰۲) همان، ص ۲۲۸، ب ۲۹، ذیل حدیث ۷. خصال، ج ۲، ص ۳۵۵، باب السبعة، ح ۴۶. ۱۰۳) همان، ص ۲۲۶، ب ۲۹، ح ۳. به نقل از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۵۸، ح ۳۰. ۱۰۴) همان، ص ۲۳۵، باب ۲۹، ح ۲۱. طب الائمة. ۱۰۵) همان، ص ۲۵۷، باب ۲۹، ذیل حدیث ۵۰، مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۸۳. ۱۰۶) همان، ص ۲۳۷، باب ۲۹، ح ۳۴. به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰، ح ۲۰. طب الائمة. ۱۰۸) همان، ج ۹۵، ص ۵۸، ب ۵۹، ذیل حدیث ۲۷. به نقل از مکارم الاخلاق، ص ۳۷۳، فی الاستشفاء بالقرآن. ۱۰۹) همان، ج ۹۲، ص ۲۶۵، باب ۳۰، ح ۸، به نقل از ثواب الاعمال، ص ۱۸۹، باب ۳۰۴، ح ۱. ۱۱۰) کافی، ج ۲، ص ۶۲۱، باب فضل القرآن، ح ۵. ۱۱۱) همان، ح ۸. ۱۱۲) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۲، باب ۳۰، ح ۱ امالی صدوق، ص ۸۸، مجلس ۲۱. ح ۶. ۱۱۳) همان، ص ۲۶۲، ب ۳۰، ح ۳. به نقل از معانی الاخبار، ص ۳۳۳، باب تحية مسجد، ح ۱. ۱۱۴) همان، ج ۹۵، ص ۲۴، باب ۵۶. در ضمن حدیث ۱۱. به نقل از مکارم الاخلاق، ص ۳۷۰. ۱۱۵) همان، ج ۹۲، ص ۲۶۱، باب ۲۹، ح ۵۶. دعوات راوندی، ص ۱۱۰ ح ۲۴۵. ۱۱۶) همان، ص ۲۶۳، ب ۳۰، ح ۴. به نقل از خصال. ج ۲/۶۱۶ حدیث اربعمأة. ۱۱۷) خصال، ص ۶۲۲، در ضمن حدیث اربعمأة. ۱۱۸) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۷، ب ۳۰، ح ۱۳. به نقل از محاسن برقی، ص ۶۰۹. ۱۱۹) همان، ص ۲۶۷، باب ۳۰، ح ۱۲ مکرر. به نقل از محاسن برقی، ص ۳۸۰. ۱۲۰) کافی، ج ۸، ص ۲۷۳، ح ۴۰۸. ۱۲۱) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۷، باب ۳۰، ح ۱۲، به نقل از محاسن برقی ص ۳۶۷. ۱۲۲) آل عمران [۳]، آیه ۸. ۱۲۳) تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۴۸، در تفسیر سوره آل عمران. به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۴ ح ۹. ۱۲۴) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۳، باب ۳۰، ح ۵. عیون اخبار، ج ۲، ص ۶۴، ح ۲۸۹. ۱۲۵) همان، ص ۲۳۰، ب ۲۹، ح ۱۰، معانی الاخبار، ص ۵۱. ۱۲۶) تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۱۰. ۱۲۷) نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۰۴، ذیل ح ۱۲۲۰، در تفسیر سوره بقره. تفسیر عیاشی ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۵۳۲. ۱۲۸) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۴، باب ۳۰، ح ۷ امالی طوسی، ص ۱۲۲، مجلس ۱۸. ۱۲۹) همان، ج ۸۶، ص ۳۴، باب ۳۸، ذیل ح ۳۹ دعوات راوندی، ص ۸۴ ح ۲۱۵. ۱۳۰) همان، ص ۲۴، باب ۳۸، ح ۲۴. قرب الاسناد، ص ۱۱۸، ح ۴۱۵. ۱۳۱) کافی، ج ۲، ص ۶۲۰، باب فضل القرآن، ح ۲. ۱۳۲) نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۱۳، ح ۶، در تفسیر سوره قدر طب الائمة. ۱۳۳) بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۴۸، باب ۱۰۴، ح ۱، امالی طوسی، ۲۸۱ مجلس ۲۰، ح ۸۴. ۱۳۴) سفینه البحار، ج ۲ ص ۶۲۶، ماده نوم. ۱۳۵) تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۲۱، در تفسیر سوره آل عمران آیه شهد الله الخ. ۱۳۶) تنگی و فشار قبر (فرهنگ لاروس ماده ضغط). ۱۳۷) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۷۳، باب ۳۱، ح ۱؛ ثواب الاعمال، ص ۱۳۱، در ثواب قرائت سور. ۱۳۸) خصال، ج ۱، ص ۱۹۹، باب الاربعة، ح ۹ [آیه حزیفه در سوره نساء می‌باشد]. ۱۳۹) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۹، و ص ۴۱۰، باب ۶۲، ح ۱ و ۵. ۱۴۰) تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۵۰، در تفسیر سوره مائده. ۱۴۱) تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۸. ۱۴۲) اسب

سیاه و سفید (فرهنگ فارسی امید). ۱۴۳ (تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۵۰، در تفسیر سوره مائده. ۱۴۴) همان. ۱۴۵ (جامع الاخبار و الآثار، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۳ و ۲. ۱۴۶) تفسیر فرات کوفی، ص ۱۲۸ و ۱۲۹. ۱۴۷ (کافی، ج ۲، ص ۶۲۲، باب فضل القرآن، ح ۱۲. ۱۴۸) تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۷۱، در تفسیر سوره انعام. ۱۴۹) همان. ۱۵۰ (بحار، ج ۹۲، ص ۲۷۵، باب ۳۳، ح ۴. فقه الرضا، ص ۳۴۳، و احتجاج، ج ۲، ص ۱۸۳، ما جاء فی السور، ح ۴. ۱۵۱) اقبال الاعمال، ابن طاووس، ص ۲۲. ۱۵۲ (مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۷۱. در تفسیر سوره انعام. فضل السوره ۱۵۳) بحار، ج ۹۲، ص ۲۷۵، باب ۳۳، ح ۵ طب الائمه. ۱۵۴) مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۹۳، در تفسیر سوره اعراف، فضل السوره. ۱۵۵ (کافی، ج ۲، ص ۶۲۴، باب فضل القرآن، ح ۲۱. ۱۵۶) مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۱۶، در تفسیر سوره انفال، فضل السوره. ۱۵۷) همان، ج ۵، ص ۸۷، در تفسیر سوره یونس، فضل السوره. ۱۵۸) همان، ص ۱۴۰، در تفسیر سوره هود فضل السوره. ۱۵۹ (خصال، ج ۲، ص ۶۱۹، باب اربعماء. ۱۶۰) مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۰۶، در تفسیر سوره یوسف، فضل السوره. ۱۶۱) همان، ج ۶، ص ۲۷۳، در تفسیر سوره رعد، فضل السوره. ۱۶۲) همان، ص ۳۰۱، در تفسیر سوره ابراهیم؛ فضل السوره. ۱۶۳) همان، ج ۶، ص ۳۴۷، در تفسیر سوره نحل، فضل السوره. ۱۶۴) همان، ج ۶، ص ۳۹۳، در تفسیر سوره بنی اسرائیل، فضل السوره. ۱۶۵) مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۲۵۲۰ مسلسل فی الاستشفاء بالقرآن. ۱۶۶) مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۴۷، در تفسیر سوره کهف، فضل السوره. ۱۶۷) همان. ۱۶۸) همان. ۱۶۹) همان. ۱۷۰ (کافی، ج ۲، ص ۶۳۲، باب النوادر، ح ۲۱. ۱۷۱) مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۰۰، در تفسیر سوره مریم، فضل السوره. ۱۷۲) همان، ج ۷، ص ۱، در تفسیر سوره طه فضل السوره. ۱۷۳) همان، ص ۳۸، در تفسیر سوره انبیاء فضل السوره. ۱۷۴) همان، ص ۶۸، در تفسیر سوره حج، فضل السوره. ۱۷۵) همان، ص ۹۸، در تفسیر سوره مؤمنون. فضل السوره. ۱۷۶) همان، ج ۷، ص ۱۲۲، در تفسیر سوره نور. فضل السوره. ۱۷۷) رنج و درد (فرهنگ نوین). ۱۷۸) مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۲۵۳۱ مسلسل فی الاستشفاء بالقرآن، للشبکور، ح ۱. ۱۷۹) مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۹، در تفسیر سوره فرقان، فضل السوره. ۱۸۰) همان، ص ۱۸۳، در تفسیر سوره شعرا، فضل السوره. ۱۸۱) همان، ج ۸، ص ۲۷۱، در تفسیر سوره عنکبوت، فضل السوره. ۱۸۲) همان، ص ۳۱۲، در تفسیر سوره لقمان، فضل السوره. ۱۸۳) همان، ج ۸، ص ۳۲۵، در تفسیر سوره سجده، فضل السوره. ۱۸۴) همان، ص ۳۳۴، در تفسیر سوره احزاب، فضل السوره. ۱۸۵) ثواب الاعمال صدوق، ص ۱۳۷، باب قرائه ثواب السور، بحار الانوار، ج ۹۲، باب ۵۵، ص ۲۸۸ توضیح: چنین روایاتی که دلالت بر تحریف یا زیاده و نقصان قرآن دارد از درجه اعتبار ساقط است. زیرا مطابق نصوص و روایات معتبره و شهادت خود قرآن، این کتاب آسمانی از هرگونه تحریفی مصون و محفوظ است، و اعتقاد شیعه بر این است که در قرآن هیچگونه تحریف یا تغییر، و زیاده یا نقصانی اتفاق نیفتاده است. رجوع شود به کتاب «تدوین القرآن»، تألیف حجه الاسلام والمسلمین علی کورانی عاملی. ۱۸۶) مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۷۵، در تفسیر سوره سبأ، فضل السوره. ۱۸۷) من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۰، باب النوادر، فی وصایا النبی صلی الله علیه وآله وسلم. ۱۸۸) مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۳۲، فی استجابه دعواته. ۱۸۹) مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۱۳ و ۴۱۴، در تفسیر سوره یس، فضل السوره. ۱۹۰) ثواب الاعمال، صدوق، ج ۱، ص ۱۳۹، فی ثواب قرائت سور. ۱۹۱) مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۲۲۴، ۲۵۴۴ مسلسل. ۱۹۲) همان، ص ۲۲۷، ح ۲۵۴۸ مسلسل. ۱۹۳) امالی طوسی، ص ۶۷۷، مجلس ۳۷، ح ۱۳. ۱۹۴) مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۳۶، در تفسیر سوره صافات، فضل السوره. ۱۹۵) کافی، ج ۳، ص ۱۲۶، کتاب الجنایز، باب اذا عسر علی المیت، ح ۵. ۱۹۶) خصال، ج ۲، ص ۶۱۹، حدیث اربعماء. ۱۹۷) قرب الاسناد، ص ۳۳، ح ۱۰۷، احادیث متفرقه. ۱۹۸) من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۳۸، باب ۹۸، ح ۶۳، ح م ۱۱۳۲. ۱۹۹) مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۶۳، در تفسیر سوره ص، فضل السوره. ۲۰۰) همان، ص ۴۸۷، در تفسیر سوره زمر، فضل السوره. ۲۰۱) ثواب الاعمال، ص ۱۴۱، مکتبه الصدوق. ۲۰۲) سوره‌های حوامیم، یعنی هفت سوره‌ای که با حروف مقطعه «حم» شروع می‌شوند: از سوره مؤمن (۴۰) تا سور احقاف (۴۶). ۲۰۳) نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۱۰، روایت ۶ به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم قمی. ۲۰۴) همان. ۲۰۵) مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۱۲، در تفسیر سوره مؤمن، فضل السوره. ۲۰۶) همان، ج ۹،

ص ۳، در تفسیر سوره سجده، فضل السوره. ۲۰۷) همان، ص ۲۰، در تفسیر سوره حمعسق، فضل السوره. ۲۰۸) همان، ص ۳۸، در تفسیر سوره زخرف، فضل السوره. ۲۰۹) همان، ص ۶۰، در تفسیر سوره دخان، فضل السوره. ۲۱۰) کافی، ج ۱، ص ۲۵۲، کتاب الحجة فی شأن لیلۃ القدر، ذیل حدیث ۸. ۲۱۱) مجمع البیان، ج ۹، ص ۶۰، در تفسیر سوره دخان، فضل السوره. ۲۱۲) همان، ص ۷۰، در تفسیر سوره جاثیه، فضل السوره. ۲۱۳) همان، ص ۸۱، در تفسیر سوره احقاف، فضل السوره. ۲۱۴) ثواب الاعمال، ص ۱۴۱، باب قرائۃ السور، باب ثواب قرائۃ حوامیم. ۲۱۵) مجمع البیان، ج ۹، ص ۹۵، در تفسیر سوره محمدصلی الله علیه وآله وسلم فضل السوره. ۲۱۶) ثواب الاعمال، ص ۱۴۲، باب ثواب قرائۃ السور، ثواب قرائۃ سوره فتح. ۲۱۷) اقبال الاعمال، ص ۲۲، در اعمال شب اول ماه رمضان. ۲۱۸) همان، ص ۸۷، در اعمال روز اول ماه رمضان. ۲۱۹) مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۸، در تفسیر سوره حجرات، فضل السوره. ۲۲۰) همان، ص ۱۴۰، در تفسیر سوره ق، فضل السوره. ۲۲۱) همان، ص ۱۵۱، در تفسیر سوره ذاریات. فضل السوره. ۲۲۲) همان، ص ۱۶۲، در تفسیر سوره طور، فضل السوره. ۲۲۳) همان، ص ۱۷۰، در تفسیر سوره نجم، فضل السوره. ۲۲۴) همان، ص ۱۸۴، در تفسیر سوره اقتربت، فضل السوره. ۲۲۵) همان، ص ۱۹۵، در تفسیر سوره الرحمن، فضل السوره. ۲۲۶) همان. ۲۲۷) ثواب الاعمال، ص ۱۴۴، ثواب قرائۃ السور، ثواب قرائۃ الرحمن. ۲۲۸) مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۱۲، در تفسیر سوره واقعه، فضل السوره. ۲۲۹) ثواب الاعمال، ص ۱۴۴، ثواب قرائۃ السور، ثواب قرائۃ الواقعة، ح ۲. ۲۳۰) مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۱۲، در تفسیر سوره واقعه، فضل السوره. ۲۳۱) بحار الانوار، ج ۸۷، باب ۵، ح ۵، نقل از فلاح السائل. ۲۳۲) مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۱۲، در تفسیر سوره واقعه، فضل السوره. ۲۳۳) همان، ص ۲۲۹، در تفسیر سوره حدید، فضل السوره. ۲۳۴) همان، ص ۲۵۵، در تفسیر سوره حشر، فضل السوره. ۲۳۵) همان، ص ۲۶۷، در تفسیر سوره ممتحنه، فضل السوره. ۲۳۶) همان، ص ۲۷۷، در تفسیر سوره صف، فضل السوره. ۲۳۷) همان، ج ۱۰، ص ۲۸۳، در تفسیر سوره جمعه، فضل السوره. ۲۳۸) همان، ج ۱۰، ص ۲۹۶، در تفسیر سوره تغابن، فضل السوره. ۲۳۹) کافی، ج ۲، ص ۶۲۰، باب فضل القرآن، ح ۳. ۲۴۰) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۰۲، در تفسیر سوره طلاق، فضل السوره. ۲۴۱) همان، ص ۳۲۱، در تفسیر سوره ملک، فضل السوره. ۲۴۲) همان، ص ۳۲۰، در تفسیر سوره ملک، فضل السوره. ۲۴۳) همان، ص ۳۳۰، در تفسیر سوره قلم، فضل السوره. ۲۴۴) همان، ص ۳۴۲، در تفسیر سوره الحاقه، فضل السوره. ۲۴۵) همان، ص ۳۵۱، در تفسیر سوره المعارج، فضل السوره. ۲۴۶) همان، ص ۳۵۹، در تفسیر سوره نوح، فضل السوره. ۲۴۷) همان، ص ۳۶۵، در تفسیر سوره جن، فضل السوره. ۲۴۸) همان، ص ۳۷۵، در تفسیر سوره مزمل، فضل السوره. ۲۴۹) همان، ص ۳۸۳، در تفسیر سوره مدثر، فضل السوره. ۲۵۰) همان، ص ۳۹۳، در تفسیر سوره قیمة، فضل السوره. ۲۵۱) همان، ص ۴۰۲، در تفسیر سوره انسان، فضل السوره. ۲۵۲) امالی طوسی، ص ۲۲۴، مجلس ۸، ح ۳۹. ۲۵۳) عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۲، ح ۵. ۲۵۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۴، در تفسیر سوره مرسلات، فضل السوره. ۲۵۵) همان، ص ۴۲۰، در تفسیر سوره نبأ، فضل السوره. ۲۵۶) همان، ص ۴۲۸، در تفسیر سوره نازعات، فضل السوره. ۲۵۷) همان، ص ۴۳۵، در تفسیر سوره عبس، فضل السوره. ۲۵۸) همان، ص ۴۴۷، در تفسیر سوره انفطار، فضل السوره. ۲۵۹) همان، ص ۴۵۱، در تفسیر سوره مطفّفین، فضل السوره. ۲۶۰) همان، ص ۴۶۳، در تفسیر سوره بروج، فضل السوره. ۲۶۱) همان، ص ۴۶۹، در تفسیر سوره طارق، فضل السوره. ۲۶۲) همان، ص ۴۷۳، در تفسیر سوره اعلیٰ، فضل السوره. ۲۶۳) همان، ص ۴۷۷، در تفسیر سوره غاشیه، فضل السوره. ۲۶۴) همان، ص ۴۸۱، در تفسیر سوره فجر، فضل السوره. ۲۶۵) همان، ص ۴۹۰، در تفسیر سوره بلد، فضل السوره. ۲۶۶) همان، ص ۴۹۶، در تفسیر سوره شمس، فضل السوره. ۲۶۷) همان، ص ۵۱۰، در تفسیر سوره تین، فضل السوره. ۲۶۸) همان، ص ۵۱۲، در تفسیر سوره علق. فضل السوره. ۲۶۹) همان، ص ۵۱۶، در تفسیر سوره قدر، فضل السوره. ۲۷۰) همان، در تفسیر سوره قدر، فضل السوره. ۲۷۱) خصال صدوق، ج ۲، ص ۶۲۲، حدیث اربعمأة. ۲۷۲) امالی صدوق، مجلس ۸۸، ص ۴۸۵، ح ۱۱. ۲۷۳) اقبال الاعمال، ص ۶۴، در اعمال شب قدر. ۲۷۴) همان، ص ۲۱۱، در اعمال شب ۲۳، ماه رمضان. ۲۷۵) ثواب الاعمال، ص ۴۴، ح ۱، ثواب قرائۃ سورة القدر عند قطع الثوب. ۲۷۶) عیون الاخبار، ج ۱،

ص ۳۱۵، ح ۹۱، باب ۲۸. ۲۷۷) خصال صدوق، ص ۶۲۳، حدیث اربعمأة. ۲۷۸) مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۲۷، باب فی الدعاء، ح ۸، ح مسلسل ۶۶۸. ۲۷۹) کافی، ج ۲، ص ۶۲۴، کتاب فضل القرآن، ح ۱۹. ۲۸۰) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۲۹، باب ۱۱۰، ذیل حدیث ۱۰، به نقل از کفعمی. ۲۸۱) بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۳۰، باب ۱۱۰، ذیل حدیث ۱۰، به نقل از کفعمی. ۲۸۲) همان، ص ۳۳۱، باب ۱۱۰، ذیل حدیث ۱۰، به نقل از کفعمی. ۲۸۳) مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۸۳، باب فی طلب الولد، ح ۹، ح مسلسل ۱۶۷۲. ۲۸۴) کافی، ج ۵، باب النوادر، ص ۳۱۶، ح ۵۰. ۲۸۵) وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۲۷، ص ۱۰۵۳، ح ۳. ۲۸۶) بحار، ج ۹۷، باب ۱، ص ۱۳۳، ح ۱، ذیل حدیث. ۲۸۷) همان، ج ۹۲، باب ۱۱۰، ص ۳۳۰، ذیل حدیث ۱۰. ۲۸۸) همان، ص ۳۳۱، ذیل حدیث ۱۰. ۲۸۹) کافی، ج ۳، ص ۳۱۵، باب قرائة القرآن، ح ۱۹. ۲۹۰) غیبة شیخ طوسی، ص ۳۷۷، ح ۳۴۵، در ذکر بعض التَّوْقِیعات. ۲۹۱) همان. ۲۹۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۱، در تفسیر سوره بیَّنه، فضل السورة. ۲۹۳) کافی، ج ۲، ص ۶۲۶، باب فضل القرآن، ح ۲۴. ۲۹۴) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۳۳، باب ۱۱۲، ح ۱، عیون اخبار الرضا علیه السلام. ۲۹۵) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۷، در تفسیر سوره عادیات، فضل السورة. ۲۹۶) همان، ص ۵۳۰، در تفسیر سوره قارعه، فضل السورة. ۲۹۷) همان، ص ۵۳۲، در تفسیر سوره تکاثر، فضل السورة. ۲۹۸) همان، ص ۵۳۳، در تفسیر سوره تکاثر، فضل السورة. ۲۹۹) همان، ص ۵۳۵، در تفسیر سوره عصر، فضل السورة. ۳۰۰) همان، ص ۵۳۶، در تفسیر سوره همزه، فضل السورة. ۳۰۱) همان، ص ۵۳۹، در تفسیر سوره فیل، فضل السورة. ۳۰۲) همان. ۳۰۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۶، در تفسیر سوره ماعون، فضل السورة. ۳۰۴) ثواب الاعمال، ص ۱۵۵، فی ثواب قرائة السور. ۳۰۵) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۵۱، در تفسیر سوره کافرون، فضل السورة. ۳۰۶) کافی، ج ۲، ص ۶۲۱، باب فضل القرآن، ح ۷. ۳۰۷) همان، ص ۶۲۶، باب فضل القرآن، ح ۲۳. ۳۰۸) عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۷، باب ۳۱، ح ۱۰۱. ۳۰۹) کافی، ج ۳، ص ۳۱۶، باب قرائت القرآن، ح ۲۲. ۳۱۰) همان، ذیل حدیث ۲۲. ۳۱۱) ثواب الاعمال، ص ۱۵۵، باب ثواب قرائة السور. ۳۱۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۵۸، در تفسیر سوره تبت، فضل السورة. ۳۱۳) کافی، ج ۲، ص ۶۱۹، باب فضل القرآن، ح ۱. ۳۱۴) همان، ص ۶۲۲، باب فضل القرآن، ح ۱۳. ۳۱۵) همان، ص ۶۲۰، باب فضل القرآن، ح ۴. ۳۱۶) همان، ص ۶۲۴، باب فضل القرآن، ح ۲۰. ۳۱۷) همان، ص ۶۲۲، باب فضل القرآن، ح ۱۰. ۳۱۸) ثواب الاعمال، ص ۱۵۶، باب ثواب قرائة السور، ح ۲. ۳۱۹) همان، ح ۳. ۳۲۰) کافی، ج ۲، ص ۶۲۲، باب فضل القرآن، ح ۱۱. ۳۲۱) ثواب الاعمال، ص ۱۵۷، باب ثواب قرائة السور، ح ۸. ۳۲۲) همان، ص ۱۵۶، باب ثواب قرائة السوره، ح ۷. ۳۲۳) خصال، ج ۲، ص ۶۳۱، حدیث اربعمأة. ۳۲۴) توحید صدوق، ص ۹۵، ح ۱۲، باب معنی قل هو الله احد. ۳۲۵) توحید صدوق، ص ۹۵، ح ۱۵، باب معنی قل هو الله احد. ۳۲۶) مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۸۷، باب الاستشفاء بالقرآن، ح ۲۷. ۳۲۷) همان، ح ۲۶. ۳۲۸) تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۵۰، در تفسیر سوره ناس. ۳۲۹) کافی، ج ۳، ص ۳۱۷، باب قرائة القرآن، ح ۲۶. ۳۳۰) کودکی. ۳۳۱) کافی، ج ۲، ص ۶۲۳، باب فضل القرآن، ح ۱۷. ۳۳۲) ثواب الاعمال، ص ۱۵۸، فی ثواب قرائة السور. ۳۳۳) همان، ص ۶۰، ثواب قرائة بعض السور بعد الجمعة. ۳۳۴) غالیه: بوی خوشی است مرکب از مشک و عنبر و جز آن، به رنگ سیاه که موی را بدان خضاب کنند. (فرهنگ معین، ص ۲۳۸۲) ۳۳۵) مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۳۱، باب الاستشفاء بالقرآن، ح مسلسل ۲۵۵۲. ۳۳۶) همان، حدیث مسلسل، ۲۵۵۳، و ۲۵۵۴. ۳۳۷) همان، ج ۲، ص ۴۳، فیما یفعل عند النوم، ذیل ح ۶، ذیل حدیث مسلسل ۲۰۹۷. ۳۳۸) سوره مؤمن، آیه ۶۰. ۳۳۹) کافی، ج ۲، ص ۴۶۷، باب فضل الدعا والحثّ علیه، ح ۷ - ۵. ۳۴۰) ۱. سوره بقره، آیه ۱۸۶. ۳۴۱) کافی، ج ۲، ص ۴۶۶، باب فضل الدعا والحثّ علیه، ح ۲. ۳۴۲) همان، ح ۳. ۳۴۳) همان، ح ۴. ۳۴۴) امالی مفید، ص ۲۰، مجلس دوم، ح ۹. ۳۴۵) کافی، ج ۲، ص ۴۶۷، باب فضل الدعا والحثّ علیه، ح ۸. ۳۴۶) همان، ص ۴۶۸، باب الدعا سلاح المؤمن، ح ۱. ۳۴۷) همان، ح ۳. ۳۴۸) همان، ح ۵. ۳۴۹) همان، ص ۴۶۹، ح ۶. ۳۵۰) همان، ص ۴۶۹، باب الدعا یرد القضاء والبلاء، ح ۳. ۳۵۱) همان، ص ۴۷۰، باب الدعا یرد البلاء والقضاء، ح ۷. ۳۵۲) همان، ص ۴۷۰، باب الدعا شفاء من کل داء، ح ۱. ۳۵۳) همان، ص ۴۷۱، باب الهام الدعا، ح ۲. ۳۵۴) قرب الاسناد، ص ۱۱۷، ح مسلسل ۴۱۰. ۳۵۵) خصال صدوق، ص

۶۲۴، حدیث اربعمأة. (۳۵۶) امالی طوسی، ص ۲۰۴، مجلس ۷، ح ۴۹، ح مسلسل ۳۴۹. ۳۵۷) امالی صدوق، ص ۱۵۳، مجلس ۳۴، ح ۶. (۳۵۸) امالی طوسی، ص ۶۹۳، مجلس ۳۹، ح ۱۶. (۳۵۹) کافی، ج ۲، ص ۴۷۳، باب الاقبال علی الدعاء، ح ۲. (۳۶۰) همان، ص ۴۷۴، ح ۴. (۳۶۱) همان، ص ۴۷۳، ح ۱. (۳۶۲) همان، ص ۴۷۲، باب تقدم فی الدعاء، ح ۲ - ۱. (۳۶۳) همان، ح ۴. (۳۶۴) نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۳۰، فیض الاسلام. (۳۶۵) کافی، ج ۲، ص ۴۶۸، باب الدعاء سلاح المؤمن، ح ۲. (۳۶۶) تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴۶ در تفسیر آیه ۴۰ از سوره بقره. (۳۶۷) خصال، ص ۳۳۷، باب الستة، ح ۴۰. (۳۶۸) کافی، ج ۲، ص ۷۲، باب حسن الظن بالله. ح ۳. (۳۶۹) توحید صدوق، ص ۲۸۹، باب إِنَّهُ لَا يُعْرِفُ إِلَّا بِهِ، ح ۷. (۳۷۰) کافی، ج ۲، ص ۴۷۳، باب اليقين فی الدعاء، ح ۱. (۳۷۱) عدة الداعی، ص ۱۳۴، بیان المنقطعین الى الله و اجابة دعائهم. (۳۷۲) کافی، ج ۲، ص ۴۷۵، باب الحاح فی الدعاء، ح ۳. (۳۷۳) همان، ح ۴. (۳۷۴) همان، ح ۶. (۳۷۵) همان، ص ۴۷۴، ح ۱. (۳۷۶) همان، ص ۴۷۶، باب تسمیة الحاجة فی الدعاء، ح ۱. (۳۷۷) همان، ص ۴۷۶، باب اخفاء الدعاء، ح ۱. (۳۷۸) همان، ص ۴۸۷، باب الاجتماع فی الدعاء، ح ۱. (۳۷۹) همان، ح ۳ - ۲. (۳۸۰) همان، ح ۴. (۳۸۱) ظهر. (۳۸۲) کافی، ج ۲، ص ۴۷۶، باب الاوقات والحالات، ح ۱. (۳۸۳) همان، ص ۴۷۷، ح ۲. (۳۸۴) همان، ح ۳. (۳۸۵) همان، ح ۶. (۳۸۶) همان، ح ۷. (۳۸۷) همان، ص ۴۷۸، ح ۹. (۳۸۸) یک ششم ۳۸۹) کافی، ج ۲، ص ۴۷۸، ح ۱۰. (۳۹۰) امالی طوسی، ص ۲۸۰، مجلس ۱۰، ح ۸۰، ح مسلسل ۵۴۲. (۳۹۱) خصال صدوق، ص ۶۱۵ و ۶۱۶، حدیث اربعمأة. (۳۹۲) همان، ص ۶۱۸، حدیث اربعمأة. (۳۹۳) عدة الداعی، ص ۴۶، باب الثاني فی اسباب الاجابة. (۳۹۴) همان، ص ۴۷. (۳۹۵) معانی الاخبار، ص ۳۹۹، باب نوادر المعانی. (۳۹۶) کافی، ج ۳، ص ۳۲۴، ح ۱۱، از باب السجود والتسبیح... و ما یقال بین السجدةین. (۳۹۷) مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۹۶، باب البكاء، ح ۱۴، مسلسل ۲۲۷۵. (۳۹۸) لرزش، لرزه (فرهنگ نوین). (۳۹۹) مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۴، باب الاوقات الدعاء، ح ۷، مسلسل ۲۰۲۱. (۴۰۰) کافی، ج ۲، ص ۴۸۳، باب البكاء من کتاب الدعاء. ح ۱۰. (۴۰۱) مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۵، باب الاوقات الدعاء، ح ۱۳ - ۱۰ مسلسل ۲۰۲۷ - ۲۰۲۴. (۴۰۲) از سر بی نیازی. (۴۰۳) حاشیه نشینان و ملازمان و نوکرها (فرهنگ فارسی معین). (۴۰۴) کافی، ج ۲، ص ۴۸۷، باب العموم فی الدعاء، ح ۱. (۴۰۵) خصال صدوق، ج ۲، ص ۵۳۸، ابواب الاربعین، ح ۳. (۴۰۶) عدة الداعی، ص ۱۸۳، باب ۱۴، الدعاء للاخوان. (۴۰۷) کافی، ج ۲، ص ۵۰۷، باب الدعاء للاخوان، ح ۴. (۴۰۸) همان، ح ۲. (۴۰۹) همان، ص ۵۰۸، ح ۵. (۴۱۰) همان، ح ۶. (۴۱۱) بهتر. (۴۱۲) کافی، ج ۲، ص ۵۰۸، باب الدعاء للاخوان، ح ۷. (۴۱۳) دعوات رواندی، ص ۲۵، باب فی آداب الدعاء، ح ۳۸. (۴۱۴) کافی، ج ۲، ص ۵۰۳، باب التحمید، ح ۲ قریب به این مضمون. (۴۱۵) دعوات رواندی، ص ۲۳، فصل ۲، ح ۲۷. (۴۱۶) عدة الداعی، ص ۲۶۰، فی اقسام الذکر. (۴۱۷) کافی، ج ۲، ص ۴۸۴، باب الثناء قبل الدعاء، ح ۱. (۴۱۸) همان، ح ۳. (۴۱۹) همان، ص ۴۸۵، صدر حدیث ۶. (۴۲۰) همان، ذیل حدیث ۶ و صدر حدیث ۷. (۴۲۱) همان، ص ۴۹۱، باب الصلوة علی النبی صلی الله علیه وآله وسلم ح ۱ و ص ۴۹۳، ح ۱۰. (۴۲۲) همان، ص ۴۱۹، ح ۲. (۴۲۳) همان، ص ۴۹۴، ح ۱۶. (۴۲۴) همان، ص ۴۹۲، ح ۶. (۴۲۵) همان، ح ۸. (۴۲۶) همان، ص ۴۹۳، ح ۱۳. (۴۲۷) همان، ص ۴۹۳، باب الصلوة علی النبی صلی الله علیه وآله وسلم، ح ۹. (۴۲۸) همان، ص ۴۹۴، ص ۱۵. (۴۲۹) ثواب الاعمال، ص ۱۸۶، ثواب من صلی علی محمد وآله بعد الفجر. (۴۳۰) همان، ص ۱۸۷، ثواب من صلی علی محمد و آلہ يوم الجمعة. (۴۳۱) خصال صدوق، ص ۳۹۳، باب السبعة، ذیل حدیث ۹۵. (۴۳۲) همان، ج ۲، ص ۳۹۴، باب ماجاء فی يوم السبت. ح ۱۰۱. (۴۳۳) امالی صدوق، ص ۳۲۶، مجلس ۶۲، ح ۱۸. (۴۳۴) فقه الرضا، ص ۱۲۸، باب ۸، صلوة يوم الجمعة والعمل فی لیلتها. (۴۳۵) جمال الاسبوع، فصل ۴۷، ص ۲۷۶، خبر ۶. (۴۳۶) عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۴، باب ۲۸، ح ۵۲. (۴۳۷) علل الشرايع، ج ۱، ص ۳۴، باب ۳۱، ح ۳. (۴۳۸) معانی الاخبار، ص ۳۶۸، باب معنی الصلوة علی النبی وآله، ح ۱. (۴۳۹) کافی، ج ۲، ص ۶۵۵، باب العطاس، ح ۹. (۴۴۰) همان، ص ۶۵۶، ح ۱۷. (۴۴۱) امالی صدوق، ص ۱۶۷، مجلس ۳۶، ح ۹. (۴۴۲) همان، ص ۴۶۴، مجلس ۸۵، ح ۱۸. (۴۴۳) عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴، باب ۳۵، ح ۱. و خصال ج ۲، ص ۶۰۷، ابواب المأة فما فوقه ح ۹، خصال من شرايع. (۴۴۴) کافی، ج ۲، ص ۴۹۵، باب الصلوة علی النبی صلی الله علیه وآله وسلم، ح ۱۹. (۴۴۵) معانی الاخبار،

ص ۲۴۶، باب معنى البخل، ح ۹. ۴۴۶) كافي، ج ۲، ص ۴۹۵، باب الصلوة على النبي صلى الله عليه وآله وسلم، ح ۲۰. ۴۴۷) امالى صدوق، ۲۱۹، مجلس ۴۵، ح ۷. ۴۴۸) أنسب: شايسته تر، در خور تر، مناسبت تر. (فرهنگ فارسي معين). ۴۴۹) صحيفه سجاديّه، دعای سيزدهم، اوائل دعا. ۴۵۰) كافي، ج ۲، ص ۴۶۷، باب فضل الدعا والحث عليه، ح ۵. ۴۵۱) نهج البلاغه فيض الاسلام، ص ۶۴۳، خطبه ۱۹۰. ۴۵۲) يك داروى گياهي. ۴۵۳) كوبيدن، ساييدن (فرهنگ فارسي اميد). ۴۵۴) كافي، ج ۲، ص ۴۸۹، باب من ابطأت عليه الاجابة، ح ۴. ۴۵۵) اشاره به آيه ۸۸ سوره يونس مى باشد. ۴۵۶) سوره يونس، آيه ۸۹. ۴۵۷) كافي، ج ۲، ص ۴۸۹، باب من ابطأت عليه الاجابة، ح ۴. ۴۵۸) سوره بقره، آيه ۱۸۶. ۴۵۹) سوره زمر، آيه ۵۳. ۴۶۰) سوره بقره، آيه ۲۶۸. ۴۶۱) كافي، ج ۲، ص ۴۸۸، باب من ابطأت عليه الاجابة، ح ۱. ۴۶۲) همان، ص ۴۸۹، ح ۲. ۴۶۳) همان، ص ۴۹۰، ح ۷. ۴۶۴) همان، ص ۴۹۰، باب من ابطأت عليه الاجابة، ح ۸. ۴۶۵) امالى صدوق، ص ۲۴۴، مجلس ۴۹، ح ۱۱. ۴۶۶) كافي، ج ۲، ص ۴۹۰، باب من ابطأت عليه الاجابة، ح ۹. ۴۶۷) باز: نام پرنده اى شكارى. ۴۶۸) بى شعور. ۴۶۹) سوره عاديات، آيه ۶. ۴۷۰) مكارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۹، باب فيمن يستجاب دعائه، ح ۱، ح مسلسل ۲۰۴۲. ۴۷۱) همان، ص ۲۰، باب فيمن يستجاب دعائه، ح ۲. ح مسلسل ۲۰۴۳. ۴۷۲) عدّه الداعي، ص ۱۳۲، باب الثالث فى الداعي، القسم الاول. ۴۷۳) امالى صدوق، ص ۲۱۸، مجلس ۴۵، ح ۴. ۴۷۴) عدّه الداعي، ص ۱۳۳، باب الثالث فى الداعي، القسم الاول. ۴۷۵) خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۹۹، باب الخمسة، ح ۷۱. ۴۷۶) امالى صدوق، ص ۱۵۸ و ص ۱۵۹، مجلس ۳۵، در ضمن ح ۱. ۴۷۷) همان، ص ۴۸۶، مجلس ۸۸ ح ۱۴. ۴۷۸) كافي، ج ۲، ص ۵۰۵، باب التسييح و التهليل والتكبير، ح ۱. ۴۷۹) عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۸۴، باب ۳۲، ج ۲۵. ۴۸۰) كافي، ج ۲، ص ۵۰۶، باب التسييح و التهليل و التكبير، ح ۲. ۴۸۱) همان، ح ۳. ۴۸۲) ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۲۶، باب ثواب من قال سبحان الله، ... ح ۲. ۴۸۳) تفسير عياشى، ج ۲، ص ۳۲۷، صدرح ۳۲، در تفسير سوره كهف. ۴۸۴) ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۲۷، باب ثواب من قال سبحان الله، ح ۱. ۴۸۵) جامع الاخبار، ص ۱۳۳، فصل ۲۴. ۴۸۶) ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۶، ح ۳. ۴۸۷) بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۹۶ و ۲۰۱ ح ۱۵ و ۳۳. ۴۸۸) همان، ح ۵. ۴۸۹) همان، ص ۱۷، ح ۷. ۴۹۰) كافي، ج ۲، ص ۵۱۶، باب من قال لا اِلهَ الاَ الله، ح ۱. ۴۹۱) همان، ذيل ح ۲، ص ۵۱۷. ۴۹۲) ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۸، باب من قال لا اِلهَ الاَ الله مائة مرة. ح ۱. ۴۹۳) كافي، ج ۲، ص ۴۹۸، باب ذكر الله عزوجل كثيراً، ح ۱. ۴۹۴) همان، ص ۴۹۹، ذيل روايت ۱. ۴۹۵) همان، ص ۵۰۰، ح ۳. ۴۹۶) ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۹، باب من قال لا اِلهَ الاَ الله مخلصاً، ح ۱. ۴۹۷) همان، ص ۲۲، باب من قال لا اِلهَ الاَ الله من غير تعجب، ح ۱. ۴۹۸) امالى صدوق، ص ۴۳۴، مجلس ۸۰، ح ۵. ۴۹۹) عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۵۵، باب ۳۱، ضمن ح ۲۰۶. ۵۰۰) كافي، ج ۲، ص ۵۱۷، باب من قال لا اِلهَ الاَ الله وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، ح ۱. ۵۰۱) محاسن برقى، ص ۳۲، باب ۱۸، ح ۲۲، ثواب قول لا- اِلهَ الاَ الله ... ۵۰۲) ثواب الاعمال، ص ۲۳، باب من قال فى كل يوم ثلاثين مرة، ... ح ۱. ۵۰۳) ثواب الاعمال، ص ۲۴، باب من قال فى كل يوم خمس عشر مرة، ... ح ۱. ۵۰۴) كافي، ج ۲، ص ۵۱۸، باب من قال اشهد ان لا اِلهَ الاَ الله، ... ح ۱. ۵۰۵) همان، ص ۵۱۹، باب من قال عشر مرات فى كل يوم «اشهد ان لا اِلهَ الاَ الله» ح ۱. ۵۰۶) همان، ذيل ح ۱. ۵۰۷) ثواب الاعمال، ص ۱۹، باب ۲۱، ح ۱. ۵۰۸) ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۲۷، ثواب من قال سبحان الله مائة مرة ح ۱. ۵۰۹) همان، ثواب من قال سبحان الله و بحمده، ح ۱. ۵۱۰) معانى الاخبار، ص ۹، باب معنى سبحان الله، ح ۳. ۵۱۱) امالى صدوق، ص ۲۳۲، مجلس ۴۷، ح ۱۳. ۵۱۲) معانى الاخبار، ص ۴۱۱، نوادر المعانى، ح ۹۸. ۵۱۳) امالى صدوق، ص ۵۴، مجلس ۱۳، ح ۴. ۵۱۴) خصال، ج ۲، ص ۵۰۵، ابواب الستة عشر، ج ۲. ۵۱۵) معانى الاخبار، ج ۲، ص ۳۰۶، باب معنى القميص و الرداء و، ... ح ۱. ۵۱۶) كافي، ج ۲، ص ۵۰۳، باب التحميد و التمجيد، ح ۲. ۵۱۷) خصال، ج ۱، ص ۲۹۹، باب الخمسة، ذيل ح ۷۲. ۵۱۸) عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۶، باب ۳۱، ح ۱۷۱. ۵۱۹) موجب ناراحتى مى شد. ۵۲۰) امالى طوسى، ص ۵۰، مجلس دوم، ح ۳۳، ح مسلسل ۶۴. ۵۲۱) كافي، ج ۲، ص ۵۰۳، باب التحميد و التمجيد، ح ۳. ۵۲۲) امالى صدوق، ص ۲۲۰، مجلس ۴۵، ح ۱۲. ۵۲۳) ثواب الاعمال، ص ۲۸، ثواب من قال الحمد لله كما هو أهله، ح ۱. ۵۲۴) همان،

ص ۲۴، ثواب من قال فی کل یوم سبع مرات، ... ح ۱. ۵۲۵) امالی طوسی، ص ۳۷۲، مجلس ۱۳، ح ۵۲، ح مسلسل ۸۰۱. ۵۲۶) خصال، ج ۲، ص ۵۰۵، ابواب الستة عشر، ح ۲. ۵۲۷) کافی، ج ۲، ص ۵۰۴، باب الاستغفار، ح ۱. ۵۲۸) همان، ح ۲. ۵۲۹) خصال، ج ۱، ص ۲۹۹، باب الخمسة، ذیل ح ۷۲. ۵۳۰) کافی ج ۲، ص ۵۰۵، باب الاستغفار، ح ۶. ۵۳۱) همان، ص ۵۰۴، ح ۴. ۵۳۲) همان، ص ۵۰۵، ح ۵. ۵۳۳) همان، ص ۴۳۸، باب الاستغفار من الذنب، ح ۵. ۵۳۴) همان، ص ۴۳۹، ح ۱۰. ۵۳۵) همان ۴۳۸، ح ۷. ۵۳۶) خصال، ص ۲۱۸، ح ۴۳، و امالی صدوق، ص ۱۵، ح ۲. ۵۳۷) داخل [] از نسخه اصلی اسقاط شده است. ۵۳۸) امالی صدوق، ص ۱۵، مجلس دوم، ح ۲. ۵۳۹) کافی، ج ۲، ص ۵۵۵، باب الدعا للدين، ح ۳. ۵۴۰) امالی صدوق، ص ۴۳۶، مجلس ۸۱، ح ۵. ۵۴۱) همان، ص ۴۴۷، مجلس ۸۲، ح ۱۳. ۵۴۲) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱، در تفسیر سوره اسری، آیه اول. ۵۴۳) عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۶، باب ۳۱، ح ۱۷۱. ۵۴۴) خصال، ج ۲، ص ۳۴۵، باب السبعة، ح ۱۲. ۵۴۵) ثواب الاعمال، ص ۱۹۵، ثواب من قال فی کل یوم لا، ... ح ۱. ۵۴۶) همان، ص ۲۴، ثواب من دعا و ختم دعائه، ... ح ۱. ۵۴۷) کافی، ج ۲، ص ۵۲۱، باب من قال ما شاء الله، ... ح ۲. ۵۴۸) دعوات راوندی، ص ۴۵، فصل فی الدعاء، ح ۱۰۹. ۵۴۹) کافی، ج ۲، ص ۵۱۹ و ص ۵۲۰، باب من قال یا الله، ح ۱؛ و باب من قال رب، ح ۱. ۵۵۰) محاسن، ص ۳۵، باب ۲۷، ح ۳۲. ۵۵۱) قرب الاسناد، ص ۱، ح ۲. ۵۵۲) مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶، ح ۸۶. ۵۵۳) مهج الدعوات، ص ۳۱۶، فی تعیین اسم الاعظم. ۵۵۴) همان، ص ۳۱۷، فی تعیین اسم الاعظم. ۵۵۵) همان، ص ۳۲۱، من الروایات فی اسم الله. ۵۵۶) همان، ص ۳۲۱، من الروایات فی اسم الله. ۵۵۷) قرب الاسناد، ص ۲، ح ۵. ۵۵۸) کافی، ج ۲، ص ۵۳۱، باب القول عند الاصبح و الامساء، ح ۲۹. ۵۵۹) مهج الدعوات، ص ۳۱۶، فی تعیین اسم الاعظم. ۵۶۰) کافی، ج ۲، ص ۵۳۱، باب القول عند الاصبح، ... ح ۲۵، و ۲۶. ۵۶۱) همان، ح ۲۷. ۵۶۲) همان، ص ۵۳۰، ح ۲۴. ۵۶۳) همان، ص ۵۱۸، من قال لاله الا الله، ح ۱. ۵۶۴) همان، ح ۲. ۵۶۵) همان، ص ۵۳۲ و ص ۵۳۳، باب القول عند الاصبح، ح ۳۱ - ۳۳. ۵۶۶) همان، ص ۵۳۴، ح ۳۵. ۵۶۷) ثواب الاعمال، ص ۱۹۵، باب من کبر عند المساء. ۵۶۸) محاسن، ج ۱، ص ۳۶، باب ۲۸، ح ۳۳. ۵۶۹) کافی ج ۲، ص ۵۰۳، باب التحمید و التمجید، ح ۴. ۵۷۰) عدة الداعي، ص ۲۶۰، فی اقسام الذکر. ۵۷۱) امالی صدوق، ص ۱۶۹، مجلس ۳۶، ح ۱۶. ۵۷۲) کافی، ج ۲، ص ۵۲۲، باب القول عند الاصبح، ... ح ۴. ۵۷۳) همان، ص ۵۲۵، ذیل ح ۱۲. ۵۷۴) همان، ص ۵۲۶، ح ۱۴. ۵۷۵) همان، ص ۵۳۵، ح ۳۸. ۵۷۶) همان، قریب به مضمون، و تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۷. ۵۷۷) الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص ۵۲. ۵۷۸) ثواب الاعمال، ص ۱۹۸، ثواب من استغفر سبعین مرة، ح ۱. ۵۷۹) همان، ص ۱۹۹، ثواب من قال حین یمسی، ح ۱. ۵۸۰) کافی، ج ۲، ص ۵۴۵، الدعا فی ادبار الصلوة، ح ۲. ۵۸۱) تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۴، در تفسیر سوره اسری. ۵۸۲) امالی صدوق، ص ۵۴، مجلس ۱۳، ح ۵. ۵۸۳) ثواب الاعمال، ص ۱۹۴، ثواب الدعا للمؤمنین، ح ۳. ۵۸۴) کافی، ج ۲، ص ۵۵۰، الدعا فی ادبار الصلوة، ح ۱۲. ۵۸۵) مصباح المتعبد، ۲۰۸، تعقیب صلوة الصبح، طبع مؤسسه فقه الشیعه. ۵۸۶) کافی، ج ۳، ص ۳۴۳، باب التعقیب بعد الصلوة، ح ۱۴. ۵۸۷) ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۹۶، ثواب تسیح فاطمه علیها السلام ح ۳. ۵۸۸) محاسن برقی، ج ۱، ص ۳۶، باب ۲۹، ح ۳۴. ۵۸۹) ثواب الاعمال، ص ۲۶، ثواب من قال سبحان ا، ... ح ۳. ۵۹۰) امالی صدوق ص ۱۵۴، مجلس ۳۴، ح ۱۱. ۵۹۱) کافی، ج ۲، ص ۵۲۱، باب ثواب من قال استغفرا، ... ح ۱. ۵۹۲) معانی الاخبار، ص ۳۹۴، نوادر المعانی، ح ۴۶. طبع جامعه. ۵۹۳) کافی ج ۳، ص ۳۴۶، باب التعقیب بعد الصلوة، ح ۲۸. ۵۹۴) امالی صدوق ص ۲۲۴، مجلس ۴۶، ح ۶. ۵۹۵) معانی الاخبار، ص ۱۴۰، باب المخیبات، ح ۱. ۵۹۶) علل الشرايع، ج ۱، ص ۳۶۰، باب ۷۸، ح ۱. ۵۹۷) قرب الاسناد، ص ۳۸۲، ح ۱۳۴۴، احادیث متفرقه. ۵۹۸) کافی، ج ۳، ص ۳۴۴، باب التعقب، ح ۲۲ و خصال، ج ۲، ص ۲۹ حدیث اربعمأة. ۵۹۹) همان، ص ۳۴۲، ح ۱۰. ۶۰۰) فلاح السائل، ص ۱۷۱ و ۱۷۲. ۶۰۱) امالی صدوق، ص ۲۱۱، مجلس ۴۴، ح ۸. ۶۰۲) امالی طوسی، ص ۵۰۸، مجلس ۱۸، ح ۱۷، ح مسلسل ۱۱۱۰. ۶۰۳) فلاح السائل، ص ۲۰۱، و مصباح المتعبد، ص ۶۶. ۶۰۴) فلاح السائل، ص ۲۵۷. ۶۰۵) مصباح المتعبد، ص ۹۷ و ۹۸، بلد الامین، ۳۱. ۶۰۶) مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۳۸، فی سجدة

الشکر، ح ۴. ح مسلسل ۲۰۸۶. ۶۰۷) همان، ح ۴، ح مسلسل ۲۰۸۴. ۶۰۸) عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۱، باب ۳۷، ح ۲۷. ۶۰۹) همان، ص ۲۸۰، ح ۲۳. ۶۱۰) کامل الزیارة، ص ۱۴۶، ذیل ح ۴. ۶۱۱) کافی، ج ۳، ص ۳۲۵، باب السجود و التسبیح، ح ۱۷. ۶۱۲) همان، ص ۳۲۶، ضمن ح ۱۹ و بحار الانوار ج ۸۶، ص ۲۰۹، ح ۲۴. ۶۱۳) کافی، ج ۳، ص ۳۲۸، ح ۲۲. ۶۱۴) همان، ص ۳۲۷، ح ۲۱. در کافی به جای کلمه «اُنْسَى کلمه» اُنْسِنِی دارد. ۶۱۵) فلاح السائل، ص ۲۷۹. ۶۱۶) همان، ص ۲۷۹ و ۲۸۰، بحار الانوار ج ۷۶، ص ۲۱۰، ح ۲۳. ۶۱۷) فلاح السائل، ص ۲۸۱، این قسمت در روایت بحار نیامده است. ۶۱۸) همان، ص ۲۷۵. ۶۱۹) مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۴۳، فیما یفعل عند النوم، ح ۶. ۶۲۰) کافی، ج ۲، ص ۵۳۵، الدعا عند النوم. ح ۱. ۶۲۱) همان، ص ۵۳۶، ح ۳. ۶۲۲) فَبَها: بسیار خوب، لغت نامه دهخدا ص ۱۴۹۵۶ چاپ دانشگاه تهران. ۶۲۳) مکارم الاخلاق، ص ۲۸۸. ۶۲۴) فلاح السائل، ۲۸۸. ۶۲۵) همان، ص ۲۸۵. ۶۲۶) همان، ص ۲۸۵ و ۲۸۶. ۶۲۷) همان، ص ۲۸۶. ۶۲۸) فقیه، ج ۱، ص ۵۵۲ و ۵۵۳، ح ۱۵۳۳ و ۱۵۳۶. ۶۲۹) نادر راوندی، ص ۲۹، الهدایة للصدوق، ص ۳۶، فقه الرضا، ص ۱۵۵ و احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۸۷. ۶۳۰) کافی، ج ۳، ص ۴۶۶، باب صلوة التسبیح، ح ۲. ۶۳۱) همان، ص ۴۶۸، باب صلوة فاطمه علیها السلام ح ۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات

شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شب: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گامی



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹